

سلسله گزارش‌های مسئله‌شناسی و ایده‌پروری شماره (۶)

## الگوی «زیست‌شهر» های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری  
گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو  
مجموعه گزارش شماره ۳۸۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شناسه گزارش

عنوان	الگوی «زیست شهر» های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی
کد شناسه	۱۴۰۱-۱۱-۱۰۴۳۵
گروه پژوهشی	آینده‌نگری و فناوری‌های نو
ایده پرداز	عباس جهانبخش
تیم ایده‌پروری	حمید محمدی- محدثه بشیرمشهدی- گل نساء صلواتی- سارا مدنیان- یدالله دیوسالار
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	زمستان ۱۴۰۱
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران- خیابان نجات‌اللهی- خیابان استاد جعفر شهری (سپند شرقی)- پلاک ۱۶ شماره تماس: ۰۲۱-۱۴۳۳۰۶۰۰۰ پیام‌رسان: ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
<a href="https://www.dfrc.ir/">https://www.dfrc.ir/</a>	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ	خلاصه مدیریتی.....
۵	۱- بررسی ایده در چارچوب نظریه اجتماعی.....
۶	۱-۱- شهر در جامعه بازار.....
۸	۱-۲- شهر و جامعه استیلا.....
۹	۱-۳- شهر و جامعه آنارشسیسم.....
۲۰	۱-۴- معرفی طرح پیشنهادی؛ نظریه اجتماعی امامت- امت.....
۲۷	۱-۴-۱- مصالح و جزئیات اجرایی.....
۳۰	۱-۴-۲- زمین: بررسی میزان اراضی مورد نیاز و نحوه تأمین آن.....
۳۰	۱-۴-۳- آب و انرژی: بررسی نحوه تأمین آب و انرژی.....
۳۱	۱-۴-۴- امکان‌سنجی اقتصادی.....
۵۷	۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۶۲	پیوست.....
۶۲	پیوست ۱: الگوی «زیست‌شهر»های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی.....

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۴	جدول ۱: تولیدات کشاورزی توسط خانوارهای روسی در داچاها، در سال ۲۰۰۴.....
۱۵	جدول ۲: مقایسه بهره‌وری باغات زیر ۱۰۰۰ متر تا بالای ۵۰۰ هزار متر.....
۱۵	جدول ۳: نتایج کل سالانه طرح آمارگیری بخش زراعت برای دیم و آبی در سال ۱۳۹۷.....
۱۶	جدول ۴: نتایج کل سالانه طرح آمارگیری بخش زراعت برای دیم در سال ۱۳۹۷.....
۱۶	جدول ۵: نتایج کل سالانه طرح آمارگیری گندم در بخش زراعت برای دیم و آبی در سال ۱۳۹۷.....
۱۶	جدول ۶: نتایج کل سالانه طرح آمارگیری گندم در بخش زراعت برای آبی در سال ۱۳۹۷.....
۱۷	جدول ۷: نتایج کل سالانه طرح آمارگیری گندم در بخش زراعت برای دیم در سال ۱۳۹۷.....
۱۸	جدول ۸: لیست کالاهای سال ۲۰۱۷ در تائوبائو.....
۴۸	جدول ۹: مهم‌ترین محورهای نظریه‌های اجتماعی.....
۵۰	جدول ۱۰: زنجیرهای ۹ گانه جامعه سرمایه‌داری.....
۵۴	جدول ۱۱: مقایسه ویلایی طبس با آپارتمانی بیرجند.....
۵۴	جدول ۱۲: متوسط عرصه هر خانه ۸۲۵ متر در یک شهرک ۲۰۰۰ واحدی.....

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۲	نمودار ۱: ابعاد منتخب پروژه بوم‌روستاها.....
۳۱	نمودار ۲: تراکم نفر در کیلومتر مربع شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر.....
۳۲	نمودار ۳: تراکم نفر در کیلومتر مربع شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر با احتساب ایران.....
۳۲	نمودار ۴: تراکم نفر در کیلومتر مربع شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر با احتساب مسکن مهر.....
۵۳	نمودار ۵: نظرسنجی انجام شده در رسانه ملی.....

## فهرست شکل‌ها

عنوان	صفحه
شکل ۱: تصویر تعریف فضایی برای پیاده‌روی.....	۲
شکل ۲: تحقیقات اسکار نیومن؛ ارتباط میان کالبد و جرم.....	۴
شکل ۳: ضرورت تناسب ساختارها با نظریه اجتماعی.....	۵
شکل ۴: شهر در جامعه بازار.....	۷
شکل ۵: برای هر ۱۰۰ نفر ۱۵۰۰۰ متر زمین در برنامه پیشنهادی.....	۱۰
شکل ۶: وضعیت سه بعدی مجموعه.....	۱۱
شکل ۷: نمونه‌ای از تولید و فراوری غیر متمرکز کاشت و سرو سبزی در مکان.....	۱۱
شکل ۸: مشارکت فعال مردم در تصرف محیط.....	۲۱
شکل ۹: تیپ ۴۰ واحدی طرح پیشنهادی.....	۲۱
شکل ۱۰: طرح سه بعدی خانه‌های حیاطدار با نماها مشابه.....	۲۲
شکل ۱۱: حول مسجد و خدمات محلی.....	۲۲
شکل ۱۲: مرکز محله.....	۲۳
شکل ۱۳: مصرف مجدد آب خاکستری.....	۲۴
شکل ۱۴: تیپ دو طبقه (زیرزمین و طبقه همکف).....	۲۴
شکل ۱۵: تیپ سه بعدی خانه پیشنهادی.....	۲۵
شکل ۱۶: تولید و نگهداری مواد غذایی.....	۲۵
شکل ۱۷: تداوم بین نسلی خانوار.....	۲۶
شکل ۱۸: درک فصول.....	۲۶
شکل ۱۹: دید از ایوان خانه به سمت باغ.....	۲۷
شکل ۲۰: گودال باغچه.....	۲۷
شکل ۲۱: نمونه سازه‌ای برای معماری مشارکتی.....	۲۸
شکل ۲۲: نمونه سازه‌ای در آمریکای جنوبی و هند.....	۲۸
شکل ۲۳: نمونه سازه‌ای مجوزدار در ایران.....	۲۹
شکل ۲۴: آپارتمان‌های نیمه تمام پروژه خراسان جنوبی.....	۲۹
شکل ۲۵: ارتباط متقابل فرهنگ با فضاها و ساختارهای اجتماعی.....	۴۸
شکل ۲۶: نمایی از خانه-باغی در طبس.....	۵۲
شکل ۲۷: نمایی از شبکه مویرگی آب در ایران.....	۵۲
شکل ۲۸: مکانیابی مسکن نهضت ملی شهر جیرفت.....	۵۶



## خلاصه مدیریتی<sup>۱</sup>

نظام کالبدی یکی از ساختارهای پنج‌گانه توسعه کشور محسوب می‌شود. به همین منظور، ششمین ایده از سلسله رویدادهای ایده‌پروری در مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری با عنوان «الگوی زیست‌شهرهای نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی» برگزار شد. زیست‌شهرهای مولد الگویی هم‌افزا جهت حل مشکلات سکونت، اشتغال، جمعیت و سبک زندگی در فضایی اجتماعی- فرهنگی است که در پاسخ به مسائلی مانند کمبود و مالکیت زمین، تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد، تعادل یا توازن منطقه‌ای و یا آمایش سرزمین، تراکم بالای شهرهای کشور و به دنبال آن از بین رفتن فضای صمیمانه و همدلانه در خانه‌ها، خطر فروپاشی استحکام خانواده‌ها و همچنین تبعات اقتصادی آن حائز اهمیت است. در طی این سال‌ها در برنامه‌ریزی‌ها، طراحی علوم کاربردی و محصولات اجتماعی، طبیعتی ساخته که با صناعت اجتماعی کاملاً در تضاد بوده و سبب آسیب‌های اجتماعی بسیاری شده است. برای مثال در ارتباط با تأثیرات کالبد بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی، محدود کردن اراضی شهری، قیمت پیدا کردن زمین و تشدید این اثر ریکاردویی<sup>۲</sup> در کنار تراکم‌های بالای شهری، موجب چادرخوابی و کارتن‌خوابی در کنار برج‌های بلندمرتبه شده است. خانه کوچک مانند یک سلول است و خانه سلولی اگرچه سبب رشد تولید ناخالص داخلی<sup>۳</sup> می‌شود، اما از نظر فرهنگی باعث آسیب به سلول حیاتی جامعه که همان خانواده است می‌شود؛ این امر حتی در درازمدت، ضررهای اقتصادی جبران‌ناپذیری نیز در پی خواهد داشت. معمار و شهرساز، عملاً عرضه‌کننده تعریفی از شایسته‌ترین زندگی است. برای ارائه تعریف زندگی شایسته، مرور فرهنگ‌ها و به تبع آن نظریه‌های اجتماعی لازم است؛ زیرا شهری که برای یک نوع فرهنگ بهینه است امکان دارد برای فرهنگی دیگر غیربهینه باشد. باید دید چه نوع روابط اجتماعی، روابط شایسته است و چه نوع روابط اجتماعی، در نظام اجتماعی اخلاص وارد می‌کند و ناشایست است. در پاسخ به این پرسش، چهار نظریه اجتماعی بررسی شده است که عبارتند از نظریه جامعه بازار؛ نظریه استیلا؛ نظریه آنارشسیسم و نظریه امامت- امت. بر اساس نظریه جامعه بازار، باید جامعه را با صفات شر (و البته با تأکید بر قید مهم صفات شر قرار گرفته در بازار مانند حرص و طمع) اداره کرد. در واقع، بازار مکانیسم جادویی تبدیل شر فردی به خیر اجتماعی است و به دلیل وجود رقابت، هیچ رابطه نابازاری مثلاً بر مبنای محبت در

۱. خلاصه مدیریتی برگرفته از نظرات و ارائه ایده‌دهنده است.

### 1. Ricardian

این اثر به نام دیوید ریکاردو اقتصاددان انگلیسی و از جمله تأثیرگذارترین اقتصاددانان کلاسیک است. از جمله نظریه‌های او می‌توان به نظریه رانت اقتصادی، تئوری ارزش کار و مهم‌تر از همه نظریه مزیت مقایسه‌ای یا نسبی اشاره کرد. قانون بازده کاهنده ایده دیگر ریکاردو است. این قانون بیان می‌کند که اگر واحدهای بیشتری را به یکی از عوامل تولید اضافه کنید و مابقی را ثابت نگه دارید، کمیت یا خروجی ایجاد شده توسط واحدهای اضافی، در نهایت کمتر خواهد شد تا جایی که تولید کل افزایش نخواهد یافت (کاهش می‌یابد). همچنین مزیت نسبی توانایی تولید یک کالا با هزینه‌ای کمتر نسبت به کالاهای دیگر در مقایسه با کشورهای دیگر است. ریکاردو بیان می‌کند که مزیت نسبی یک روش تخصصی برای ایجاد کارایی تولید است و هزینه فرصت بین تولیدکنندگان را توصیف می‌کند. تغییری عمومی در دستمزدها نسبت به قیمت محصولات، سودآوری نسبی صنایع یا روش‌های تولید مختلفی را که از کار و سرمایه («کار غیرمستقیم») به نسبت‌های متفاوتی استفاده می‌کنند، تغییر خواهد داد.

### 3. Gross domestic product (GDP)

آن شکل نمی‌گیرد و تنها منطق حاکم در آن، منطق رقابت بازاری است. به این ترتیب، کالبد نیز برای رشد بذر رقابت و طمع فردی آماده می‌شود که با نمونه‌ای از توسعه حمل‌ونقل محور<sup>۱</sup> یا توسعه شهری ترانزیت محور و توسعه پیاده‌محور قابل درک است. طبق نظریه استیلا اگرچه عامل انگیزشی افراد، همان منفعت و طمع فردی است؛ اما چون در این شرایط انسان گرگ انسان می‌شود، اگر نیروی قاهره ایجادکننده جبر و ترس در رأس نباشد، نمی‌توان مملکت را اداره کرد و انسان‌ها یکدیگر را می‌درند و متناسب با آن در نظام کالبدی شهری نیز این رویکرد تحقق می‌یابد که در الگوهایی مانند ارگ بم که خانه حاکم در بالا قرار دارد و برج حاکم بر همه اشراف دارد، نمود پیدا می‌کند. بر اساس نظریه آنارشسیسم، هیچ‌کس نباید حکمران باشد؛ چه مانند نظریه استیلا که در آن یک نیروی قاهره در رأس است، چه مانند نظریه جامعه سرمایه‌داری که در آن سرمایه‌دار ولی جامعه است و چه طبق نظریه جامعه انبیاء که رابطه امامت و امت را برقرار می‌کند. در عوض، نظریه آنارشسیسم برای جامعه کانون متمرکزی قائل نیست و از این بابت تفاوتی بین انواع حاکم در سه نظریه دیگر اعم از ارباب، سرمایه‌دار و امامی که با محبت کار می‌کند، نمی‌بیند؛ از دیدگاه این نظریه همه با شعارهایی می‌آیند و در آخر به مردم ظلم می‌شود. در نمود نظام کالبدی آن نیز شهرهای متمرکز هم انسان‌ها را به‌عنوان مظلوم و هم طبیعت را به‌عنوان ظرف خود از بین می‌برند، پس بهتر است مردم در کلونی‌های مجزا زندگی کنند و خود منفعتشان را پیگیری کنند. مارکس این گروه را سوسیالیست‌های تخیلی می‌نامد.

در ادامه الگوی زیست‌شهرهای نوین مولد مبتنی بر آموزه‌های فرهنگی و فقهی مشخص با هدف یک زندگی در دل طبیعت و بهره‌مند از تکنولوژی با روابط انسانی مطلوب به واسطه خانه‌های وسیع، مولد، برون‌گرا و حریم‌دار معرفی شده است. این ایده مبتنی بر چهارمین نظریه یعنی نظریه اجتماعی امامت-امت بوده و محور انگیزش اجتماعی در آن محبت است؛ همچنین، در مناسبات اجتماعی به‌جای بازاریان و سرمایه‌داران، افراد اهل ایثار و آگاهی‌بخشی بالا می‌روند. در این الگو، ارزش‌هایی مانند تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت، نظام اجتماعی مبتنی بر اخوت، عدالت فضایی، مسجدمحوری و محله‌مقیاسی پاس داشته می‌شوند. در نظام کالبدی مبتنی بر این نظریه، خانه‌ها حول یک سری قلب‌هایی جمع می‌شوند تا روابط همسایگی را تسهیل کنند. مرکز شهر محل کشاورزی، بازی و گذران اوقات فراغت است، از اطراف دسترسی اتومبیل وجود دارد، مردم مشارکت فعال در بهره‌برداری از محیط دارند و شهرداری صرفاً نهاد آگاهی‌بخش و هماهنگ‌کننده است. در شهر عمدتاً گونه‌های مثمر (درختان میوه‌دار) وجود دارند، خانه‌ها بدون جدایی‌گزینی طبقاتی و با اختلاط اجتماعی (برای جلوگیری از زدن برچسب اجتماعی به مسکن فقرا) در کنار یکدیگر ساخته می‌شوند و تمام نماها مشابه‌اند (جهت حفظ کرامت انسانی) و برحسب نیاز و تمول برخی خانه‌ها وسیع‌تر است. چهار تیپ ۴۰ واحدی یعنی ۱۶۰ واحد مسکونی در حول مسجد و خدمات محلی (خدمات تجاری، آموزشی، کارگاهی، مسجد، مدرسه در مرکز) طرح پیشنهادی را شکل می‌دهند. تمام کاربری‌ها به نفع مسکن وسیع، تلفیق می‌شوند. علاوه بر این،

---

1. Transit Oriented Development (TOD)

وبترین شهر و طبقه همکف از بخش تجاری پس گرفته شده است (بخش تجاری در طبقه گودال باغچه سرباز با دید و نور کافی مستقر می‌شود) و مرکز محله با کاربری‌های مذهبی، فرهنگی و آموزشی با طبیعت ارتباط برقرار می‌کند. معماری تدریجی و مشارکتی (معماری قابل توسعه و پیشرفت به مرور زمان)، استفاده از انرژی‌های پاک (مانند امکان بهره‌مندی از نور خورشید و...) و مهیا بودن بستر فرزندآوری از جمله عناصر مهم ایده پیشنهادی است. در این ایده تکنولوژی کمک می‌کند با صرف زمان کوتاه، خانه اداره شود؛ برای مثال با زدن یک دکمه، از آب خاکستری<sup>۱</sup> برای باغ و باغچه استفاده مجدد شود. خانه مولد و محل نگهداری، ذخیره و تولید مواد غذایی است و به‌واسطه ایجاد شرایط زندگی سالمندان و کودکان در کنار هم امکان استفاده از برکت تداوم بین نسلی خانوار را فراهم می‌کند. همچنین امکان درک فصول (مشاهده ریزش برگ درختان و بارش برف و باران) و دید از ایوان خانه به سمت باغ فراهم است. معماری مشارکتی و تدریجی نیز از دیگر پیشنهادهای این طرح است.

در ادامه امکان‌پذیری طرح پیشنهادی در سه بخش زمین (بررسی میزان اراضی مورد نیاز و نحوه تأمین آن)، آب و انرژی (بررسی نحوه تأمین آب و انرژی) و امکان‌سنجی اقتصادی انجام گرفته است. در بخش زمین ایده‌دهنده به این نکته پرداخت که درواقع تنها ۲ درصد از مساحت کل ایران برای تعلق گرفتن خانه ۱۰۰۰ متری به هر خانوار ایرانی و کاربری‌های غیرمسکونی با استاندارد سطح بالا نیاز است. همچنین طبق شاخص زیست‌پذیری ۵۰ درصد ایران در منطقه دلپذیر و نسبتاً دلپذیر قرار دارد و اگر فقط این مناطق در نظر گرفته شوند، ۴ درصد از کل مساحت ایران، برای طرح پیشنهادی نیاز خواهد بود. در بحث تأمین آب نیز بر اساس توضیحات ایده‌دهنده در این ایده برداشت اضافه‌ای به منابع آبی تحمیل نخواهد شد و صرفاً به‌جای تمرکزگرایی در توزیع منابع، توزیع شبکه‌ای متوازن پیشنهاد شده است.

به عبارتی با خرد شدن توزیع جمعیت می‌توان روی منابع پایدار آب از جمله آب باران و استحصال آب خاکستری تکیه نمود. ذخیره آبی کشور از محل بارندگی‌ها، ۴۰۰ میلیارد متر مکعب است، مصرف سرانه آب در بخش خانگی در ایران به‌طور متوسط ۱۵۷ لیتر در روز به‌ازای هر نفر است و به‌طور متوسط آب باران ۲۴۱ مترمربع برای مصرف یک سال یک ایرانی در بخش خانگی کافی است؛ یعنی خود استحصال آب باران عدد قابل ملاحظه‌ای است و در شهرهای کوچک می‌توان روی آن حساب کرد. همچنین امکان انتقال آب مصرفی کنونی در شهرها به اطراف شهر و استفاده مجدد از آب خاکستری برای کشاورزی وجود دارد. از نظر انرژی نیز از یک سو اتصال ۵۸۰۰۰ روستا به شبکه سراسری فرصت مغتنمی را برای احداث زیست‌شهرها فراهم می‌سازد و از

---

۱. آب خاکستری (Greywater): آب بازیافتی یا فاضلاب‌های خانگی، به آب‌های ضایعاتی (پساب) ایجاد شده توسط افراد در خانه‌ها یا ساختمان‌های اداری اطلاق می‌شود که دربرگیرنده تمام جریان‌ها به استثنای فاضلاب خروجی از سرویس‌های بهداشتی (فاضلاب مدفوعی که به آن آب سیاه می‌گویند) است و استحصال شده از فعالیت‌های معمول روزانه نظیر رخت‌شویی، شستشوی ظروف و حمام کردن است، که می‌تواند برای اموری مثل آبیاری فضاهای سبز، سیفون توالت و ساختمان‌های نیازمند رطوبت زیاد همچون گلخانه‌ها، به مصرف مجدد برسد.

سوی دیگر، وسعت خانه‌ها و بهره‌مندی از فضای باز کافی می‌تواند بستر مناسب برای انرژی‌های پاک فراهم می‌کند. از حیث اقتصادی نیز

این ایده امکان معماری تدریجی برای فقرا و نیز تکمیل خانه به‌مرور زمان و توسط خود مردم به‌صورت مشارکتی را فراهم می‌آورد که به این صورت می‌توان با هزینه کمتر، کار را به انجام رساند. همچنین ایده‌دهنده با برآورد هزینه‌های تمام شده یک شهرک با تیپ مسکن مهر و یک شهرک با الگوی پیشنهادی خود و مقایسه آنها به این جمع‌بندی می‌رسد که ساخت و ساز یک طبقه ساده‌تر، ارزان‌تر و بادوام‌تر از بلندمرتبه‌سازی است.

همچنین تجارب موفق جهانی نظیر داجا<sup>۱</sup> در روسیه (معجزه مقیاس کوچک و رضایت اجتماعی)، دهکده مدرن خودکفا (یک رؤیا برای چین)، کیبوتص آرژیم صهیونیستی (افزایش انسجام اجتماعی و پدافند غیرعامل) و برش عرضی (نجات انسان و طبیعت از سیطره بناهای متراکم) با شاخص‌هایی چون بهره‌وری چشمگیر و بالای کشاورزی، دامداری، باغداری و شیلات، سکونت آمیخته با طبیعت، شهرهای فرم‌محور و متوازن، امنیت غذایی، اقتصاد مقاومتی، کسب و کارهای کوچک‌مقیاس، خرد و خانگی با صرفه اقتصادی بالا، انسجام اجتماعی و تربیت نسل شجاع به‌عنوان پشتیبان ایده پیشنهادی، معرفی و بررسی شده‌اند.

مهم‌ترین ابهامات، نکات و پرسش‌های مطرح شده در جهت پرورش ایده زیست‌شهر به تفکیک حوزه‌ها در پایان گزارش و در ذیل جمع‌بندی آمده است.

---

1. Dacha  
2. Kibbutz

## زمان برگزاری و اعضای حاضر در جلسه

به منظور انجام مأموریت‌های محوله به گروه آینده‌نگری و فناوری‌های نو و همچنین ارزیابی پیشنهادها، ایده‌ها و طرح‌ها در جهت توسعه کشور، الگوی «زیست‌شهر»‌های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی به‌عنوان ششمین ایده از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری به این مرکز ارجاع داده شده است. نشست هم‌اندیشی این ایده در روز یکشنبه مورخ ۲۲ آبان ماه ۱۴۰۱، از ساعت ۱۳ به صورت حضوری/ مجازی در سالن دکتر حسین عظیمی این مرکز با حضور کارشناسان و خبرگان به شرح زیر برگزار شد که به نقد و بررسی ایده مذکور پرداختند.

- محمدرولی روزبهان، معاون پژوهش و آموزش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- سعید غلامی نتاج‌امیری، مدیر کل دفتر خدمات پژوهشی و کاربری یافته‌های پژوهشی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- حمید محمدی، رئیس گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- عباس جهانبخش، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان
- فرزاد پوراصغر، رئیس گروه محیط‌زیست سازمان برنامه و بودجه کشور
- بهمن یارقلی، عضو هیئت علمی و رئیس بخش آب مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی زیربنایی سازمان تحقیقات جهاد کشاورزی
- فرهاد عزیزپور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
- مجتبی رفیعیان، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
- سید عبدالهادی دانشپور، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت
- سید محمد شفیع، مدیر کل دفتر آموزش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- محمدرضا رضایی، مدیر کل دفتر نشر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- محمد نهاوندی‌فر، مشاور مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- غلامرضا گرابی‌نژاد، سرپرست گروه پژوهشی امور بخشی و محیط‌زیست مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- مهرداد کاشف، سرپرست گروه پژوهشی آمایش سرزمین، توسعه و توازن منطقه‌ای مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

- علی درویشی، سرپرست گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- یدالله دیوسالار، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- سارا مدنیان، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- گل نساء صلواتی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- محدثه بشیرمشهدی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- مرتضی مهرعلی‌تبار، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- مهدی رازیور، رئیس گروه آموزش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- علی رستمیان، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- ابوالحسن مدرس‌زاده، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- اژین عباس‌پور، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- الهام امیرحاجلو، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- ادریس جهانگیر، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- حانیه علی‌بیکی‌علوی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

## مشروح نشست هم‌اندیشی

در شروع نشست آقای غلامی نتاج امیری، ضمن عرض خیرمقدم خدمت میهمانان و عزیزانی که به صورت حضوری و یا مجازی جلسه را همراهی می‌کردند، به ارائه دستور کار جلسه و بیان توضیحاتی در ارتباط با فرایند ایده‌پروری در مرکز پرداخت و اظهار داشت در مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری به منظور بررسی یک پژوهش به سیاق داوری متون علمی، روش پژوهش و همچنین یافته‌های آن به میزان اثربخشی و دستیابی به هدف مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ اما در فرایند ایده‌پروری، ایده‌ها نشئت گرفته از مسائل، چالش‌ها و قیود قبلاً شناسایی شده در پژوهش‌ها، یافتن راهکار و راه برون‌رفت برای آن مسائل است. بالطبع، یافتن راه‌حل نیازمند انسان‌های خلاق است که علاوه بر درک صحیح و درست مسئله، پیشنهادهای نوآورانه خود را برای حل مسئله عرضه کنند. این عزیزان لازم است که هم بر قلمرو تخصصی و هم به ریشه‌یابی آن پژوهش‌ها اشراف داشته باشند و از نظام مسائل مرتبط با آن موضوع نیز، آگاهی لازم و کافی را داشته باشند. در عین حال انسان‌های خلاق باشند که به واسطه این‌که در حوزه‌های اجرایی هم فعال هستند، بتوانند راه برون‌رفتی را برای حل آن مسائل ارائه کنند. جلسات ایده‌پروری در همین راستا با حضور متخصصان، نخبگان و ذینفعان برگزار می‌شود. در این جلسات همفکری، برای دستیابی به بهترین نتیجه ضروری است با فرد ایده‌دهنده خارج از قالب‌بندی‌های ذهنی از پیش موجود همراهی شود و با درک و فهم درست ایده، در راستای تبدیل شدن آن به طرح (به بستر نشانیدن ایده با لحاظ نمودن قیود اجرایی آن) پیشنهادهای راهگشا ارائه گردد.

## معرفی ایده توسط آقای جهانبخش

در ادامه آقای جهانبخش، به معرفی ایده با عنوان زیست‌شهرهای نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی پرداخت. بر اساس اظهارات آقای جهانبخش، این کار از اوایل دهه ۱۳۸۰ پیرو جنبش‌های نرم‌افزاری و به دنبال تلاش برای رسیدن به الگوی شهرسازی اسلامی شروع شد؛ در اوایل دهه ۱۳۹۰ با بهره‌گیری از مباحث مطرح شده در درس فقه نظام عمران شهری آیت‌الله محسن اراکی، کار انسجام بیشتری یافت و کارگروهی از کارشناسان دانشگاهی، حوزوی و اجرایی با هدف همگرایی مبانی و دستیابی به الگوهای کاربردی اجرایی بر اساس الگوهای رایج موجود، تشکیل گردید. در اواخر دهه ۱۳۹۰، تعدادی ستادهای راهبری با هدف شناسایی مسائل نظام و ارائه راه‌حل متناسب با شرایط جامعه اسلامی تشکیل شد که یکی از آن‌ها، ستاد راهبری معماری و شهرسازی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم بوده و این ایده نیز ناشی از اقداماتی می‌باشد که در این ستاد صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

---

۱. بر اساس اظهارات ایده‌دهنده، تا پیش از این زمان توجه و دغدغه پژوهشی حوزه بیشتر با رویکرد فقه فردی بود که یک مکلف فردی صرف‌نظر از اینکه در یک نظام اسلامی یا غیراسلامی زندگی می‌کند به آنها مبتلاست. اما در حال حاضر نیازهای پژوهشی اجتماعی جدید، پاسخ‌های جدیدی را نیز اقتضا می‌کند که بر این اساس حدود ۲۰ ستاد راهبری با همین نگاه تشکیل شده است.

به منظور برقراری ارتباط میان شهرسازی و آموزه‌های اسلامی لازم است ابتدا ارتباط میان علوم کاربردی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگ بررسی شود. برای مثال، از این ارتباط در فرهنگ «ذن»<sup>۱</sup> در شرق آسیا اصلی وجود دارد که بیان می‌کند: «وقتی راه می‌روم راه می‌روم، وقتی می‌نوشم می‌نوشم و وقتی می‌خورم می‌خورم»<sup>۲</sup> به عبارتی آموزه‌های فرهنگ ذن می‌خواهد فرد را متمرکز و در لحظه تربیت نماید (فرد آرام دارای تمرکز کافی). به همین ترتیب در ادامه معمار و شهرسازی که بر اساس این تعریف کار می‌کند، فضا را به گونه‌ای برای پیاده‌روی تعریف می‌کند که اگر فرد در مسیر تعریف شده، قصد پیاده‌روی نداشته باشد و تمرکز برای راه رفتن نداشته باشد، به زمین می‌خورد (شکل ۱). حالا در همان فرهنگ شرق آسیا ممکن است گفته شود فرد می‌خواهد به هنگام راه رفتن، یا حتی خوردن و نوشیدن کسب درآمد نماید؛ چراکه اگر یک اقتصاد بزرگ شود و در نهایت، تولید ناخالص داخلی بیشتر شود، همه احساس خوشبختی می‌کنند. در این شرایط، معمار و شهرساز نیز با همین هدف به دنبال طراحی فضاهای متناسب پیش می‌رود.



شکل ۱: تصویر تعریف فضایی برای پیاده‌روی

پس معمار و شهرساز پیش از آنکه اقدام به عمل نماید باید از خود بپرسد که انسان و جامعه مطلوب که می‌خواهد آن را برآورده و محقق کند، کدام است و سعی نماید فضاها را به گونه‌ای طراحی کند که آن انسان مطلوب را شکل دهد. در این زمینه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «باید هر چه ممکن است،

۱. ذن (Zen) مکتبی در مذهب بودایی است که در چین پدیدار شده و تأکید فراوانی بر تفکر لحظه به لحظه و ژرف‌نگری به ماهیت اشیا، جانداران و ... به‌وسیله تجربه مستقیم دارد. این مکتب معمولاً تعالیم خود را به صورت‌هایی از مقایسه تناقضات دو چیز می‌آموزد که این دقیقاً چیزی شبیه کاری است که در آیین بین و یانگ صورت می‌پذیرد. ذن مراقبه‌ای ناظر بر چهار لایه توجه به محیط اطراف، ناظر بودن بر ذهن، ناظر بودن بر جسم و توجه به تنفس است.

۲. کریستوفر، الکساندر (۱۳۹۳). معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.

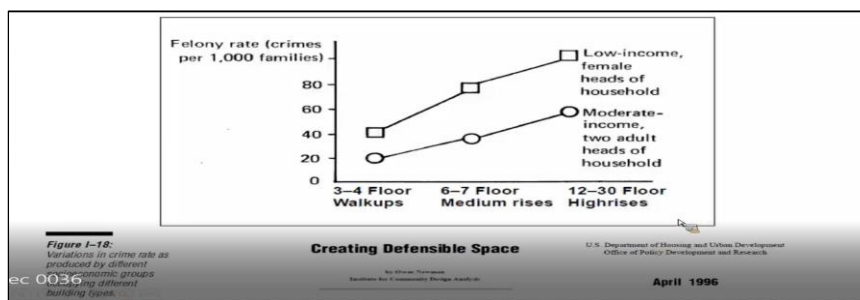


محیط زندگی شهر به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی راحت‌تر امکان‌پذیر باشد.<sup>۱</sup> به این صورت یکی از جاهایی که امکان انتساب معماری و شهرسازی به اسلام را فراهم می‌کند، نظام غایاتی است که از فرهنگ بالادست می‌آید؛ یعنی تعریف انسان و جامعه مطلوب از هر فرهنگی گرفته شود و بعد با خلاقیت و تجربه معمار محقق گردد (مطابق با زمینه موجود اما نشت گرفته از فرهنگ بالادست). درست است که ماحصل کار حاصل خلاقیت فرد است؛ اما به واسطه این که روح کار از همان فرهنگ بالادست گرفته شده است، نام آن به اقتضا معماری ذن یا مثلاً معماری اسلامی خواهد بود. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *اخلاق ناصری* مفهومی را مطرح می‌کند که می‌تواند زیربنای مهندسی اجتماعی باشد. از نظر ایشان جامعه به دو بعد طبیعت و صنعت تقسیم می‌شود. منظور از طبیعت، محیط طبیعی در مقابل محیط مصنوع نیست بلکه به معنی اقتضای شرایط است. به عنوان مثال، آب همواره از سطح شیب‌دار به سمت پایین جاری می‌شود؛ اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان این است که با تربیت می‌تواند برخلاف جریان آب شنا کند، به این ویژگی صنعت گفته می‌شود. در تاریخ مشاهده می‌شود که شیعه به دلیل این که در معرض حاکمیت و شرایطسازی نبوده، عمده توجه آن به فرد در شرایط بوده است. به این صورت که فردی تربیت کند که بتواند در هر شرایط و بستری خود را مدیریت کند، حتی اگر انسان مطلوب نشد؛ اما حداقل جهنمی هم نشود. این در جای خودش درست هم بوده ولی وقتی شرایطسازی دست یک فرهنگ قرار می‌گیرد باید صنعت و طبیعت مؤید (مکمل نه متضاد) هم باشند و اگر متضاد هم باشند، به تعبیر خواجه نصیرالدین طوسی نسبت صنعتی با طبیعتی مانند قشری باشد و صنعت مقتدی بود به طبیعت. در طول سالیان اخیر این آسیب به صورت جدی وجود داشته است. در برنامه‌ریزی‌ها، طراحی علوم کاربردی و محصولات اجتماعی، طبیعتی ساخته شده است که با صنعت اجتماعی مطلوب کاملاً در تضاد بوده و سبب گسرها و تنش‌های متعدد اجتماعی شده است. باید توجه داشت زمانی که برنامه‌ریزی و طراحی شهری انجام می‌شود، در واقع بستری برای زندگی آماده می‌گردد و نه صرفاً یک سرپناه. در زمینه ارتباط کالبد و آثار اجتماعی و فرهنگی مطالعات بسیاری انجام شده است. به عنوان مثال، تحقیقات اسکار نیومن<sup>۲</sup> با عنوان فضاهای قابل دفاع<sup>۳</sup>، ارتباط میان کالبد و جرم را نشان می‌دهد. سرانه جرم در ساختمان‌های ۱۲ تا ۳۰ طبقه، ۲۵۰ درصد نسبت به ساختمان‌های ۳ تا ۴ طبقه بیشتر است؛ این مطالعه به‌طور جداگانه در طبقات اجتماعی متفاوت انجام شده و همین نتیجه را داشته است.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای شورای اسلامی، شهردار، معاونان و شهرداران مناطق مختلف تهران با ایشان در تاریخ ۹۲/۱۰/۲۲.

2. Oscar Newman

3. Defensible Space



شکل ۲: تحقیقات اسکار نیومن؛ ارتباط میان کالبد و جرم

همچنین، تحقیقات داخلی نیز از جمله مقاله «تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرائم شهری، مطالعه موردی مناطق بیست و دوگانه تهران»<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که بیشترین وابستگی و ضریب همبستگی بین تراکم ساختمانی بالا با جرائم شهری وجود دارد. محدود کردن اراضی شهری، قیمت پیدا کردن زمین و تشدید این اثر ریکاردویی<sup>۲</sup> در کنار تراکم‌های بالای شهری، سبب چادرخوابی و کارتن‌خوابی در کنار برج‌های بلندمرتبه در کشورهای مختلف دنیا شده است. همچنین برخی بیماری‌های روانی نشئت گرفته از انزوای آپارتمان‌نشینی نیز از آثار این تراکم‌های بالای شهری است؛ یعنی نوع خاصی از معماری بر حوزه‌های روانی انسان تأثیرگذار است. از جمله تحقیقات دیگر در این زمینه «رابطه افزایش قیمت و اجاره‌بهای مسکن با گسترش دامنه طلاق در ایران»<sup>۳</sup> است که نشان می‌دهد این دو متغیر با هم رابطه همبستگی مثبت دارند و زمانی که قیمت مسکن و اجاره افزایشی باشد تعداد طلاق نیز بالا می‌رود و برعکس. این مسئله برای جامعه غربی به اندازه‌ای که برای جامعه اسلامی و کشور ما مهم است اهمیت ندارد؛ چراکه طبق اصل ۱۰ قانون اساسی سلول جامعه، شهروند و شرکت نیست بلکه خانواده است؛ بنابراین مهم است که چه نوع خاصی از اقتصاد فضا و اقتصاد مسکن باعث تلاشی این سلول خانواده می‌شود. به‌عنوان مثال اگر ایجاد خانه‌های ۶ متری هنگ‌کنگی یا خانه‌های ۳۰ متری پیشنهادی دولت قبل یا حتی ۲۵ متری پیشنهادی فعلی دولت برای تهران محقق شود، به لحاظ رشد GDP قطعاً جلو افتاده‌ایم؛ چراکه در این شرایط خانه نابازار است و هیچ تراکنش مالی-اقتصادی در منزل اتفاق نمی‌افتد و مردم برای تهیه مایحتاج اولیه و رفع نیازهای خود به خارج از منزل رجوع خواهند کرد، به همین صورت نیز برای تفریح، مهدکودک و غیره. به تعبیر لوکوربوزیه<sup>۴</sup> خانه کوچک، یک سلول است و خانه سلولی سبب رشد GDP خواهد شد؛ اما از نظر فرهنگی سلول حیاتی جامعه در حال متلاشی شدن است و حتی در درازمدت، ضررهای اقتصادی هم وجود خواهد داشت.

۱. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۳۹۰، شماره ۷۷، ۶۱-۷۳.

2. Ricardian

3. Review of Economics of the Household, 2015

4. Le Corbusier

## ۱- بررسی ایده در چارچوب نظریه اجتماعی

معماری و شهرسازی در حکم بنا، لباس یا پوست برای انسان هستند و معمار و شهرساز عملاً عرضه‌کننده تعریفی از شایسته‌ترین زندگی است؛ اما پرسش اساسی این است که شایسته‌ترین زندگی چیست؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند رجوع به فرهنگ‌هاست که با عنوان «نظریه اجتماعی» از آن یاد می‌شود. باید دید چه نوع روابط اجتماعی، روابط شایسته است و چه نوع روابط اجتماعی، در نظام اجتماعی اخلاقی می‌کند و ناشایست است. متناسب با پاسخی که به پرسش نظریه اجتماعی داده می‌شود، تمام ساختارها از جمله نظام برنامه و بودجه، شهر، رسانه و... طراحی می‌شوند؛ یعنی وقتی برای یک نظام اجتماعی متفاوت طراحی می‌گردد، این موارد نباید انتزاعی دیده شوند. انتزاعی دیدن شبیه این است که یک تاپیر را جسم گردی که امکان حرکت افقی را تسهیل می‌کند تعریف نماییم، سپس تاپیر یک ماشین کوچک را برای یک ماشین بزرگ در نظر بگیریم! مشخص است که متلاشی می‌شود. به همین ترتیب برای جامعه‌ای هم که نظام تعلیم و تربیت، سلامت، شهرسازی و رسانه نامتناسب طراحی گردد، آن هم متلاشی (دچار آسیب‌های اجتماعی متعدد) خواهد شد. مفهوم بعدی، علاوه بر مفهوم نظام که در طراحی نظام اجتماعی باید توجه کرد، مفهوم بهینگی است. به عنوان مثال با یک چاقو هم می‌توان یک نفر را کشت و هم می‌توان او را نجات داد (چاقو چاقو است، شهر شهر است)؛ اما در اصل و ساختار، چاقویی که با آن عمل قرنیه چشم انجام می‌شود با چاقویی که با آن فردی به قتل می‌رسد، کاملاً متفاوت است. پس عمل بهینه برای هر اقدامی متفاوت است.



شکل ۳: ضرورت تناسب ساختارها با نظریه اجتماعی

در نهایت مفهوم بهینگی یکی از تفاوت‌های اصلی انسان و حیوان است. زنبور عسل همواره خانه‌ای می‌سازد شبیه تمامی خانه‌هایی که تاکنون ساخته است و در آینده خواهد ساخت؛ اما انسان همواره در حال پژوهش و بازنگرایی در روش‌های مختلف ساخت است. این مفهوم بهینگی که می‌گوید کدام شهر بهتر است، از فرهنگ نشئت می‌گیرد. شهری که برای یک نوع فرهنگ بهینه است امکان دارد که برای فرهنگی دیگر غیربهینه باشد.

مفهوم بهینگی یکی از رسالت‌های مهم طراحان اجتماعی است. طراحان اجتماعی لازم است روزبه‌روز تلاش کنند تا ساختارهایی را طراحی کنند که ما را به آهنگی (فرهنگ) که به آن میل کرده‌ایم و باشکوه است، سوق دهند. درنهایت چون به صورت فردی نمی‌توان ساختارهای اجتماعی را بهینه نمود، از حاکمیت و دولت انتظار می‌رود که روزبه‌روز ساختارهایی را طراحی کند تا انسان به سرمنزل مقصود نزدیک‌تر شود. با همین مثال می‌توان فلسفه وجودی حاکمیت را تعریف کرد؛ به عنوان مثال هیچ‌کس منکر این نخواهد بود که در نیویورک می‌توان مسلمانانه زیست (از حیث به‌جا آوردن مناسکی چون نماز، روزه، خمس و زکات)؛ اما آن کاری که در نیویورک نمی‌توان انجام داد و لازمه حکومت دینی است، طراحی طبیعت جامعه متناسب با انسان تراز است که اسلام تأیید می‌کند. پس اینجا با دو مقام انسان شرایط‌ساز و انسان در شرایط، مشخص می‌شود که چرا ضروری است محیط برای تحقق و تسهیل نوع خاصی از روابط اجتماعی، بهینه و آماده‌سازی شود. در مثالی دیگر، نحوه آبیاری برنج را می‌توان بیان کرد. آب دادن به برنج به این دلیل نیست که برنج به آب زیادی نیاز دارد بلکه در این میزان از آبیاری، محصول دیگری نمی‌تواند با آن رقابت کند و به همین دلیل محیط برای آن مساعد می‌شود و می‌تواند رشد نماید. در مجموع وظیفه کسانی که در موقعیت‌های مرتبط قرار دارند این است که شرایط را برای رشد بهینه کنند. به تعبیر قرآن وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا (سرزمین پاکیزه و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید).<sup>۱</sup>

بنابراین، شهرها متناسب با جوامع مختلف و نظریه‌های اجتماعی متفاوت شکل خواهند گرفت. در این قسمت برای روشن‌تر شدن بحث لازم است نظریه‌های اجتماعی متناسب با انواع مدل‌های شهرسازی مرور شوند.

## ۱-۱- شهر در جامعه بازار

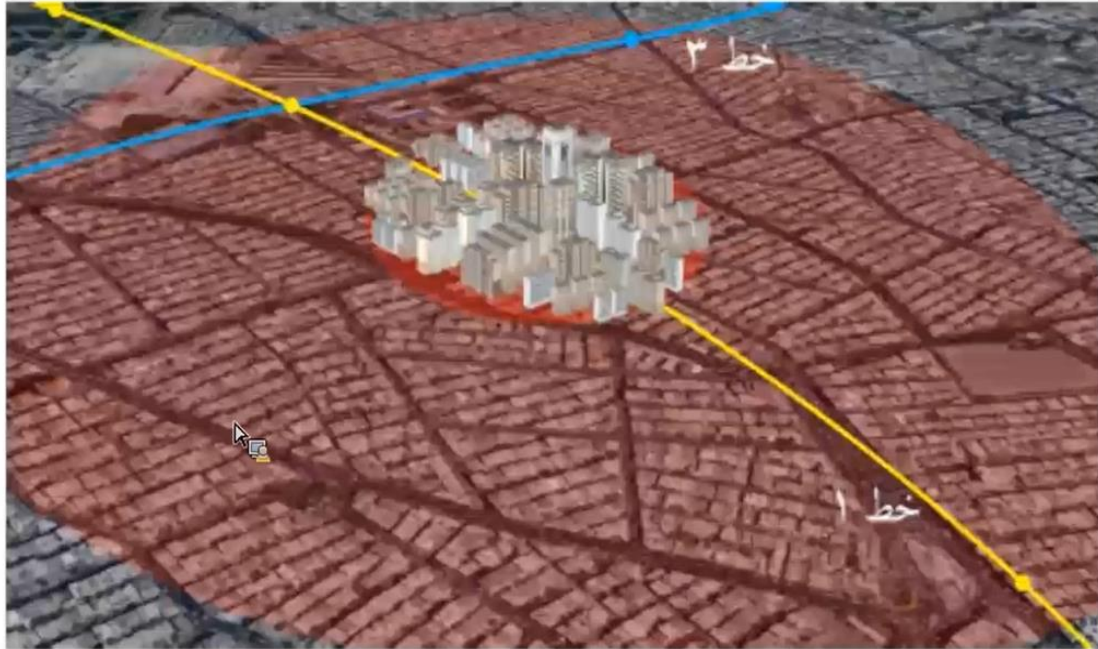
برای توضیح بیشتر این نظریه از اقدامات کمیته توسعه حمل‌ونقل محور<sup>۲</sup> شورای شهر تهران استفاده شده است. این مفهوم با این شعار شروع شد که شهر از اشغال ماشین‌ها پس گرفته شود و توسعه پیاده‌محور<sup>۳</sup> هدف باشد. به‌منظور تحقق اهداف این کمیته پیشنهاد آن است که بلندمرتبه‌سازی حول نقاط جذابی مانند ایستگاه‌های مترو صورت گیرد. اینجا مسکن اجتماعی، مدرسه، بیمارستان، مرکز خرید و هرچه که لازم است ساخته می‌شود که شخص تا شعاع پیاده مطلوب، امکان دسترسی به تمامی خدمات را داشته باشد و نیازی به استفاده از اتومبیل نداشته باشد و درنهایت برای دسترسی بیشتر از مترو استفاده کند. حالا پرسش این است که چرا چنین طرحی برای جامعه بازار بهینه است؟ برای پاسخ به این پرسش شرایطی را در نظر بگیرید که برخی افراد

۱. سوره اعراف، آیه ۵۸

2. TOD (Transit-Oriented Development)

3. Pedestrian Oriented

به دلایل خیرخواهانه از مغازه‌ای که در شعاع دسترسی‌شان نیست، خرید کنند؛ در نظریه جامعه بازار این محبت سبب اخلال در نظام اجتماعی می‌شود.



شکل ۴: شهر در جامعه بازار

\* اصلاح طرح تفصیلی و اعطای تراکم مختلط در مرکز زون (۲۵۰) ایستگاه متروی مفتوح.

در میان صاحب‌نظران جامعه بازار، بازار مثل دریاست و همچون امواج دریا که اجساد را بیرون می‌راند، کسب و کارهای ناپایدار و ناکارآمد را حذف می‌کند و بدین ترتیب فضای رقابتی، بهینه و سالم برای بهترین و زلال‌ترین کسب‌وکارها حفظ می‌شود. بنابراین، توسعه حمل‌ونقل محور برای سوخت محبت طراحی نشده است؛ چراکه ادبیات نظری پشتیبان آن از زبان اسمیت<sup>۱</sup> این است که تنها گدایان‌اند که برای برآورده شدن نیازمندی‌هایشان به خیرخواهی افراد متکی می‌شوند و دیگران برای رفع نیازهای خود به خیرخواهی نانو و قصاب و... متکی نمی‌گردند. مندل<sup>۲</sup> قبل از کانت<sup>۳</sup> و اسمیت گفته بود که حسنات اجتماعی همان سیئات فردی است (مثل حرص و حسد)؛ اگر چنین صفاتی وجود نداشته باشد، افراد حرکت نمی‌کنند. کانت نیز در همین ارتباط گفته بود ما باید برای داشتن امیالی مانند میل به تصاحب سیری‌ناپذیر قدرت، حرص، حسد و طمع سپاسگزار باشیم؛ چراکه اگر این‌ها را نداشتیم مانند گوسفندان با هم مهربان و مثل آنها نیز عقب‌افتاده بودیم. در این نگاه پرورش جامعه خیر از طریق پرورش افراد خیر اشتباه است، چون اگر طمع، حرص و حسد از فرد دور شوند، او حرکت نمی‌کند و جامعه پیشرفت نمی‌کند و می‌شود همان جامعه شبانی که در عصر روشنگری مورد نقد قرار می‌گرفت.

1. Smith  
2. Mandel  
3. Kant

این امیال همگی باعث تحرک فرد و حرکت و پیشرفت جامعه می‌شود. پس جامعه باید بر مبنای صفات شر اداره شود و البته با تأکید بر قید مهم صفات شر قرار گرفته در بازار. در واقع بازار مکانیسم جادویی تبدیل شر فردی به خیر اجتماعی است. بدین ترتیب همه جامعه بازار می‌شود، نانوا به طمع خودش وارد بازار می‌شود؛ اما چون رقابت است باید جنس خوب بفروشد، قیمت را هم پایین بیاورد و لبخند هم بزند. در چنین شرایطی، این مغازه‌ای که ورشکست می‌شود، می‌رود در مرکز خرید کنار مغازه‌های دیگر و بدین ترتیب هیچ رابطه نابازاری نمی‌توان با آن برقرار کرد. مشتریان و فروشندگان غریبه‌اند و تنها منطق حاکم، منطق رقابت بازاری است. پس کالبد آماده می‌شود برای رشد بذر رقابت و آن طمع فردی و به این ترتیب آن بذر می‌تواند خوب رشد کند. در این شرایط بذرهای دیگر نیز ممکن است امکان رشد داشته باشند؛ اما مانند گل زیر آسفالت، یعنی رشد به سختی. همه این موارد دست به دست هم می‌دهند و می‌توانند مثلاً تهران را تغییر دهند. وقتی همه این‌ها اتفاق بیفتد، در نهایت بخش خصوصی در گذر زمان خدمات سکونت، درمان، آموزش، ورزش، فرهنگ و تفریح را عرضه خواهد کرد و رابطه محوری زندگی بر اساس سود بخش خصوصی بنا خواهد شد؛ البته بخش خصوصی طماع نه بخش خصوصی خیر<sup>۱</sup> و نکته کلیدی آن، این است که تمامی این اتفاقات به صورت طبیعی و البته هوشمندانه اتفاق می‌افتد؛ یعنی طبیعتی ساخته شده است که در آن ولی و سرپرست جامعه بخش خصوصی طماع است؛ چون در نظریه اجتماعی این‌طور گفته شده بود که اگر می‌خواهید جامعه‌تان پیشرفت کند، سیاست باید در خدمت اقتصاد قرار بگیرد و به عبارتی، تغییرات سیاسی و اقتصادی باید در خدمت کارآفرین و ثروتمند قرار بگیرند، چون او بهتر می‌تواند جامعه را به پیش ببرد.

این موضوع از زمان شهرداری و شورای شهر اسبق و در حال حاضر هم با شعار شهر ایرانی- اسلامی به همین صورت ادامه دارد؛ به اسم شهر ایرانی- اسلامی، اما در عمل در خدمت جامعه بازار. در این شرایط می‌توان به‌عنوان معمار و شهرساز موضع خنثی گرفت، ولی به‌عنوان یک متخصص باید به این نکته اشاره کرد که نباید بستر یک فرهنگ را به فرهنگ دیگر منتسب کرد. از دل این طبیعت، آن بذر در نمی‌آید. این یک کلاهبرداری اجتماعی یا غفلت اجتماعی است.

## ۱-۲- شهر و جامعه استیلا

در جامعه استیلا، عامل انگیزشی افراد همان منفعت و طمع فردی است؛ اما چون در این شرایط انسان گرگ انسان می‌شود و انسان‌ها یکدیگر را می‌درند، باید یک هیولا یا لویاتان در رأس قرار داد تا به واسطه ترس از بالا، انسان‌ها متوازن زندگی کنند. یعنی اگر نیروی قاهره ایجادکننده جبر و ترس در رأس نباشد، نمی‌توان

۱. در گذشته شاهان در محله‌ها آب انبار و مواردی از این قبیل را نمی‌ساختند. خیرین این امور را انجام می‌دادند و به همین دلیل اگر خیر یک محله فوت می‌کرد، انگار پدری از دست رفته بود و حتی اهالی کوچ می‌کردند بروند در یک محله دیگر؛ یعنی در گذشته بخش خصوصی مثل واقف وارد شده بود.

مملکت را اداره کرد و انسان‌ها یکدیگر را می‌درند. متناسب با آن در نظام کالبدی شهری، چیزی مانند ارگ بم وجود دارد که خانه حاکم در بالا قرار دارد و برج حاکم بر همه اشراف دارد و حکومت حاکم بر زمان، خود را روزبه‌روز در نظام نشانگان شهری و روابطی که مشاهده می‌شود بازتولید می‌کند. شهرها حلقه حلقه‌اند و عده‌ای بیرون ربض و برخی در حلقه‌های درونی هستند. این نظام به‌راحتی اجازه جابه‌جایی بین طبقات را نمی‌دهد و نوعی نظام کاستی را در جامعه حاکم می‌کند که روابط عمودی- در نظام استیلا به‌عنوان روابط ارباب‌رعیتی تعریف می‌شد- بتواند خود را در کالبد محقق کند تا کالبد آماده رشد او گردد. در حال حاضر، عمده نظامات اجتماعی، اداری و ساختارها از استیلا به سمت بازار در حرکت است و در معدودی از آن‌ها نیز با مبانی امت کار شده است.

### ۱-۳- شهر و جامعه آنارشیسم

بر اساس نظریه آنارشیسم، جامعه هیچ تمرکزی نباید داشته باشد؛ چه مانند نظریه استیلا که در آن یک لویاتان<sup>۱</sup> در رأس است، چه مانند نظریه جامعه سرمایه‌داری که در آن سرمایه‌دار ولی جامعه است و چه طبق نظریه جامعه انبیاء که رابطه امامت و امت را برقرار می‌کند. در عوض، نظریه آنارشیسم برای جامعه هیچ کانون متمرکزی قائل نیست و از این بابت تفاوتی بین انواع حاکم در سه نظریه دیگر اعم از ارباب، سرمایه‌دار و امامی که با محبت کار می‌کند، نمی‌بیند؛ از دیدگاه این نظریه همه با شعارهایی می‌آیند و در آخر به مردم ظلم می‌شود. به همین دلیل می‌گویند باید اجازه داد مردم در کلونی‌های مجزا زندگی کنند و خود منفعتشان را پیگیری کنند. مارکس این گروه را سوسیالیست‌های تخیلی می‌نامد. به اعتقاد مارکس، کل جهان تبدیل به کلونی‌های مجزا شده است که اگر دو تا از آنها با هم متحد بشوند می‌روند و بقیه را می‌گیرند و به این صورت می‌خواهند در غیاب عمود خیمه از خودشان دفاع کنند.

متناسب با بحث جامعه آنارشیسم و بهینه‌تر برای آن، می‌توان به‌جای توسعه تزانزیت‌محور مباحثی مانند بوم‌روستا،<sup>۲</sup> بوم‌شهرها<sup>۳</sup> و توسعه محله سنتی<sup>۴</sup> را پیگیری کرد که این موارد نیز در مقیاس کوچک کار می‌کنند.

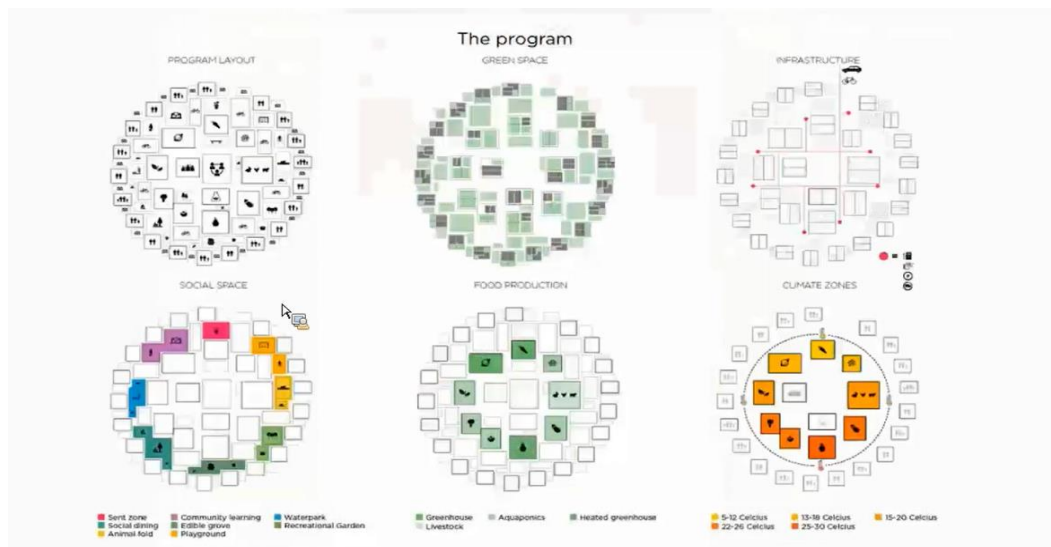
---

۱. لویاتان (Leviathan) در لغت اشاره به یک هیولا و غول عظیم‌الجثه‌ای دارد که از دریا سرک می‌کشد و مثل و مانند ندارد و نام اثر فلسفی مهم توماس هابز فیلسوف انگلیسی است. لویاتان اولین شرح جامع درباره دولت جدید و ویژگی‌ها و کارکردهای آن است و تأثیر بسیار مهمی در فلسفه غرب گذاشته و بسیاری از نظریه‌های قرارداد اجتماعی را در رشته فلسفه سیاسی به وجود آورده است. هابز در کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه ترس از مرگ باعث به وجود آمدن یک قرارداد اجتماعی بین انسان‌ها می‌شود. از نظر هابز انسان در وضعیت طبیعی با خشونت، همسو و همراه است و دست از جنگ و ستیز برنمی‌دارد و به همین دلیل به سرور و رهبری که به او امر و نهی کند (لویاتان) نیاز دارد و برای پایان دادن به جنگ و خشونت، چاره کار این است که به «دولت قدرتمند» تن دهد و الزاماتش را بپذیرد.

2. Ecovillage
3. Ecopolis
4. Traditional Neighborhood Development (TND)

اعتقاد بر این است که شهرهای متمرکز هم انسان ها را به عنوان مظلوف و هم طبیعت را به عنوان ظرف خود از بین می برند و نابود می کنند.

برای مثال پروژه رگن<sup>۱</sup> هلند برای ۲۵ واحد طراحی شده است، به این صورت که خانه های مسکونی با محوریت دایره اطراف پروژه را شکل می دهد؛ خانه ها مولد و دارای گلخانه هستند، در مرکز نیز بخش مشاعات و امکاناتی مانند کشاورزی هیدروپونیک،<sup>۲</sup> باغ های فصلی، نگهداری از ماهی و دام زنده، بازیافت آب خاکستری، استحصال آب باران، بیوگاز و غیره وجود دارد که حتی المقدور از شبکه مستقل شوند. در این پروژه برای ۷۵-۱۰۰ نفر، حدود ۱۵۰۰۰ متر زمین در نظر گرفته شده است.



شکل ۵: پروژه رگن هلند؛ اختصاص ۱۵۰۰۰ متر زمین برای هر ۱۰۰ نفر

1. Regen System
2. Hydroponics



وضعیت سه‌بعدی مجموعه در شکل ۶ دیده می‌شود.



شکل ۶: وضعیت سه‌بعدی مجموعه پروژه رگن

این پروژه به دنبال ارتباط مناسب انسان با طبیعت و اجتماع است نه به دنبال رقابت و انبوهی شهرها. در اینجا مقیاس آشنایی و صمیمیت دنبال می‌شود، به همین دلیل به جای این‌که عملیاتی مانند کاشت، داشت و برداشت غیرمتمرکز شود و عملیات تولید و فرآوری در کارخانه متمرکز باشد، همه در یک مکان انجام می‌شود؛ مانند شکل ۷ که سبزی در یک مکان چیده و سرو می‌شود.



شکل ۷: نمونه‌ای از تولید و فرآوری غیرمتمرکز کاشت و سرو سبزی در مکان

در نظرسنجی مهم آتلیه اپک<sup>۱</sup> که طراح رگن به آن اشاره کرده و توسط مؤسسه یوگاوا<sup>۲</sup> انجام شده است، ۴۰ درصد از ۱۰ میلیارد جمعیت تخمینی سال ۲۰۵۰، یعنی حدود ۴ میلیارد نفر، دیگر خواستار زندگی در شهرهای بزرگ و روستا نیستند بلکه نیازمند مکان سومی هستند که دارای رسانه و امکانات تکنولوژی اما فارغ از شلوغی و تمرکز زیاد جمعیت باشد. اگرچه که این ۴۰ درصد همچنان اقلیت است و ۶۰ درصد اکثریت مراکز ثروت و قدرت، یعنی شهرهای بزرگ را می‌پسندند؛ اما چون اقلیت قابل توجهی است، هرکس برای آینده سکونت‌گاهی بشر تصمیم می‌گیرد باید به این اقلیت ۴۰ درصدی توجه کافی داشته باشد. برای مثال شرکت دلتک<sup>۳</sup> خانه‌های ویلایی انرژی صفر<sup>۴</sup> تولید می‌کند که اگر فردی خواستار زندگی تنها در یک منطقه یا بیابان بود بتواند انرژی خود را تأمین کند. همچنین شبکه جهانی GEN<sup>۵</sup> که مؤسس آن خانمی دانمارکی است با این ایده که هرکس در هرکجای جهان بخواهد طراحی کند، اصول طراحی را رایگان به او یاد می‌دهیم و تحت شبکه، بستر را برای او مهیا می‌نماییم، فعالیت می‌کند که حدود ۱۰ هزار پروژه و جمع مشابه را در سراسر جهان به یکدیگر شبکه کرده است و نهادهایی مانند UN Habitat<sup>۶</sup> از آن‌ها حمایت نمودند و پروژه گسترش یافت. ابعاد منتخب پروژه بوم‌روستاها در نمودار (۱) مشاهده می‌شود:



نمودار ۱: ابعاد منتخب پروژه بوم‌روستا

1. EPEK
2. UGAV
3. Deltec
4. Zero Energy
5. Global Ecovillage Network

۶. برنامه اسکان بشر ملل متحد، برنامه سازمان ملل متحد برای سکونتگاه‌های انسانی و توسعه شهری پایدار

همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر سه مؤلفه بعد اقتصادی این پروژه، یعنی چرخش مالی درون مجموعه، مشارکت حداکثری انسانی و بنگاه‌های اقتصادی خانگی برخلاف الگوی جهانی سرمایه‌داری است.

در ادامه و قبل از معرفی و توضیح شهر و معماری سازگار با جامعه انبیاء یا نظریه اجتماعی امامت-امت، به دلیل پاره‌ای از نقدهای محتمل و ازجمله این نکته که اگرچه ایده مطرح شده با فرهنگ کشور ما همخوانی دارد؛ اما علمی نیست و با علم روز و تجربه جهانی سازگار نمی‌باشد، چهار تجربه جهانی مرور می‌شود. درواقع مسیری که برای طراحی این ایده طی شده این است که بر اساس آموزه‌های فرهنگی تلاش شده تا ایده طراحی گردد و سپس در سطح جهان رصد شده که آیا تجربه‌ای به این شکل وجود دارد و اگر وجود دارد آیا این طراحی موفق بوده است یا خیر (درواقع تأکید بر این نکته است که از این تجارب جهانی کپی‌برداری نشده است).

### معرفی منتخبی از تجربه‌های جهانی

تجربه اول: داچا (معجزه مقیاس کوچک و رضایت اجتماعی)

داچا به معنای ویلاهای بیرون شهری است که به نخبه‌های فرهنگی-سیاسی روسیه تعلق داشت و پس از جنگ جهانی دوم در زمان قحطی، به مردم روسیه داده شد. داچا دو تیپ شهری و روستایی دارد؛ شهری‌ها ۶۰۰-۱۲۰۰ متر و روستایی‌ها ۵۰۰۰ متری هستند، بیشترین فراوانی آن نیز ۶۰۰ متر است. کشاورزی معیشتی در کنار محل سکونت افراد قرار دارد و سه درصد از اراضی زراعی روسیه به داچاها داده شده است. ۶۶ درصد از کل خانوارها هم‌اکنون دارای داچا هستند که یا خانه اصلی آن‌ها است و یا در ۱۲۰ روز از سالی که اقلیم اجازه کشت می‌دهد در داچاها هستند و مابقی سال را به شهر و آپارتمان‌های خود بازمی‌گردند. سوداگری نیز به دلیل این‌که مالکیت داچاها را دولت نداده است، وجود ندارد؛ به‌گونه‌ای که اگر شخصی در داچاها کشت و زرعی نداشته باشد، داچای او به شخص دیگری واگذار می‌گردد. اعداد و ارقام در اینجا تکان‌دهنده و خلاف آن چیزی است که ۷۰ سال است به ما گفته می‌شود. حدود ۳ درصد از اراضی کشاورزی، ۵۳ درصد از کل محصولات کشاورزی کشور را تولید می‌کنند و ۹۷ درصد باقی‌مانده از اراضی کشاورزی، ۴۷ درصد از محصولات را تولید می‌کنند که عدد تکان‌دهنده‌ای است،<sup>۱</sup> یعنی بهره‌وری مقداری از اراضی خرد از کل اراضی بالاتر رفته است، برخلاف روندی که ۶۰-۷۰ سال فکر شده و همواره به دنبال تجمیع بوده است. در چنین شهرک‌هایی تولیدات به شرح جدول ۱ است:<sup>۲</sup>

1. Rosstat, 2006

۲. لازم به ذکر است که از سال ۲۰۰۸ اعطای مالکیت اراضی زراعی به مردم آغاز شد و سوداگری اتفاق افتاد و هم‌اکنون خانوارهای دارای داچا از ۶۶ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۵۳ درصد رسیده است و عملکرد زراعی‌شان نیز سال به سال در حال افت است؛ یعنی مالکیت ندادن اهمیت پیدا می‌کند. در فقه اسلامی نیز، زمین اوراق تصرف دارد و به تعبیر شهید صدر، اصل مال در ثروت‌های طبیعی قابل مالکیت نیست. البته ما به این وضعیت عادت نداریم و نمی‌توانیم هم نظام موجود را به هم زد.

جدول ۱: تولیدات کشاورزی توسط خانوارهای روسی در داچاها، در سال ۲۰۰۴

درصد سهم کل تولیدات کشاورزی	واحد	مقدار تولید	مواد غذایی
۹۲	میلیون تن	۳۳	سیب‌زمینی
۸۰	میلیون تن	۱۱,۵	سبزیجات
۸۱	میلیون تن	۳,۲	میوه و انواع توت
۵۲	میلیون تن	۲,۶	گوشت
۵۲	میلیون تن	۱۶,۷	شیر
۲۶,۷	میلیون تن	۹,۵	تخم مرغ
۵۶,۹	هزار تن	۲۵,۶	پشم

Source: Rosstat 2005b

آیا بهره‌وری بالاتر زمین‌های خرد ویژه اقلیم روسیه است یا در ایران نیز به همین صورت است؟ در ایران نیز بر اساس نتایج طرح آمارگیری از باغداری‌های کشور، سال ۱۳۹۶، همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، در ستون اول طبقات دیده می‌شوند (زمین‌ها را از ۰/۱ هکتار، یعنی زیر ۱۰۰۰ متر را طبقه طبقه تا ۵۰۰ هزار متر بالا می‌برد). بر اساس تقسیم میزان تولید هر طبقه بر سطح کاشت، میزان بهره‌وری به دست می‌آید. نکته قابل توجه این‌که بهره‌وری باغات زیر ۱۰۰۰ متر از بهره‌وری باغات بالای ۵۰۰ هزار متر بیشتر است.

## الگوی «زیست‌شمار» های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی

جدول ۲: مقایسه بهره‌وری باغات زیر ۱۰۰۰ متر تا بالای ۵۰۰ هزار متر

کاشت ساده (تک‌محصولی)					کل			وسعت اراضی باغ و قلمستان
تولید ۱۳۹۶	تولید ۱۳۹۵	تعداد درخت		تعداد بهره‌برداری	تولید ۱۳۹۶	تولید ۱۳۹۵	تعداد بهره‌برداری	
		بارور	نهال					
۵۵۱۲۳	۴۹۱۹۸	۳۵۹۱	۱۷۱۹۴	۵۰۸۵۶	۵۲۵۵۱	۱۲۹۵۶۶	۱۱۱۸۴۵	۳۰۸۶۲۰
-	-	-	-	-	-	۱۵۸	۱۱۱	۲۷۶۷
۱۲۱۰۹	۹۸۴۲	۴۶۲	۳۱۶۹	۵۸۲۹	۲۶۹۴۹	۳۶۲۰۲	۳۰۴۹۸	۲۰۱۵۹۲
۴۳۹	۳۵۹	۲۱	۹۰	۱۳۲	۳۳۲۳	۲۰۹۱	۱۶۷۵	۳۶۵۰۸
۹۱۵	۷۳۰	۲۶	۲۷۳	۴۰۱	۴۵۳۳	۴۰۰۵	۳۳۳۹	۳۷۹۲۲
۲۹۱۸	۲۳۶۷	۱۴۲	۱۰۱۸	۱۷۵۷	۹۴۸۷	۱۰۱۶۹	۸۴۷۸	۷۰۵۴۸
۷۸۳۷	۶۳۸۵	۲۷۳	۱۷۸۸	۳۵۳۹	۹۶۰۶	۱۹۹۳۷	۱۷۱۰۶	۵۶۶۱۴
۲۴۲۰۴	۲۰۷۳۵	۱۲۲۲	۸۲۹۳	۲۴۷۵۹	۲۱۵۶۱	۵۷۱۱۱	۴۹۴۳۶	۹۴۰۶۱
۱۰۳۸۶	۸۶۵۵	۴۰۱	۳۱۴۱	۷۳۶۰	۱۰۸۴۰	۲۴۷۸۱	۲۱۱۵۵	۵۴۱۴۶
۶۶۹۷	۵۴۴۲	۲۵۳	۱۹۹۳	۶۳۴۳	۵۱۶۱	۱۷۳۵۹	۱۴۷۰۲	۲۴۴۷۵
۷۲۲۲	۶۶۳۸	۵۶۸	۳۱۵۹	۱۱۰۵۶	۵۵۶۰	۱۵۰۷۱	۱۳۵۷۹	۱۷۴۴۰
۱۸۷۱۱	۱۸۶۲۱	۱۹۰۵	۵۷۳۳	۲۰۳۶۸	۴۰۴۲	۳۶۰۹۵	۳۱۸۰۰	۱۰۲۰۱
۹۹۰۴	۷۱۶۸	۷۱۶	۳۰۹۳	۱۱۲۸۳	۱۳۴۴	۱۸۸۹۱	۱۳۱۲۰	۷۸۷۱
۵۱۰۶	۹۰۰۸	۴۴۸	۱۱۱۸	۳۹۲۹	۶۷۸	۸۴۹۶	۱۱۴۶۱	۱۶۷۶
۲۴۶۲	۱۶۰۲	۴۴۳	۷۷۷	۲۸۸۴	۱۸۶	۳۵۰۸	۲۵۴۷	۴۱۰
۱۲۳۸	۸۴۲	۲۰۸	۷۴۵	۲۱۷۲	۵۴	۵۳۰۰	۴۶۷۱	۲۴۴

کاشت پراکنده				کاشت مخلوط (چندمحصولی)				وسعت اراضی باغ و قلمستان
تولید ۱۳۹۶	تولید ۱۳۹۵	تعداد درخت		تولید ۱۳۹۶	تولید ۱۳۹۵	تعداد درخت		
		بارور	نهال			بارور	نهال	

منبع: طرح آمارگیری از باغداری‌های کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶

همچنین در بخش زراعت نیز بر اساس نتایج طرح آمارگیری زراعت در سال ۱۳۹۷، اقلامی مانند گندم، یونجه، سایر سبزیجات، هویج، ترب، شلغم، هندوانه، سیب‌زمینی، زعفران، ذرت، خیار، خربزه، طالبی، چغندر قند و پیاز در طبقات زمین با مترهای مختلف (از زیر ۱۰۰۰ متر تا بالاتر از ۵۰ هکتار) آمارگیری شده که در جدول ۳ مشاهده می‌شود:

جدول ۳: نتایج طرح آمارگیری بخش زراعت برای دیم و آبی در سال ۱۳۹۷

بهره‌وری	تولید	سطح کاشت	کل سالانه برای دیم و آبی
۱۳,۶۳	۳۳۷۷۰	۲۴۷۷	کمتر از ۱۰۰۰ متر
۶,۶۶	۱۴۵۸۶۸۱	۲۱۹,۱۷۵	جمع کمتر از ۱ هکتار
۵,۶۰	۹۷۸۲۷۳۹	۱,۷۴۶,۱۷۹	جمع ۱ تا ۵ هکتار
۴,۸۵	۲۲۱۶۷۲۸۸	۴۵۷۴۴۱۹	جمع ۵ تا ۲۰ هکتار
۴,۳۶	۱۱۲۱۵۶۵۰	۲۵۷۴۶۵۱	جمع ۲۰ تا ۵۰ هکتار
۸,۳۱	۱۹۲۵۰۱۹۹	۲۳۱۷۵۱۶	جمع ۵۰ هکتار و بیشتر

همان‌طور که مشخص است بهره‌وری از ۱۳,۶۳ برای مترها کمتر از ۱۰۰۰ متر شروع شده و ابتدا سیر نزولی داشته تا طبقه ۵۰ هکتار و بیشتر که سیر صعودی پیدا می‌کند. بنابراین، بحث صرفه به مقیاس، برخی مواقع درست است. برای مثال، یک مرغداری ۱۰۰ هزار قطعه‌ای گران‌تر از مرغداری ۱ میلیون قطعه‌ای می‌شود؛ اما

صرفه مقیاس خرد نکاتی دارد که مطرح نمی‌شود. برای مثال، زمانی که شخصی در دچاها مرغ نگهداری کند، هزینه‌هایی مانند واکسیناسیون ندارد، نگهداری و نگهداری نیاز ندارد، نیمی از دانه و مواد اولیه را ممکن است با دورریز سفره تأمین کند؛ بنابراین، مقیاس خرد صرفه قابل توجه‌تری دارد. بهره‌وری بالا برای زمین‌های بزرگ از یک حداقلی به بالا و در یک مقیاسی جواب می‌دهد.

در آمار کل زراعت دیم، بهره‌وری خردمقیاس فاصله معنادار و قابل توجهی به نسبت سطح وسیع‌تر دارد.

جدول ۴: نتایج طرح آمارگیری بخش زراعت دیم در سال ۱۳۹۷

بهره‌وری	تولید	سطح کاشت	کل سالانه برای دیم
۴,۷۰	۱۱۵۲	۲۴۵	کمتر از ۱۰۰۰ متر
۲,۱۰	۶۲۲۵۲	۲۹,۵۸۲	جمع کمتر از ۱ هکتار
۱,۲۰	۹۶۹۱۴۵	۸۰۵,۲۶۹	جمع ۱ تا ۵ هکتار
۱,۱۲	۳۱۱۶۱۶۳	۲,۷۷۹,۸۴۸	جمع ۵ تا ۲۰ هکتار
۱,۱۳	۱۹۲۶۶۳۴	۱,۷۰۴,۳۷۰	جمع ۲۰ تا ۵۰ هکتار
۱,۲۰	۱۵۱۰۰۲۴	۱,۲۶۱,۸۲۲	جمع ۵۰ هکتار و بیشتر

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷

برای گندم در جمع دیم و آبی نیز به همین صورت است و بهره‌وری مقیاس خرد از مقیاس وسیع بیشتر است تا زمین‌های بالاتر از ۲۰۰۰ هکتار که مجدداً بهره‌وری سیر صعودی پیدا می‌کند.

جدول ۵: نتایج طرح آمارگیری برای گندم در بخش زراعت دیم و آبی در سال ۱۳۹۷

بهره‌وری	تولید	سطح کاشت	کل سالانه برای دیم
۴,۶۸	۱۳۱۴	۲۸۱	کمتر از ۱۰۰۰ متر
۲,۸۸	۹۴,۴۶۰	۳۲,۸۱۸	جمع کمتر از ۱ هکتار
۲,۱۵	۱,۶۶۴,۰۴۰	۷۷۴,۳۲۳	جمع ۱ تا ۵ هکتار
۱,۹۹	۵,۲۴۵,۳۹۴	۲,۶۳۱,۵۴۰	جمع ۵ تا ۲۰ هکتار
۱,۷۴	۲,۹۰۶,۷۴۸	۱,۶۷۰,۶۶۵	جمع ۲۰ تا ۵۰ هکتار
۱,۹۷	۲,۷۹۴,۱۰۵	۱,۴۱۷,۲۴۱	جمع ۵۰ هکتار و بیشتر
۴,۰۸	۳۱۱,۱۱۶	۷۶,۲۷۴	بالاتر از ۲۰۰۰ هکتار

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷

در گندم آبی مشاهده می‌شود مقیاس خرد و بالاتر از ۲۰۰۰ هکتار از بقیه طبقات بهره‌وری بالاتری دارند.

جدول ۶: نتایج طرح آمارگیری گندم در بخش زراعت آبی در سال ۱۳۹۷

بهره‌وری	تولید	سطح کاشت	کل سالانه برای دیم
۵,۱۳	۱,۲۳۰	۲۴۰	کمتر از ۱۰۰۰ متر
۳,۴۱	۷۱,۶۰۱	۲۰,۹۸۲	جمع کمتر از ۱ هکتار
۳,۳۸	۱,۰۲۷,۱۳۲	۳۰۳,۵۴۳	جمع ۱ تا ۵ هکتار
۳,۷۵	۲,۹۵۸,۸۰۹	۷۸۹,۵۵۴	جمع ۵ تا ۲۰ هکتار

جمع ۲۰ تا ۵۰ هکتار	۴۱۵,۸۱۷	۱,۳۶۸,۸۴۱	۳,۲۹
جمع ۵۰ هکتار و بیشتر	۴۴۵,۵۱۵	۱,۵۸۴,۰۵۷	۳,۵۶
بالاتر از ۲۰۰۰ هکتار	۶۶,۹۹۲	۳۰۰,۸۹۹	۴,۴۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷

حتی در گندم دیم نیز مقیاس خرد از بقیه طبقات، بهره‌وری بالاتری دارد.

جدول ۷: نتایج طرح آمارگیری گندم در بخش زراعت دیم در سال ۱۳۹۷

کل سالانه برای دیم	سطح کاشت	تولید	بهره‌وری
کمتر از ۱۰۰۰ متر	۴۱	۸۴	۲,۰۵
جمع کمتر از ۱ هکتار	۱۱,۸۳۷	۲۲,۸۵۹	۱,۹۳
جمع ۱ تا ۵ هکتار	۴۷۰,۸۷۱	۶۳۶,۹۰۸	۱,۳۵
جمع ۵ تا ۲۰ هکتار	۱,۸۴۱,۹۸۶	۲,۲۸۶,۵۸۴	۱,۲۴
جمع ۲۰ تا ۵۰ هکتار	۱,۲۵۴,۸۴۷	۱,۵۳۷,۹۰۶	۱,۲۳
جمع ۵۰ هکتار و بیشتر	۹۷۱,۷۲۶	۱,۲۱۰,۰۴۸	۱,۲۵
بالاتر از ۲۰۰۰ هکتار	۹,۲۸۲	۱۰,۲۱۷	۱,۱۰

منبع: مرکز آمار ایران

بنابراین، بر اساس دو آمار مطرح شده در دو بخش باغداری و زراعت دیده شد در ایران نیز مانند داجاها در مقیاس خرد، بهره‌برداری بالاتر است.

داجاها معمولاً به دلیل مهیا بودن بستر، از کشاورزی و باغداری ارگانیک استفاده می‌کنند؛ مثلاً مزرعه ریحان اگر تراریخته کار شود، ۱۰۰ گرم بیشتر محصول خواهد داشت؛ اما زمانی که ریحان ارگانیکِ عطر و طعم‌دار و در نتیجه کیفیت بالاتر کار شود، ۱۰۰ گرم محصول بیشتر اولویت نخواهد بود. نکته جالب توجه این‌که ۳۰ درصد از اقتصاد داجاها اقتصاد هدیه است. به این دلیل که مقیاس خرد صرفه اقتصادی فروش ندارد، هدیه می‌کنند؛ اما اگر مقیاس بزرگ‌تر باشد هدیه نخواهند کرد و در عوض محصول خود را در بازار می‌فروشند. ۹۵ درصد از داجاها با صرف وقت کم، یعنی به‌طور میانگین ۴۵ دقیقه در روز توسط هر نفر از یک خانواده سه نفره، خودشان کارها را انجام می‌دهند و کارگر ندارند و این درآمد و شغل اصلی آن‌ها هم نیست. برای ۸ درصد از جمعیت، درآمد اصلی از داجاها است، برای ۱۵ درصد از جمعیت، نیمی از درآمد از داجاهاست و برای بقیه جمعیت، داجاها نه به‌عنوان درآمد که برای تفریح یا تولید امنیت غذایی است.

#### تجربه دوم: دهکده مدرن خودکفا (یک رؤیا برای چین)

چین در مقیاس پایلوت ۱۰۰ میلیون فقیر روستایی را با طرح «دهکده‌های مدرن خودکفا»، طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۱ فقرزدایی کرد. دهکده‌های مدرن خودکفا تلفیق سه چیز بود؛ سکونت، کشاورزی معیشتی (که داجا هم این دو مورد را داشت) و کسب و کارهای کوچک مقیاس، خرد و خانگی؛ که مورد سوم توانست بهره‌وری بالاتری ایجاد کند. در گام دوم چین در سال گذشته اعلام کرد که می‌خواهد تا سال ۲۰۲۵، ۵۰۰ میلیون فقیر

شهری را با همین شیوه فقرزدایی کند. در بحث تولید خرد و خانگی، یک نظام توزیع متوازن و متناسب برای آن در نظر می‌گیرد، برای همین امر پلتفرمی مانند تائوبائو<sup>۱</sup> ساخت و برای احداث آن به علی‌بابا معافیت مالیاتی داد. تائوبائو برای شرایط زیر ۵ کارگر، تراکنش و انتقال محصول روستایی به شهری رایگان و بدون سود در اختیار گذاشت؛ بنابراین، از هر چهار تجارت آنلاین در چین در سال ۲۰۱۷، سه تجارت از طریق تائوبائو صورت گرفت و تراکنش آن به ۵۰۰ میلیارد دلار رسید؛ یعنی یک بستر نظام توزیع متناسب می‌تواند خودبه‌خود سرمایه را جذب کند. لیست کالاهای دهکده‌های تائوبائو در سال ۲۰۱۷، در جدول ۸ مشاهده می‌شود:

جدول ۸: لیست کالاهای دهکده‌های تائوبائو در سال ۲۰۱۷

Ranking	Country (City)	Province	Number of Taobao villages	Bestsellers
1	Yiwu	Zhejiang	104	petty commodities
2	Wenling	Zhejiang	75	shoes
3	Caoxian County	Shandong	74	costumes
4	Ru'ian	Zhejiang	54	shoes
5	Puning	Guangdong	52	leisure wear
6	Suining	Jiangsu	51	furniture
7	Jinjiang	Fujian	48	shoes
8	Cixi	Zhejiang	44	house appliances
9	Yongkang	Zhejiang	44	fitness equipment, hardware
10	Shuyang	Jiangsu	41	flowers and trees
11	Yueqing	Zhejiang	40	electrical & electronic products

همان‌طور که در جدول دیده می‌شود در رده ۱۱ کالاهای الکترونیک قرار دارد، یعنی این‌گونه نیست که کالاهای تولید خانگی محدود به رب انار، ترشی و صنایع دستی باشد بلکه می‌تواند تکنولوژی پیشرفته دست‌ساز<sup>۳</sup> را نیز شامل شود. یک میلیارد و دویست میلیون دلار محصولات جانبی موبایل که سالانه وارد ایران می‌شود در خانه‌ها و کارگاه‌های خرد چین تولید می‌شود و نه کارخانه‌های بزرگ. برای مثال، اگر کارخانه‌ای برای تولید یک میلیون شارژر نوع b در ماه احداث شده باشد، پس از چند ماه به دلیل تغییر تکنولوژی و یا به دلیل فشار مدل‌های با توان شارژ سریع، دیگر تقاضای شارژر نوع b وجود ندارد و شارژرها نوع c می‌شوند؛ بنابراین، کارخانه با سرمایه‌گذاری سنگین به نسبت کارگاه‌ها در مقیاس خرد و خانگی ضرر بیشتری می‌بیند، پس سرعت تغییرات

۱. تائوبائو (Taobao) یک وب‌سایت خرید آنلاین چینی است که دفتر مرکزی آن در هانگژو واقع شده و متعلق به گروه علی بابا است. این فروشگاه اینترنتی، بستری را برای کسب و کارهای کوچک فراهم کرده که کاربران با باز کردن فروشگاه‌های آنلاین، می‌توانند اقدام به فروش اجناس خود کنند.

2. Research Report of Taobao Vilages in China, 2017

3. Handmade High-Tech



تکنولوژی باعث تغییر به سمت سرمایه‌گذاری خرد می‌شود. حدود سه دهه است که ترند جهانی سرمایه‌گذاری بیشتر زمینه‌ها که نتوانستند انحصار ایجاد کنند به سمت مقیاس خرد رفته است و زمینه‌هایی که بتوانند انحصار ایجاد کنند همچنان بزرگ مقیاس ادامه می‌دهند.

#### تجربه سوم: کیبوتص رژیم صهیونیستی (افزایش انسجام اجتماعی و پدافند غیرعامل)

در کیبوتص‌ها زندگی آمیخته با طبیعت با انسجام اجتماعی بالا و خانه‌های مسکونی در کنار زمین‌های زراعی که گرداگردشان هستند جریان دارد. در مرکز شهر نیز مشاعات قرار دارد. در اینجا آمار جالب و قابل توجهی وجود دارد؛ حدود ۴ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی را اهالی کیبوتص تشکیل داده است. در آمار زراعی این ۴ درصد از جمعیت رژیم صهیونیستی، ۶۲ درصد گندم، ۲۵ درصد جو، ۶۴ درصد ذرت، ۷۰ درصد پنبه، ۷۸ درصد یونجه، ۹۱ درصد ماهی، ۹۰ درصد موز و ۷۰ درصد بقیه میوه‌ها را تأمین می‌کنند. در آمار فرهنگی، ۳۰ درصد جوانان کیبوتص در مقابل ۵ درصد سایر جوانان، تمایل و آمادگی پیوستن به ارتش را دارند؛ بنابراین، جوانان کیبوتص شش برابر شجاع‌تر و ورزیده‌تر هستند. پس مشخص است زمانی که بستر مهیا باشد، تأثیر چشمگیر خواهد بود. فارابی نیز در کتاب *فصول منتزعه* این موضوع را طرح می‌کند که انسان‌هایی که در حصن حصین زندگی می‌کنند، نسبت به کسانی که در دل طبیعت زندگی می‌کنند ترسوتر هستند؛ بنابراین، برای تربیت نسل شجاع، یک راهش صنعت است، یعنی نصیحت و بیان داستان‌های شجاعانه که در جای خود مفید و لازم است؛ اما یک راه دیگر هم طبیعت و اقتضای محیط است که لازم است به آن توجه شود.

#### تجربه چهارم: برش عرضی (نجات انسان و طبیعت از سیطره بناهای متراکم)

این طرح از حدود ۱۹۳۰ در آمریکا توسط آندره دوانی<sup>۱</sup> و الیزابت پلاتر زایبرک<sup>۲</sup> با پروژه سی‌ساید<sup>۳</sup> شروع شد و ضمن طرح این نقد که چرا شهرها کاربری محور اداره می‌شود، پیشنهاد اداره شهرها به صورت فرم‌محور<sup>۴</sup> را ارائه کرد. در این طرح، پهنه سرزمین به ۶ بخش (T1-T6) تقسیم می‌شود؛ پهنه اول (T1) منطقه طبیعی<sup>۵</sup> که عارضه مصنوع ندارد، پهنه دوم (T2) منطقه روستایی<sup>۶</sup>، پهنه سوم (T3) حومه شهری<sup>۷</sup>، پهنه چهارم (T4) عموم شهر<sup>۸</sup>، پهنه پنجم (T5) مرکز شهر<sup>۹</sup> و پهنه ششم (T6) منطقه مرکزی<sup>۱۰</sup> و در کنار آن یک سری نواحی مصوب ویژه<sup>۱۱</sup> به مرور از T1 به T6، تراکم در پلان و ارتفاع در مقطع زیاد می‌شود. در T6 که عمدتاً سازمان‌ها مستقر

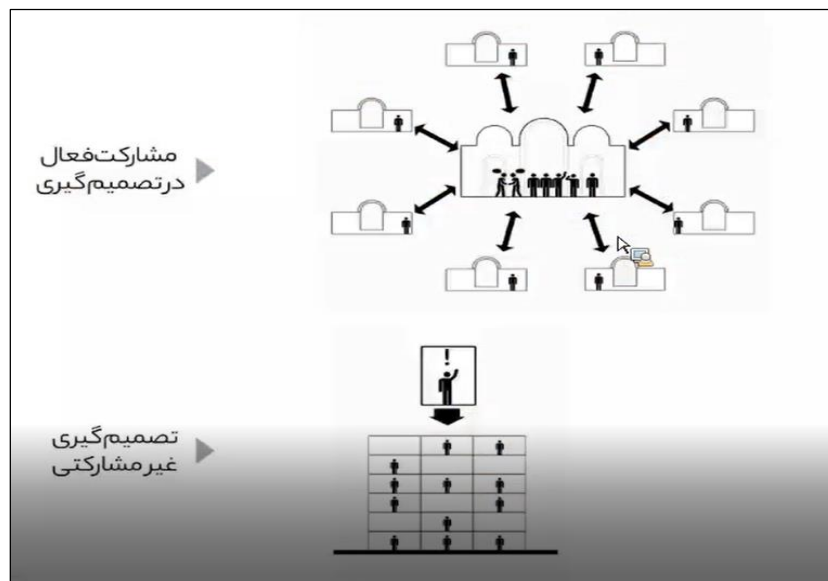
1. Andres Duany
2. Elizabeth Plater-Zybrek
3. Seaside
4. Form Base Code
5. Natural Zone
6. Rural Zone
7. Suburban Zone
8. General Urbane Zone
9. Urban Center Zone
10. Urban Core Zone
11. Assigned District

هستند، اگر فردی از روابط طبیعی و انسانی محروم بماند، در منطقه کنار آن که محل سکونت اوست از طبیعت بهره‌مند می‌شود. زایبرک برای طیف T3-T5 خانه‌های مولد، یعنی خانه‌هایی وسیع برای افرادی که توان کار با تراکتور دارند را پیشنهاد می‌دهد؛ در ناحیه T3 ۲۰۰۰ متر با کاربری مشخص، برای افراد فاقد این توانمندی، در ناحیه T5 خانه‌هایی با مترای ۳۰۰-۴۰۰ متر اما با امکان تولیدات طبیعی و نهایتاً می‌رسد به آپارتمان‌هایی که در T6 مستقر هستند.

هم‌اکنون با این دیدگاه طیفی به شهرها نگاه نمی‌شود، تمام شهر T6 و حومه شهر T1 دیده می‌شود و حصار شهر محکم و حریم شهر به جای طیف، اصطلاحاً به صورت صفر و یکی بسته می‌شود. زمانی هم که در زندان شهر باز می‌شود، شهرک جدیدی در کنار آن ساخته شده؛ باز هم در شهرک جدید T6 ساخته می‌شود. در صورتی که اگر با نظم T1-T6 شهرسازی می‌شد تمام حومه شهرهای کشور سبز دیده می‌شدند. به این صورت که آب ۱۵۷ لیتر در شبانه‌روز سرانه هر نفر به حومه شهر منتقل می‌گردید و با آب خاکستری خانگی (۷۰ درصد آب خانواده فاضلاب نیست، آب خاکستری قابل بازیافت است)، امکان پرورش ۷۰۰ متر باغ و حیاط وجود داشت.

#### ۱-۴- معرفی طرح پیشنهادی؛ نظریه اجتماعی امامت-امت

طرح پیشنهادی مبتنی بر آموزه‌های فرهنگی و فقهی، خانه‌های وسیع است که برخلاف طرح رگن، خانه‌ها برون‌گرا نیستند، حریم داشته و درون‌گرا هستند. محور انگیزش اجتماعی در آن محبت است، همچنین در مناسبات اجتماعی به جای بازاریان و سرمایه‌داران، افراد اهل ایثار و آگاهی‌بخشی بالا می‌روند. در این الگو ارزش‌هایی مانند تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت، نظام اجتماعی مبتنی بر اخوت، عدالت فضایی، مسجدمحوری و محله‌مقیاسی پاس داشته می‌شوند. همچنین برخلاف باغ‌شهرها، خانه‌ها ردیفی چیده نشده است بلکه خانه‌ها حول یک سری قلب‌هایی جمع می‌شوند تا روابط همسایگی را تسهیل کنند؛ به این صورت که در ماشین‌رو از اطراف باز می‌شود و در سمت پیاده خانه‌ها به سمت مرکز است که بستری می‌شود برای کشاورزی، بازی و محل گذران اوقات فراغت. مردم مشارکت فعال در تصرف محیط دارند؛ مانند نظریه استیلا نیست که مردم حق مشارکت در محیط نداشته باشند، همچنین مانند دموکراسی غربی نیست که به یک نفر رأی بدهند و او فقط حق تصرف داشته باشد. مردم کشاورزی انجام می‌دهند و شهرداری اگر علم و هنری دارد در اختیار آگاهی‌بخشی و هماهنگ‌سازی مردم قرار می‌دهد. گونه‌های شهری نیز عمدتاً متمر هستند.



شکل ۸: مشارکت فعال مردم در تصرف محیط



شکل ۹: تیپ ۴۰ واحدی طرح پیشنهادی

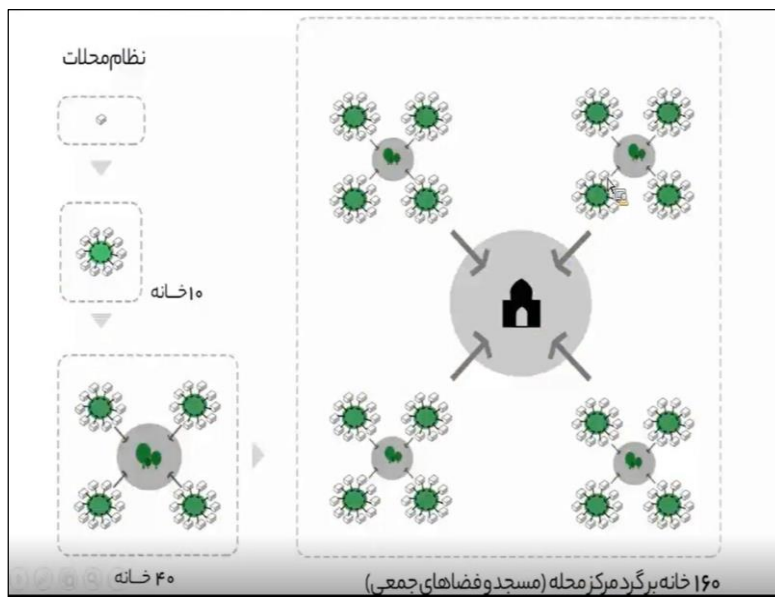
در تیپ ۴۰ واحدی که در شکل ۱۰ مشاهده می‌شود، واحدهای ۴۰۰، ۸۰۰ و ۱۲۰۰ متری پیشنهاد شده است. واحدها بدون جدایی‌گزینه‌ی طبقاتی و با اختلاط اجتماعی در کنار یکدیگر هستند. به این صورت از برچسب زدن اجتماعی به مسکن فقرا جلوگیری می‌شود.

خانه‌ها حیاط‌دار و تمام نماها مشابه هستند، کرامت انسانی حفظ می‌شود و در نهایت برحسب نیاز یا تمول، خانه وسیع‌تر است.



شکل ۱۰: طرح سه بعدی خانه های حیاطدار با نماهای مشابه

بنابراین، این چهار تیپ ۴۰ واحدی؛ یعنی ۱۶۰ واحد مسکونی که در شکل ۱۱ ملاحظه می شوند، حول مسجد و خدمات محلی (خدمات تجاری، آموزشی، کارگاهی، مسجد و مدرسه در مرکز) یک محله را تشکیل می دهند.



شکل ۱۱: نمای خانه ها حول مسجد و خدمات محلی

اتفاقی که در شهر مدرن افتاد، این بود که کاربری های فراغت، سکونت و اشتغال از یکدیگر جدا شدند؛ به صورتی که اشتغال در شهرک صنعتی و فراغت در شهرک تفریحی تعریف شد و شهرها خوابگاهی شدند. در این طرح خانه ها به نفع خانواده که سلول جامعه است، بزرگ می شوند و هدف آن این است که تمام کاربری ها به نفع مسکن وسیع، تلفیق شوند.



شکل ۱۲: مرکز محله

درواقع اگر بتوان ویتترین شهر و طبقه همکف را از بخش تجاری پس گرفته و به بخش‌های آموزشی و فرهنگی و مذهبی داد، انقلابی در طراحی شهری رخ داده است. برای تحقق این امر، در این طرح بخش تجاری در گودال باغچه (زیر همکف) قرار گرفته، دید و نور کافی هم دارد؛ اما دیگر ویتترین اصلی شهر نیست. در مرکز محله نیز تیپ‌هایی مانند بازار روز پیشنهاد می‌شود تا قاعده فقهی تلقی رکبان<sup>۱</sup> رعایت شود و تولیدکنندگان بتوانند محصولات خود را در این بازارها عرضه کنند.

در این طرح، خانه‌ها در هر اقلیمی متفاوتند؛ اما مفاهیم ثابتی هم وجود دارد، مانند معماری تدریجی و مشارکتی (معماری قابل توسعه و پیشرفت به مرور زمان)، استفاده از انرژی‌های پاک (نظیر امکان بهره‌مندی از نور خورشید و...) و مهیا بودن بستر فرزندآوری (برای جلوگیری از تک فرزندآوری نسل آینده). تکنولوژی در این ایده کمک می‌کند که خانه با صرف زمان کوتاه اداره شود؛ مثلاً، در تکنیک آبیاری زیرسطحی با زدن یک دکمه، آب خاکستری مصرف شده به سمت باغ و باغچه هدایت می‌شود.

---

۱. طبق این قاعده فقهی، رفتن مردم به استقبال کاروان تجاری یا روستایی و خرید اجناس آنها قبل از رسیدنشان به شهر ممنوع است. کاروان تجاری یا روستایی که بارش را به محدوده ممنوعه شهر آورده خودش باید بیاید و محصولش را عرضه کند. در حال حاضر، عمل به این قاعده فقهی با حضور میادین میوه و تره‌بار به ممنوع قانونی تبدیل گردیده و درواقع، دقیقاً خلاف این قاعده اجبار شده است.



کشاورزی خانگی با امکان آسان آبیاری

بازی روزانه کودکان در طبیعت و در همزیستی با زمین، گیاه و حیوان.

کاشت سبزیجات و نیز درختان مثمر و استفاده از محصولات آن

خانه به مثابه محل تولید و نه مصرف صرف.



شکل ۱۳: مصرف مجدد آب خاکستری

اگر قرار است فراغت با سکونت تلفیق شود باید امکاناتی مانند روشن کردن آتش، خوابیدن زیر نور مهتاب، بازی بچه‌ها با خاک، تماشای طلوع و غروب و... مهیا باشد. در تپ دو طبقه نیز گودال باغچه وجود دارد که متناسب با اقلیم ایران است.



شکل ۱۴: تپ دو طبقه (زیرزمین و طبقه همکف)

سمت راست ابتدا زیرزمین و بعد طبقه همکف ساخته می‌شود. تپ خانه پیشنهادی، شکل ۱۵ است:



شکل ۱۵: تیپ سه‌بعدی خانه پیشنهادی

خانه محل نگهداری، ذخیره و تولید مواد غذایی را فراهم می‌کند و مولد است. در مقابله با جنگ و تحریم نیز امکان ذخیره سرانه یک سال را دارد.



شکل ۱۶: تولید و نگهداری مواد غذایی

امکان تداوم بین نسلی خانوار را فراهم می‌کند، در صورتی که در خانه سلولی، کودکان به مهدکودک و سالمندان به خانه سالمندان فرستاده می‌شوند.



شکل ۱۷: تداوم بین نسلی خانوار

خانه امکان درک فصول (نظیر برف و باران و برگ) را فراهم می کند و از ایوان خانه به سمت باغ دید دارد.



شکل ۱۸: درک فصول





شکل ۱۹: دید از ایوان خانه به سمت باغ

در شکل ۲۰، مقطع گودال باغچه طرح مشاهده می‌شود.



برشی از جریان زندگی در خانه.  
جمع‌های صمیمی دوستانه در زیر سایه باصفای آلاچیق داخل حیاط و سقف حصیری روی مهتابی.

شکل ۲۰: گودال باغچه

#### ۱-۴-۱- مصالح و جزئیات اجرایی

از نظر تکنیک‌های اجرایی تا جایی که امکان دارد معماری مشارکتی پیشنهاد می‌شود. به گونه‌ای که امکان مشارکت مردم (چه در نمونه‌های سازه‌ای و چه در نمونه‌های غیرسازه‌ای) وجود داشته باشد.



شکل ۲۱: نمونه سازه‌ای برای معماری مشارکتی

نمونه سازه‌ای در آمریکای جنوبی و هند در شکل ۲۲ دیده می‌شود.



شکل ۲۲: نمونه سازه‌ای در آمریکای جنوبی و هند

در ایران نیز نمونه‌های مجوزدار وجود دارد که ۷۰ درصد از مصالح بومی و محلی استفاده می‌کند، نمونه ساده‌ای که ۹۰ درصد مصرف آرماتور را پایین می‌آورد و خود مردم می‌توانند کار کنند، در شکل ۲۳ دیده می‌شود.



شکل ۲۳: نمونه سازه‌ای مجوزدار در ایران

حضور مردم تجربه اجرایی خوبی دارد. برای مثال، طبق آمار در استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۹، ۲۰۰۰ واحد در آپارتمان‌های پنج واحدی به مردم واگذار شده که در قالب نهضت ملی مسکن ساخته شود. همچنین ۲۲۰۰ واحد ویلایی در طبس در همان زمان واگذار گردیده است. در آپارتمان‌های خراسان جنوبی، پرداخت‌ها ناهم‌تراز بوده و تمام ساختمان‌ها نیمه تمام رها شده است، به گونه‌ای که بالاترین پیشرفت در سمت چپ شکل ۲۴ دیده می‌شود:



شکل ۲۴: آپارتمان‌های نیمه‌تمام پروژه خراسان جنوبی

این در حالی است که خانه‌های ویلایی یک طبقه در طبس ساخته شده و خانوارها اسکان یافته‌اند. در طرح‌های ویلایی اگر بعضی از طبقات پول نیاورند، کل پروژه قفل می‌شود؛ اما در واحدهای ویلایی اگر بعضی از خانه‌ها

پولشان فراهم نشود، نوبتشان عقب می‌افتد، آن واحد به فرد دیگر واگذار می‌شود و بقیه واحدها هم به موازات پیش می‌روند.

#### ۱-۴-۲- زمین: بررسی میزان اراضی مورد نیاز و نحوه تأمین آن

طبق آخرین سرشماری در ایران، ۲۴ میلیون خانوار وجود دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اگر فرضاً به هر خانوار ایرانی، یک زمین ۱۰۰۰ متر مربعی تعلق گیرد و سایر کاربری‌های غیرمسکونی نیز مطابق با مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی (آئین‌نامه سرانه کاربری‌ها، ۱۳۸۹) با سرانه استاندارد محاسبه شود و همه شهرهای ایران نیز یک طبقه فرض شوند باز هم کمتر از ۲ درصد از مساحت کل ایران برای دادن خانه ۱۰۰۰ متری به هر خانوار ایرانی کافی خواهد بود. البته این طرح نمی‌خواهد چنین کاری انجام دهد؛ اما این اعداد گویای این است که برای این طرح، وسعت سرزمینی کافی وجود دارد. مثال‌هایی از تبدیل مکان‌های نامناسب به مکان‌های مناسب هم هست و اساساً هنر معماری تبدیل مکان غیر قابل سکونت به قابل سکونت است. باغ شاهزاده ماهان، باغ فین کاشان، اورامانات، ماسوله، کندوان و قطرم<sup>۱</sup> بافق یزد و همچنین نمونه‌هایی در کشورهایمانند یمن و اسپانیا می‌تواند تجارب خوبی باشد؛ اما این سبک هزینه و سختی دارد. طبق شاخص زیست‌پذیری ۵۰ درصد از مساحت ایران در طبقه دلپذیر و نسبتاً دلپذیر قرار دارد؛ یعنی اگر قسمت‌های نسبتاً سخت، سخت و سخت کویری و کوهستانی مانند قم، میبد، یزد و طبس نادیده گرفته شود، به‌جای آن ۲ درصد مورد نیاز از کل مساحت ایران که پیش‌تر اشاره شد، برای اجرای این طرح به ۴ درصد از کل مساحت ایران (با احتساب فقط قسمت‌های دلپذیر و نسبتاً دلپذیر) نیاز خواهد بود.

#### ۱-۴-۳- آب و انرژی: بررسی نحوه تأمین آب و انرژی

در حال حاضر حدود ۶۰ هزار روستا و آبادی در کشور وجود دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که از این تعداد ۵۸ هزار مورد به شبکه سراسری برق متصل است و ۳۶ هزار مورد، تحت پوشش آبرسانی وزارت نیرو است (سالنامه آماری وزارت نیرو، ۱۳۹۷). با خرد شدن نحوه توزیع جمعیت می‌توان روی منابع پایدار آب از جمله آب باران و استحصال آب خاکستری تکیه کرد. شایان توجه است که ذخیره آبی کشور از محل بارندگی‌ها، ۴۰۰ میلیارد متر مکعب است، مصرف سرانه آب در بخش خانگی در ایران به‌طور متوسط ۱۵۷ لیتر در روز به‌ازای هر نفر است و به‌طور متوسط در سطح کشور، آب باران ۲۴۱ متر مربع برای مصرف یک سال یک نفر در بخش خانگی کافی است (سالنامه آماری هواشناسی و مؤسسه تحقیقات آب وزارت نیرو، آمار ۱۳۹۷)؛ یعنی خود استحصال آب باران عدد قابل ملاحظه‌ای است و در شهرهای کوچک می‌توان روی آن حساب کرد. همچنین امکان انتقال آب مصرفی کنونی در شهرها به اطراف شهر و استفاده مجدد از آب خاکستری برای کشاورزی وجود دارد؛ مانند

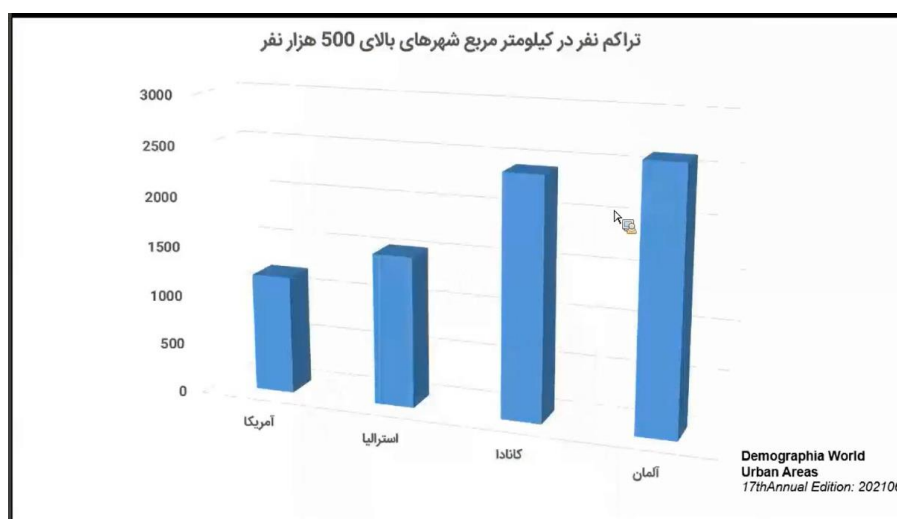
1. Qatram

هند که ۵۰۰ میلیون نفر از آب خاکستری استفاده می‌کنند؛ اما در ایران بسیار ناچیز بوده و تقریباً مغفول مانده است. در مجموع، در این ایده برداشت اضافه‌ای به منابع آبی تحمیل نخواهد شد و صرفاً به جای تمرکزگرایی در توزیع منابع، توزیع شبکه‌ای متوازن پیشنهاد می‌شود.

#### ۱-۴-۴- امکان‌سنجی اقتصادی

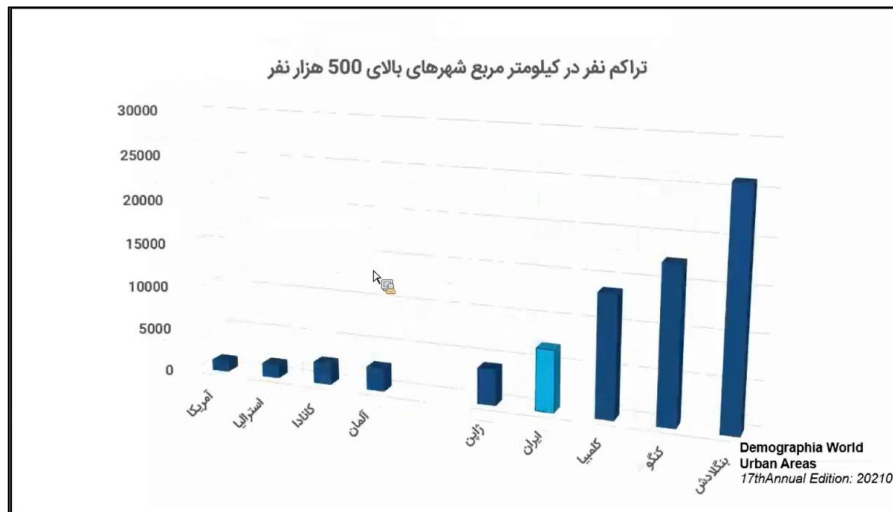
با توجه به موارد فوق‌الذکر، فرض بر این است که آب، انرژی و زمین کافی وجود دارد، آیا بودجه کافی برای ساخت وجود دارد؟ ایده معماری تدریجی برای فقرا، امکان تکمیل خانه به مرور زمان و توسط خود آن‌ها را فراهم خواهد کرد. در این ایده، دیوار و بخشی از خانه ساخته شده و به تدریج با مشارکت افراد کامل می‌شود، این‌گونه می‌توان با هزینه کمتر کار را تمام کرد.

اکنون در کشور تراکم بسیار بالایی وجود دارد، به‌گونه‌ای که جمع کل شهرها و روستاهای کشور تنها ۱ درصد از کل سرزمین است آن هم با تراکم بسیار بالایی که کار شده است.



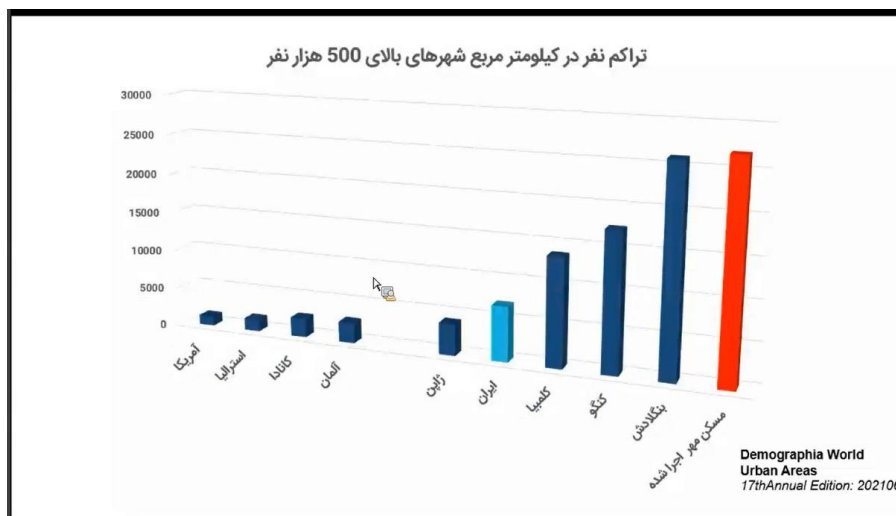
نمودار ۲: تراکم نفر در کیلومتر مربع شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر

نکته قابل توجه در نمودار ۲، تراکم ۲۵۰۰ نفر در کیلومتر مربع در آلمان است. آلمان ۸۳ میلیون نفر جمعیت دارد و مساحتش از دو برابر استان کرمان کمتر است؛ و با این نسبت مساحت بر جمعیت توانسته تراکم را بسیار پایین نگه دارد. تراکم ایران حدود ۷۰۰۰ نفر در کیلومتر مربع است و بدترین کشور از نظر تراکم بنگلادش با ۲۵ هزار نفر در کیلومتر مربع است.



نمودار ۳: تراکم نفر در کیلومتر مربع شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر با احتساب ایران

و نکته مهم این‌که همان‌طور که در نمودار ۴ مشخص است، تراکم ایران در مسکن مهر از بنگلادش بدتر است. البته مسکن مهر یک پروژه است و نباید در کنار میانگین کشوری قرار بگیرد؛ اما پروژه‌ای است در قامت بیش از نیمی از جمعیت کشورهای جهان و عدد تراکم آن، قابل توجه است.



نمودار ۴: تراکم نفر در کیلومتر مربع شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر با احتساب مسکن مهر

همین‌الآن هم در نهضت ملی مسکن، پروژه‌ای در پردیسان قم با تراکم ۵۲۰۰۰ نفر در کیلومتر مربع در حال اجراست که با این اعداد قابل مقایسه و تأمل است.

پس از پایان ارائه آقای جهانبخش، آقای غلامی ضمن تقدیر از ارائه جامع و کامل ایده مطروحه، حضار را به ذکر نظرات و نقدهای ارزشمندشان دعوت کرد.

آقای پوراصغر ضمن تشکر از آقای جهانبخش و همچنین مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، با تأکید بر اهمیت فرایند تبدیل علم<sup>۱</sup> به سیاست‌گذاری<sup>۲</sup> و سیاست‌گذاری به کنش<sup>۳</sup>، توضیح داد که سازمان‌هایی مانند مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری می‌توانند در این ارتباط نقش تسهیلگری<sup>۴</sup> را داشته باشند تا بدین‌وسیله از خاک خوردن پژوهش‌ها و بی‌استفاده ماندن آنها جلوگیری شود.

ایشان ضمن بیان این‌که ایده زیست‌شهر کار جامع و خوبی است، نکاتی را درباره آن مطرح کرد. از جمله این‌که این ایده بیشتر مناسب مکان‌هایی است که وفور منابع آب دارند؛ مانند نواحی شمالی کشور، اوکراین و روسیه. نوع خاک روسیه و اوکراین به‌عنوان وسیع‌ترین تولیدکنندگان، خاک‌های مستعد انواع کشاورزی است؛ اما در ایران با توجه به این‌که در اکثر شهرها و حتی روستاهای دارای پتانسیل کشاورزی که می‌توانستند امنیت غذایی کشور را تأمین کنند، ساخت و ساز انجام شده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این ایده فشار مضاعفی را به این مناطق وارد نمی‌کند تا حدی که حتی برای اجرای آن مجبور شویم به سمت اراضی حاشیه‌ای و کم بهره‌ورتر برویم؛ که این شاید یک محدودیت باشد.

آقای پوراصغر با تأکید بر این نکته که در تغییرات اقلیمی که در حال بروز است، در بعد زیست‌محیطی همه متضررند، یادآور شد که این موضوع به لحاظ اقتصادی برندگان بسیار محدود و بازندگان بسیار زیادی دارد؛ کشورهایی که در کمربند خشک قرار دارند بیشتر در زمره بازندگان‌اند و کشورهایی مانند کانادا در زمره برندگان.

همچنین بحثی که درباره اراضی کشاورزی مطرح شد درباره صنایع کوچک و متوسط<sup>۵</sup> کشور ما نیز صادق است. در ایران نگاه حاکم، سازه‌ای است (اگر پتروشیمی X به مکان Y انتقال یابد، تحول ایجاد می‌شود)؛ در حالی که روشن است، بسیاری از صنایع بزرگ، آثار نشتی نداشته و نتوانسته‌اند محیط پیرامون خود را به‌رغم پیش‌بینی‌ها و ذهنیت‌های تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، متحول سازند. بنابراین صنایع کوچک و متوسط بسیار مهم هستند؛ چنانچه چین و بسیاری از کشورهایی که در این ایده به‌عنوان نمونه مطرح شده‌اند، از این طریق توانسته‌اند تحول ویژه‌ای در جوامع ایجاد کنند. مشخص است زمانی که جامعه متحول شود خودبه‌خود چنین ایده‌هایی راحت‌تر می‌توانند اجرا شوند.

نکته دیگر این‌که به مانند ملاحظاتی که در اکوسیستم اکولوژی صنعتی<sup>۶</sup> در نظر گرفته می‌شوند اگر قرار است جایی، به‌ویژه در شهرک‌های صنعتی، صنعتی بارگذاری شود باید سازگاری‌های لازم وجود داشته باشند. به

1. Science
2. Policy
3. Action
4. Facilitator
5. SME (Small and Medium Enterprises)
6. Industrial Ecosystem

عنوان مثال کارخانه آبکاری نباید در کنار کارخانه مواد غذایی قرار گیرد یا در تصفیه‌خانه آلاینده‌های با فلزات سنگین نباید با آلاینده‌های عالی تصفیه شوند. در بحث بوم‌روستا نیز ضروری است که به سازگاری‌ها و هماهنگی‌های لازم توجه گردد.

آقای یارقلی، ضمن تشکر از آقای جهانبخش و ایده جدیدشان، برخی نکات و ابهام‌ها را مطرح نمود. در بحث بهره‌وری دو محور بهره‌وری اقتصادی و بهره‌وری فیزیکی وجود دارد. برخلاف نظر ایده‌دهنده، ایشان معتقد است بهره‌وری در اراضی بزرگ بالاتر است، زیرا اگر مصرف انرژی، ماشین‌آلات، نیروی انسانی و مبارزه با آفات و سموم و... تجمیع و ماتریس آن محاسبه شود، مطابق با دیدگاه جهانی، بهره‌وری برای کشاورزی بزرگ مقیاس بالاتر است. بر این اساس، کشورهای دیگر مانند ژاپن بعد از فوت مالک، اراضی کشاورزی را برای جلوگیری از خرد شدن از ورثه خریداری و تجمیع می‌کنند.

همچنین در ایده به برخی مفاهیم ورود شده است که هرکدام به تخصص‌های متفاوتی نیاز دارد و به همین دلیل بعضی از آنها به صورت سطحی بررسی شدند. برای مثال، بحث بازچرخانی پساب در این مجتمع‌ها و بازگردانی و مصرف آب خاکستری، تأسیسات و الزاماتی نیاز دارد که خیلی راحت نیست، چون اقلیم کشور ما خشک و کم‌آب است و بالا بردن راندمان آبیاری و بهره‌وری کار آسانی نیست و نیاز به تجهیزات، تخصص‌ها و سامانه‌هایی دارد؛ بنابراین، با شرایط موجود ورود به این مباحث نیازمند بازنگری و دقت است.

نکته دیگر این که رویکردهای حاکم بر ایده مغایر با شرایط کشور است؛ برای مثال مسائلی مانند خالی شدن روستاها به واسطه کمبود منابع آب و شرایط نامساعد خاک وجود دارد. روستاها به شهرهای کوچک و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و در نهایت جمعیت در شهرهایی مانند تهران تجمیع می‌شود؛ بنابراین، با این رویکرد و با توجه به کمبود شدید منابع طبیعی، به‌ویژه آب ضروری است به الزامات و شرایط خاص توجه گردد.

در بحث اجتماعی و رشد جمعیت نیز، باید به این نکته دقت داشت که هرم جمعیت کشور ما نشان‌دهنده پیری جمعیت طی سال‌های آتی است. در حال حاضر در خانواده‌ها ازدواج بسیار کم صورت می‌گیرد و پس از ازدواج نیز فرزندآوری یک و نهایتاً دو نفر است. ضمن این که زوجین جوان تمایل به زندگی در کنار سالمندان ندارند؛ بنابراین، با توجه به بعد خانوار و شرایط کشور، اجرای این ایده تا ۱۰-۲۰ سال آینده عملاً امکان‌پذیر نیست و پذیرش اجتماعی آن کم است.

همچنین ایده نیاز به زون‌بندی کشوری به لحاظ مصارف اجتماعی-فرهنگی و منابع طبیعی دارد؛ استان‌هایی مانند یزد و کرمان بارندگی زیر ۵۰ میلی‌متر و منابع زیرزمینی زیر ۳۰۰ متر دارند؛ بنابراین، شرایط منابع طبیعی به‌ویژه آب و همچنین مسائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن باید مورد بازنگری قرار گیرد.



آقای کاشف ضمن تشکر از آقای جهانبخش به دلیل طرح ایده‌ای جدید درباره امکان کاربردی کردن و تبدیل آن به طرح، سؤالات و نکاتی را مطرح نمود. ایشان ضمن صحیح دانستن اشاره به بحث آمایش سرزمین بر اساس جامعه در ایده طرح شده و اینکه طرح قبل از آنکه طرح کالبد باشد، بحث فرهنگی است، به موضوع پذیرش اجتماعی آن در کشور اشاره و توضیح داد از آنجایی که ایران جامعه‌ای در حال گذار و با تغییرات فرهنگی متفاوت است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا پیاده‌سازی این سیستم در کشور قابل پذیرش است و در صورت پیاده‌سازی، چقدر مورد استقبال قرار می‌گیرد. از نظر ایشان در این زمینه می‌توان از تجربیات پیشین نیز استفاده کرد. برای مثال این موضوع بررسی شود که هنگام شکل‌گیری اصلاحات اراضی در کشور چه اتفاقاتی رخ داد و چه خسارت‌هایی به کشور وارد شد. که ما دوباره در آن مسیر حرکت کنیم. همچنین به گفته ایشان بحثی که اشاره شد، شاید در کشورها متفاوت است. در آلمان در حال حاضر بحث تجهیز و نوسازی اراضی مطرح است، چراکه در حال تعبیه تکنولوژی و مکانیزاسیون برای اراضی خرد هستند. به همین دلیل می‌توانند بهره‌وری بالایی داشته باشند؛ اما در ایران تحلیل این رویکرد، قبل از این که اجرایی شود، بحث بسیار مهمی است.

نکته دیگر این که سکونت‌گاه‌های ما باید بر اساس فعالیت‌هایی که در آن مناطق می‌تواند وجود داشته باشد، شکل بگیرند، در غیر این صورت هر چقدر هم که مولد باشند، نمی‌توانند نیازهای افراد را کاملاً برآورده کنند. در پهنه‌های مختلف، نوع برخورد با سکونت‌گاه‌ها متفاوت است. یک جاهایی نیاز است که روستاهایمان محدود شوند؛ یک جاهایی هم باید سکونت‌گاه‌های شهری تثبیت شوند. این پهنه بسیار متفاوت است. شاید لازم باشد برای سکونت‌گاه‌های مختلف طرح‌های متفاوتی در نظر گرفت؛ و درنهایت به نظر می‌رسد که اگر جایی به‌عنوان پایلوت این ایده برای اجرا در نظر گرفته شود (البته اگر هنوز چنین کاری انجام نشده است)، بتوان آن را به‌عنوان یک سطح خیلی کوچک بررسی کرد که واقعاً در کشور چگونه جواب می‌دهد.

آقای رستمیان ضمن اشاره به این نکته که کار به لحاظ پژوهشی خیلی خوب انجام گرفته؛ ساختار پیشرفت معانی در آن بسیار خوب رعایت شده و اصول موضوعه در آن مشخص شده‌اند؛ اما به لحاظ معنایی دارای ایرادات عمده‌ای می‌باشد. همچنین از نظر ایشان بخش اقتصاد و معیشت ایده بسیار خوب تنظیم شده است.

اولین نکته مطرح شده از سوی ایشان توجه دادن به برخی از دوگانه‌ها در ایده بود. برای مثال فرهنگ در تقابل با اقتصاد؛ سرمایه‌داری در تقابل با جامعه اسلامی؛ مردم در تقابل با امت. به گفته ایشان به‌رغم تکیه ایده بر فلسفه نظام ولایت، اما این‌ها دوگانه‌هایی هستند که جامعه در همه سطوح پژوهشی، سیاست‌گذاری و اقتصادی با آن مواجه است و باید درباره آنها اندیشید.

نکته دیگر این که بهتر است در مقاله نیز به‌جای اصطلاح سرمایه‌داری که یک هیولای چند چهره و یک دال بدون مدلول است، از اصطلاح جامعه بازار استفاده کرد که اصطلاح جامع و دقیقی است؛ چون مثال‌هایی که

در کار طرح شده بود از هلند (اوج سرمایه‌داری)، از چین (اوج سرمایه‌داری دولتی) و از روسیه (اوج سرمایه‌داری دولتی) بود. اصطلاح جامعه بازار در مجموع نیت را به زبان بهتری مطرح می‌کند.

نکته بعدی ایشان بحث محوریت مسجد بود؛ وقتی از شهر سیال و هوشمند صحبت می‌شود، چه نیازی به محوریت مکانی در آن است؟ اگر منظور محوریت معنوی است، باز هم نیاز به مکان‌مند بودن این محوریت در شهرسازی نیست.

همچنین درباره واحدهای تجاری که اشاره شد، شکل‌های جدید مبادلات اقتصادی منافی قواعد فقهی‌اند، از بازاری صحبت می‌شود که حتی صنعتی نیست بلکه پیشاصنعتی است. ما وقتی از شهر صحبت می‌کنیم، مبادلات پسا صنعتی، مبادلات مالی، مبادلات مجازی به ذهنمان می‌آید. در اینجا مناسب است از آن دسته از احکام فقهی استفاده شود که کمی به‌روزتر و مجتهدانه‌تر هستند و آنجا یک تقابلی ایجاد شود بین وضعیت کنونی و وضعیت مطلوبی که در ذهن داریم.

نکته آخر هم این که همیشه درباره بهره‌وری، کارایی، کارآمدی و امکان‌پذیری سیاست‌گذاری بسیار زیاد است؛ اما درباره پذیرش اجتماعی خیلی کم صحبت می‌شود. پذیرش اجتماعی چنین طرحی چیست؟

آقای درویشی، از جمله مسائل این ایده را یکسان گرفتن شرایط سرزمینی از لحاظ اقلیمی و خاک دانست و همچنین درباره بارگذاری کل جمعیت ایران در ۲ درصد مساحت آن، به این نکته اشاره کرد که در حال حاضر، شهرهای ما گنجایش جمعیت خود را هم ندارند و حاشیه‌نشینی‌ها و بسیاری موارد دیگر شکل گرفته است و به همین دلیل شاید با تغییر این پیش‌فرض بتوان بر نتایج اثرات متفاوتی گذاشت.

نکته دیگر این که به نظر می‌رسد این ایده نسخه واحدی را برای کل جمعیت ارائه می‌کند، در صورتی که تجارب کشورهای دیگر این است که برای حل مشکل بخشی از جمعیت، از این استراتژی استفاده می‌کنند. این نکته هم قابل تأمل است که برای اجرایی شدن این آرمانشهر چه ملزومات و زیرساخت‌هایی به لحاظ تأمین انرژی و خدمات شهری نیاز است. آیا این وضعیت فراهم است؟ چرا که الان بعد از ۴۰ سال که از انقلاب می‌گذرد با وجود شرایط فعلی که پراکندگی زیادی هم نداریم، هنوز برای مکان‌هایی که پراکندگی بالنسبه وجود دارد، خدماتی که جزء وظایف و رسالت ذاتی دولت بوده، انجام نشده است (در سیستان و بلوچستان و هرمزگان مدارس کپری وجود دارند و ...)؛ بنابراین، اگر قرار باشد این نسخه برای کل جمعیت تجویز شود، باید درباره زیرساخت‌ها فکری بشود.

نکته قابل طرح دیگر بحث‌های حقوقی ایده است. باید از نظام‌های حقوقی کمک گرفت. آیا شرایط حقوقی اجازه تغییر کاربری زمین را به ما می‌دهد؟ همین الان برخی از جاهایی که جمعیت راغب است به سمت روستاها بیایند، گفته می‌شود یک هکتار از زمین هم نمی‌تواند تغییر کاربری داشته باشد؛ اما در جایی دیگر

نسخه‌ای دقیقاً برعکس آن پیچیده می‌شود؛ بنابراین، ضروری است که الزامات و ملاحظات حقوقی اجرایی شدن طرح نیز در نظر گرفته شود.

آقای **مهرعلی تبار** ضمن تشکر از آقای جهانبخش در طراحی و ارائه این ایده، مواردی را به عنوان نقد مطرح نمود. نکته اول، ارائه الگو در ایده بود که حتی با فرض این که از هر جهت بدون نقص باشد، با عنایت به تنوع بالای جغرافیایی و سرزمینی ایران، چه از حیث انسانی چه از لحاظ طبیعی، به نظر می‌رسد الگوی واحد قابل تعمیم نباشد. برای مثال، کشاورزی در سیستان یک معنایی پیدا می‌کند، در تهران یک معنایی، در کردستان معنایی دیگر؛ بنابراین، اساساً پیشنهاد چنین الگوی واحدی در جغرافیایی با این تنوع اشکال دارد. همین‌طور با عنایت به تحولات سریع فرایندهای مختلف هم در کوتاه‌مدت و هم در درازمدت، این که الگو در همه زمان‌ها بتواند الگوی مطلوب باشد، جای ابهام دارد. ادبیات این فضا نیز شبیه ادبیات مدینه فاضله است؛ ابتدا شرایط و فضای کلان خاصی را در نظر گرفته و در آن فضا و اتمسفر الگوی خود را پیشنهاد داده است؛ اما در عمل این که ابتدا آن شرایط ایجاد شود و در آن شرایط این نوع سکونت‌گاه برقرار گردد، جای بحث دارد. بالاخره ما به لحاظ طبیعی، فرهنگی و اقتصادی در شرایط خاصی زندگی می‌کنیم که شرایط، این الگو را برای ما به وجود آورده است. شرایط را چگونه می‌توان تغییر داد که بتوان این الگو را در آن فضا به وجود آورد؟ از لحاظ فراگیری این الگو، جای بحث وجود دارد. وقتی از الگو صحبت می‌شود، یعنی یک دستگامی طراحی شده است که در جاهای دیگر می‌تواند کاربرد داشته باشد؛ بنابراین با توجه به این تغییرات، فراگیری الگو جای ابهام دارد.

نکته قابل طرح دیگر، بحث جهانی شدن است که پیشرانی قوی و بسیار تأثیرگذار بر پدیده‌های گوناگون از جمله سکونت‌گاه و شهرسازی می‌باشد؛ بنابراین، ایزوله در نظر گرفتن فضا و نادیده گرفتن تأثیر متغیرهای گوناگون در این کار قابل تأمل است. همچنین نکته قابل توجه دیگر این که ساخت و طراحی یک شهر یا سکونت‌گاه امری دستوری نیست. هر سکونت‌گاه به عنوان موجودی زنده به بهانه‌ای شکل می‌گیرد و در طول زمان و در شرایط اجتماعی، اقتصادی و طبیعی دارای تحولاتی است. باید توجه داشت که شهر خارج از فیزیک دارای محتوایی است و روحی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد طراحی و ایجاد چنین سکونت‌گاهی چون دستوری است محتوا ندارد و پایداری نخواهد داشت.

نکته دیگر اینکه از یک طرف خانه وسیع بسیار مطلوب است؛ اما طبق این ایده، گویی طبقات اجتماعی و اقتصادی در جامعه وجود ندارند و اصل شایستگی و تلاش نادیده گرفته شده است. از طرف دیگر، خانه مولد که پیشنهاد بخش اقتصاد صرفاً کشاورزی و آن هم کشاورزی خرده‌پا، جای ابهام فراوانی دارد. کشاورزی بزرگ‌مقیاس، صنعتی، مکانیزه و هوشمند با این نوع پیشنهاد در تعارض است.

مطلب بعدی درباره پیشنهاد توسعه افقی سکونت‌گاه‌ها است. این پرسش کلی مطرح است که توسعه افقی سکونت‌گاه‌ها چه سطحی از زمین‌های قابل کشت ایران را دربر خواهد گرفت؟ این مسئله شاید برای استان‌هایی

با تراکم جمعیت پایین‌تر که خاک آنها ارزش اقتصادی و حاصلخیزی کمتری دارد؛ با اهمیت نباشد؛ اما برای استان‌هایی که ارزش حاصلخیزی خاک و همچنین تراکم جمعیت بالاست، توسعه افقی سکونتگاه‌ها با پایداری توسعه در تضاد است. همچنین در ایده به تعامل سازنده با طبیعت اشاره شده است؛ اما طبق موارد اشاره شده در بحث، نه تنها این محور مد نظر قرار نگرفته بلکه برخلاف آن عمل شده است.

نکته آخر، بحث محله‌محوری است. باید به این نکته توجه داشت که در جامعه سنتی، مفهوم محله برقرار است؛ اما این مفهوم در عصر حاضر به چالش کشیده شده و سیالیت جمعیت آن را کمرنگ کرده است.

آقای عزیزپور، ضمن تشکر از آقای جهانبخش برای نقد رویکرد نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری، به طرح این نکته پرداخت که اگرچه برنامه‌هایی که در این حوزه وجود دارد از حیث نوع نگاه جای نقد دارد؛ اما ارزیابی‌ها نشان می‌دهد هرچه رو به جلو آمده‌ایم تلاش شده است که رویکردهای نوین در حوزه تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، در حوزه عمل هنوز بین مدیران شهری تفکر مبتنی بر نگاه نوسازی و رشد حاکم است که این موضوع خود جای بحث دارد.

نقد دیگر ایشان از منظر روش‌شناختی بود. زمانی که از الگو صحبت می‌شود، باید توجه داشت که الگو سازه مشخص دارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً به ارزش‌ها پرداخت. هر الگویی از سه جزء تشکیل می‌شود. ارزش‌ها، چارچوب و فرایند و در ادامه نحوه مدیریتی که برای الگو مطرح می‌شود (که به آن اشاره شد) و در نهایت پایش و ارزشیابی؛ یعنی مکانیسم باید جامع و یکپارچه ارائه شود. ایشان ضمن طرح این نکته که اساساً در دنیایی که در حال تغییر و تحول است به واسطه سرعت تغییرات که می‌توانند الگوهای ما را تحت تأثیر قرار دهد نباید دنبال الگو بود، به معیارهای سنجش و ارزیابی الگو اشاره کرد. پیشنهادشان این بود که چهار معیار ارائه شده در الگو، در سطحی بالاتر با مفاهیم اثربخشی، کارایی، مطلوبیت، قدرت الگو، پیوستگی، قابلیت تعمیم، انعطاف‌پذیری، مشروعیت و واقع‌گرایی، ارزیابی مجدد شوند.

نقد بعدی این‌که این ایده در چارچوب حوزه ادبیات جدید توسعه شهری و توسعه منطقه‌ای قرار می‌گیرد که در این رویکردها مردم به‌عنوان عنصر و مؤلفه کلیدی مطرح می‌شوند؛ اما در این ایده مابه‌ازای مردم، امت مطرح شده و در مقابل آن قرار گرفته است.

نکته پایانی این‌که معادل ایده پیشنهادی، در بنیاد مسکن به اقتضای شرایط و فضای روستاهای کشور، چارچوب مفهومی و عملی بحثی با عنوان «بازآفرینی یکپارچه روستایی» با الهام از ادبیات نظری موجود ارائه شده است.

آقای رفیعیان ضمن تشکر از آقای جهانبخش برای طرح ایده و همچنین فضای تعاملی جلسه، به این نکته اشاره کرد که شاید بهتر بود این مبحث در سه شأن متفاوت معنایی، ساختاری و اجرایی پیش برده می‌شد. ایشان برگزاری این نشست در مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری را از این بابت که شاید به این واسطه

بتوان یک محمل اجرایی در نظام نگاه به فضا و الگوسازی‌های فضایی یا سیاست‌های اجرایی نیز برای این کار در نظر گرفت، مغتنم دانست. همچنین اصل این قضیه که به دنبال قرائت جدیدی از مطالبات مکانی-اجتماعی باشیم را بسیار پسندیده پنداشته و از این نظر ارائه‌دهنده ایده و همکاران را برای بسترسازی فضای گفتمانی مشترک، شایسته تحسین دانست.

ایشان بحث خود را در دو قسمت مطرح کرد: نخست، دغدغه و پرسشی که ممکن است در ذهن مخاطبان مجری، مخاطبان دانشی و مخاطبان مدیریتی شکل بگیرد؛ دوم هم نکته و نقدی به طراح ایده.

آقای رفیعیان این سؤال را مطرح کرد که ایده مورد نظر مشخصاً از چه بنیان و فرایند فکری شکل گرفته است. قاعدتاً در نظام دانش مرسوم است که نیمرخ‌های یک معنا در چهار سطح آنتولوژی (هستی‌شناسی)، اپیستمولوژی (معرفت‌شناسی)، ایدئولوژی (تفکرات جهان‌بینی) و درنهایت متدولوژی (روش‌شناسی) بررسی شود و اگر قرار باشد قضاوتی صورت گیرد بهتر است که بحث در لایه‌های متفاوت و متنوعی مورد تدقیق قرار گیرد. در این ایده تنها یک نوع نگاه وجود دارد که به دنبال شکل جدیدی از هویت‌بخشی به مکان‌هاست و اندازه‌ها، مقیاس‌ها، تناسبات و حتی فرایندهای درون آن را هدف می‌گیرد؛ بنابراین، بسیار دشوار است که در آن یکی دولایه، به‌ویژه وقتی که از حوزه معرفت دینی استفاده می‌شود، برای کسی که با آن معانی فاصله دارد، قضاوت‌های مشخصی کرد.

آقای رفیعیان با طرح این موضوع که تصور شخصی ایشان این است که پیش‌فرض‌های اساسی این کار شاید جای تردید داشته باشد، ادامه داد که شهر بازتاب محتوا است. در واقع شکل‌شناسی، مورفولوژی و ریخت‌شناسی جای بحث بسیار جدی دارد و کاملاً شناور است. این که افراد در یک زمانی از لباس بلند، لباس کوتاه یا پوشش متفاوتی استفاده کنند تحت تأثیر معانی، عملکردها و در واقع نظام رفتاری است که درون آن قرار دارند؛ بنابراین شهر بازتاب محتواست. این محتوا هم همان نظام بازار است که اشاره شد؛ نظام قدرت است که به صورت سایه یا آشکار هدایت می‌کند؛ نظام رفتار اجتماع است؛ نظام سیاست است. نظام‌هایی است که شهر را هدایت می‌کنند. این نکته اینجا مغفول واقع شده که شهر یا شهرسازی اسلامی الزاماً در یک تجسم عینی خلاصه شود؛ آن مناسباتی که شکل گرفته اساساً انسان‌ها را به سمت نوعی از روابط مکان‌گزینی و حتی روابط اجتماعی هدایت می‌کند. سطح آستانه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه‌های اجتماعی و نظام قدرتی که در حقیقت به صورت خواسته یا ناخواسته آن را هدایت می‌کند، بسیار کلیدی است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد نداشتن نگرش چندساحتی، درنهایت مسیر درستی به ما نخواهد داد. در نتیجه، شاید پاشنه آشیل مهمی که در این کار وجود دارد این است که ابعاد دیگری که می‌تواند بر چرخه مصرف پنهان اثر بگذارد، در آن مغفول واقع شده است.

نکته دوم، عدم ورود به بحث شکل‌سازی، مورفولوژی و ریخت‌شناسی است که شاید اگر این ایده در حوزه مناسبات؛ یعنی تنظیم پاره‌ای از فرایندها و بهبود آن چرخه‌ها باقی بماند، بتوان قرائت‌های متفاوتی از آن به دست آورد یا در مکان‌ها با اندازه‌ها و تراکم‌ها و جرم‌های مختلفی اعمال کرد. اما وقتی به یک عنصر مکانی تبدیل می‌شود، شأنی معنایی در آن اتفاق می‌افتد و چالش‌های بسیار زیادی از نظر امکان‌پذیری تحقق آن ایجاد می‌شود؛ بنابراین، شاید در مرحله اول منطقی‌تر این باشد که مناسبات هدف قرار گیرند. این‌که چه مناسباتی قدر و اندازه مکان را می‌سازند و اصلاح چه فرایندهایی در ساختارها می‌تواند این اندازه را بهتر کند؛ و بعد این‌که محصول به‌عنوان نتیجه را یک محصول مکانی بدانیم؛ ممکن است برآیندهای آن در هر قسمتی متناسب با جرم فضا و ظرفیت‌های اجتماعی، کاملاً متفاوت باشد.

آقای **جهانگیر** ضمن تشکر از ارائه ایده زیست‌شهر، بحث خود را در دو حوزه نظری و فنی مطرح کرد. در حوزه نظری درباره الگوهای مطرح‌شده بر این باور است که جایگاه الگوهای مردم‌محور، برنامه‌ریزی حوزه عمومی و خرد جمعی در بحث نادیده گرفته شده و بسیار سطحی از آن عبور کرده است؛ در حالی‌که پایه و اساس تجارب و نظریات بیان‌شده فارغ از رویکردها و الگوهای بیان‌شده حکومت، سلطنت و امت است و حتی الگوی امت مورد نظر مقاله، تفاوت جدی با خواست‌های مردم‌محور دارد.

به اعتقاد ایشان ایده زیست‌شهر، ایده جدیدی نیست و ایده‌های مشابه بسیاری وجود دارد. حتی نوآوری خاصی نیز در آن دیده نمی‌شود و در کل می‌توان گفت بازتعریف یا تلفیق الگوهای مطرح‌شده گذشته در قالب آرمان‌شهر و مدینه فاضله است. انتخاب چارچوب‌های فکری و نظری با ایدئولوژی ایده‌دهنده که سعی در تعمیم و ارائه الگوی واحد برای سرزمین است، در مقابل شرایط جامعه امروز ایران در تمام ابعاد و نگرش‌های آن قرار دارد؛ بنابراین، پذیرش این الگو پرسش مهمی می‌باشد که پاسخ مناسبی برای آن ارائه نشده است.

می‌توان گفت در ابعاد فنی‌تر مباحث مطرح‌شده بسیار به ادبیات نوشهرگرایی نزدیک است. الگوهای محله‌محوری، اجتماع‌محور، توسعه محله سنتی، فرم‌محور و غیره تقریباً دارای اصولی نزدیک به این پیشنهادها هستند؛ اما نکته اصلی خاستگاه پشتوانه فکری، شکل‌گیری آن‌ها است که با جامعه ایران و زمینه برنامه‌ریزی ایران تفاوت‌های جدی دارد. در اصل طراحی نیز این پرسش مطرح است که اگر مسجد که در این ایده به‌عنوان محور مطرح شده است، حذف شود، چه تفاوتی با نمونه‌های دیگر و تجارب مطرح شده دارد؟

نکته دیگر در حوزه نظری این است که در ایده، الگوی متراکم و فشرده در مقابل الگوی گسترده و پراکنده قرار گرفته است. این موضوع در جهان نیز موافقان و مخالفان بسیاری دارد؛ اما با توجه به انتخاب الگوی کم‌تراکم گسترده، ایده‌دهنده شاخص‌ها و ملاک‌های ضعیفی را استناد می‌کند که این موضوع بهتر است با دقت و تفصیل بیشتری بررسی شود.

ایشان در حوزه فنی مقاله نیز ضمن اشاره به نکاتی چون پیش‌فرض‌های سطحی و به دور از واقعیت ایده، به توضیح این مطلب پرداخت که طراحی صورت گرفته حتی اگر یک نمونه و تصویری از الگو باشد، نباید تعمیم سرزمینی داده شود؛ چراکه اکوسیستم، ظرفیت‌ها و تنوع سرزمین ایران آن قدر زیاد است که می‌شود طراحی‌های بسیار متنوعی برای آن ارائه کرد و به همین دلیل ارائه یک الگوی واحد بسیار جای سؤال دارد. در میان مفاهیم، مفهوم زیست‌شهر مطرح شده است؛ اما الگو کاملاً ماهیت روستایی دارد و لازم است بین این کارکردها و مفاهیم تفاوت قائل شد.

نکته دیگر این که در رابطه با هزینه‌های ساخت بسیار سطحی برخورد شده و به تعداد واحد بیشتر و تجمیع هزینه‌ها و هزینه پنهان ارزش اکوسیستم زمین توجه نشده است. جامعه هدف نیز در ایده بسیار مبهم ارائه شده است؛ اما درباره این که چگونه در این فضاها تنوع ایجاد می‌شود، توضیحی داده نشده یا این نکته که زمین با چه سازوکاری به افراد واگذار می‌شود، در حالی که تنوع اجتماعی مدنظر است. از طرف دیگر، بحث حذف قیمت زمین و واگذاری آن مطرح است که تجربه در کشور ایران نشان داده هر جا واژه حذف ارزش زمین از ساخت و واگذاری زمین مطرح بوده مباحث زمین‌خواری و رانت نیز در کنار آن دیده می‌شود. پرسش مطرح این است که چه سازوکاری برای این موضوعات دیده شده است.

همچنین تأمین زیرساخت‌ها و الگوهای تجاری مطرح شده دارای ابهام است و از ساختارهای موجود بسیار فاصله دارد. به نحوه ارتباط با دنیای بیرون، پدیده‌ها و جریان‌های ملی، منطقه‌ای، جهانی و همچنین روابط تجاری با سکونت‌گاه‌های موجود کلان‌شهرها و توزیع خدمات نیز در این ایده توجه نشده است. ابهام و ایراداتی در مواردی چون آب، انرژی، نوع زمین، توزیع فعالیت‌ها و پراکنش سرزمینی نیز در کار مشاهده می‌گردد.

آقای محمدی، ضمن تشکر از طرح این ایده که به گفته ایشان حرف جدیدی دارد و بیان حرف جدید به هر حال جسارت و شجاعت می‌خواهد از آقای جهانبخش تشکر کرده و به ارائه نکات و ابهامات خود پرداخت.

نکته اول، مفروض اصلی ایده این است که ما جامعه امت داریم که در آن سلول اصلی خانواده است و نه فرد و مبتنی بر محبت است و در مناسبات اجتماعی به جای بازاریان و سرمایه‌داران، افراد اهل ایثار بالا می‌روند. بحث مطرح این است که در قرن نوزدهم سوسیالیست‌های تخیلی که با تفکرات اصلاح‌طلبانه و اصلاحی آرمان‌شهر یا یوتوپیا را مطرح کردند (در آلمان و بعد هم جاهای دیگر) که ایده‌های خوبی هم بودند و بر اساس آن ایده‌ها، شهرهای بهتری بنا شدند. برای مثال، شارل فوریه<sup>۱</sup> یا اتین کابه<sup>۲</sup> همین کلیدواژه محبت را مطرح کردند که قرار است شهری داشته باشیم که انسان‌ها بر اساس محبت کنار هم زندگی کنند و بر همان اساس کالبد ساخته شود؛ اما بعدها در اجرا با مشکلاتی مواجه شدند و شکست خوردند. بنابراین پرسش مطرح این است که آیا

---

1. Charles Fourier  
2. Étienne Cabet

واقعاً می‌شود روی این نکته حساب کرد که در آینده شهری داشته باشیم که لزوماً مبتنی بر محبت و ایثار باشد.

نکته بعدی، لزوم دقت به تفاوت آرمان‌شهر اسلامی، به‌ویژه آرمان‌شهر شیعه و آرمان‌شهر مهدوی با آرمان‌شهرهای غربی، به‌ویژه آرمان‌شهرهای یونانی و بعد اروپایی و حتی تا حدودی آرمان‌شهرهای ایرانی است. توصیه آرمان‌شهرهای اروپایی، احداث شهرهایی در بیرون از شهرهای موجود است؛ در حالی که آرمان‌شهر اسلامی می‌خواهد شهرهای موجود را اصلاح کند. این موضوع را چگونه می‌توان تحلیل کرد و توضیح داد؟ نکته دیگر نسبت این ایده با شهرسازی بوم‌گرا<sup>۱</sup> می‌باشد که در این سال‌ها مطرح است. اتفاقاً در ۱۰-۱۵ سال اخیر در ایران نیز، قطب‌های شهرسازی بومی از جمله در اصفهان و یزد وجود دارد. این آموزه‌های شهرسازی بومی که قرار است از بافت‌های تاریخی درس بگیرد، چگونه به کار این ایده می‌آید؟ و چطور می‌توان از آن استفاده کرد؟

همچنین دو درصدی که در طرح اشاره شد، عمدتاً باید در جایی باشد که زمین قابل کشت وجود دارد. پرسش این است که چقدر زمین کشاورزی قابل کشت وجود دارد؟ آیا این کار منجر به تخریب اراضی کشاورزی نمی‌شود؟

موضوع دیگر، بحث آمایش سرزمین است. در ایده اشاره شد که ۳۶ هزار روستا وجود دارد و برای ایجاد توازن و تعادل، مجموعه‌های جدید را می‌توان کنار همین روستاها ساخت. با توجه به این که بحث توازن و تعادل سرزمین در بحث آمایش سرزمین مطرح شد، نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که بر اساس سند آمایش سرزمین، شهرها و سکونت‌گاه‌های جدید ما باید در شرق و جنوب کشور مستقر بشوند، در صورتی که طبق این ایده، ۳۶ هزار شهر قرار است در کل کشور پراکنده شوند، در این صورت تکلیف توازن و تعادل به لحاظ آمایشی چه می‌شود؟

نکته دیگر درباره مهاجرت معکوس از شهر به روستاست. در ایده اشاره شد که مردم روستاها (۳۶ هزار روستا) می‌توانند بروند و در این مکان‌ها مستقر شوند. پرسش مطرح این است که اگر مردم روستا قرار است آنجا مستقر شوند، چرا باید این کار را انجام دهند؟ با چه هزینه‌ای این کار را انجام دهند؟ و تأمین مالی آن چگونه است؟ اگر مردم شهر قرار است به روستاها بیایند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه مردم شهر، چنین تمایلی دارند که زندگی روستایی و کشاورزی داشته باشند؟

درباره بحث تأمین منابع آب نیز، با توجه به بحث تغییر اقلیم و کمبود منابع آب، آیا جوانب امر سنجیده شده است؟

1. Vernacularism



نکته بعد درباره شهر فشرده<sup>۱</sup> است. این تئوری اتفاقاً خیلی هم طرفدار دارد و توصیه آن، این است که شهرها مثلاً از نظر تراکم سه، چهار طبقه باشند که هم در انرژی صرفه‌جویی شود و هم آثار جرم و جنایت کم شود. در مقابل شهر فشرده، ایده خانه‌های ویلایی وجود دارد. ایده ویلایی را حسن فتحی<sup>۲</sup> معمار مصری در یکی از روستاهای مصر (گورنا)<sup>۳</sup> مطرح کرد. ایده ساخت خانه‌های ویلایی مولد که به‌رغم تفاوت‌های زیاد تا حدی شبیه این ایده است، تقریباً شکست خورد و مهم‌ترین دلیلش این بود که حسن فتحی فکر می‌کرد برای فقرا خانه می‌سازد؛ اما خانه پیشنهادی او بسیار گران‌قیمت بود و روستاییان از پس تأمین هزینه‌های آن برنیامدند.

نکته بعدی تأمین مالی است. طبق ایده قرار است ۳۶ هزار مجموعه جدید ساخته شود. بحثی که وجود دارد این است که در حال حاضر ۲۰-۳۰ شهر جدید وجود دارد که طی سه دهه اخیر ساخته شده‌اند و در اداره و پیشبرد آنها در مانده‌ایم. حقیقتاً می‌توان گفت شهرهای جدید در ایران شکست خورده‌اند. حالا چطور ۳۶ هزار مجموعه جدید قرار است تأمین مالی شوند و تأمین مالی این پروژه‌ها با شکست مواجه نشود؟

نکته دیگر طراحی یکسان الگو است. این که چطور می‌توان با توجه به اقلیم‌های متفاوت در کشور، با یک الگو در کشور طراحی یکسان داشت.

نکته بعد، بحث تملک زمین و اراضی وقفی است که در ایده مطرح و گفته شده است که در کنار ۳۶ هزار روستا این مجموعه ساخته شود، آیا در کنار تمام این روستاها اراضی وقفی وجود دارد؟ و اگر هست، آیا امکان کشاورزی در آنها وجود دارد؟

بحث دیگر این که در ۲۰ سال گذشته به طور جدی روی بافت‌های فرسوده درون شهری کار شده است. با اجرای این ایده، تکلیف اتفاقی که برای بافت‌های فرسوده می‌افتد، چیست؟ اگر قرار است تعدادی از شهرها به این مجتمع‌ها مهاجرت معکوس داشته باشند، آیا همچنان بافت‌های فرسوده به همان شکل رها شده یا خالی از سکنه می‌شوند؟ با این تعارض چه باید کرد؟

سرانجام نکته آخر ایشان این بود که معمولاً یکی از معضلات اصلی شهرهای جدیدی که در ایران و حتی جهان ساخته شده‌اند، هویت است. در این مجموعه‌های جدید با هویت شهری یا با هویت مرتبط با حوزه سکونت‌گر، چه باید کرد؟ تجربه کشور ما (برای مثال در مسکن مهر) این‌طور نشان می‌دهد که بحث هویت در سکونت‌گاه‌های جدید، گم‌شده شهرسازی کشور در دوران معاصر است.

1. Compact city

2. Hassan Fathy

حسن بن احمد فتحی (۱۹۰۰-۱۹۸۹) مهندس معمار مصری و برنده جایزه آقاخان در معماری (۱۹۸۰) که در کاهگل‌سازی و خانه‌سازی برای مستمندان سرآمد بود. فتحی در تلاش بود تا شیوه‌های ساختمان‌سازی بومی و فراموش شده در مناطق روستایی را احیا کند. فتحی اصول معماری خود را «کمک به ابتکارات محلی» نام‌گذاری می‌کند. این اصول مبتنی بر ارزان و در دسترس بودن مصالح ساخت خانه برای روستاییان است. وی با شعار «خودتان خانه‌تان را بسازید»، مشارکت مردم را عاملی تعیین‌کننده در ساخت خانه مطرح می‌کند.

3. Gourna

خانم **امیر حاجلو**، ضمن تشکر از آقای جهانبخش به طرح ایرادات و ابهامات خود پرداخت. نکته اول اینکه به دلیل شباهت زیاد ایده زیست‌شهر به ایده «باغشهر» رئیس جمهور اسبق (احمدی‌نژاد)، بهتر بود به نقاط افتراقی‌اش با آن طرح اشاره می‌شد. همچنین از آنجایی که اجرای طرح زیست‌شهر نیازمند تأمین زمین زیادی است و باید بخشی از زمین‌های منابع طبیعی وارد محدوده شهرها شود، همچنین برای تبدیل زمین‌ها به خانه‌باغ ممکن است معادل ۱۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز باشد، این طرح سرمایه‌گذاری بالایی نیاز دارد که در شرایط حاضر توجیه اقتصادی ندارد. همچنین مهم است به این موضوع پرداخته شود که مسئله تعارض منافع و تعارض مالکیتی بین دولت با اداره منابع طبیعی چگونه حل خواهد شد.

بحث دیگر، زمین‌های موجود به مسکن مهر اختصاص داده شده و اگر قرار است زمین‌های وقفی مورد استفاده قرار گیرد، این پرسش مطرح می‌شود که در حال حاضر، توزیع پراکندگی این زمین‌ها در شهرهای مختلف چگونه است و آیا نماینده اوقاف حاضر است زمین‌ها را در اختیار این طرح قرار دهد؟ منطقی است زمین‌هایی که آب و برق ندارد و زمینی که کشاورزی و خدماتی است را نباید تبدیل به زمین مسکونی کرد.

نکته بعدی این که برای تأمین زیرساخت‌ها، هزینه‌های هنگفتی مورد نیاز است. آیا برآوردی برای آن صورت گرفته است؟ در شرایطی که انتقال زیرساخت به مسکن مهر هنوز با چالش مواجه است و خانه‌های خالی بسیاری همچنان بلا تکلیف بوده، این طرح چه موضوعیتی می‌تواند داشته باشد؟

در حال حاضر یکی از چالش‌های دولت، کم‌آبی و تخلیه روستاها و عدم اشتغال است، صحبت از این طرح در شرایطی که طبیعت روستا پاسخگوی حمایت آن نیست چه توجیهی دارد؟

نکته دیگر، این الگو مطابق الگوی پهن‌دشتی در حومه‌هاست که شرط اصلی آن مالکیت خودرو است؛ لذا این پرسش پیش می‌آید که این طرح برای چه گروه‌های هدفی است؟

در شرایط خشکسالی در کشور که متوسط بارش ۲۵۰ میلی‌لیتر است، هزینه آبیاری و نگهداری از این فضاهای سبز و زمین‌های کشاورزی چگونه امکان‌پذیر خواهد بود.

در حال حاضر ممکن است مسئله اصلی تأمین زمین، تأمین مالی و توزیع تسهیلات مالی برای گروه‌های متوسط، به‌ویژه کم‌درآمد باشد؛ اما مسئله اصلی عدم تبدیل تقاضای واقعی به تقاضای مؤثر است. به نظر می‌رسد مسئله اشتغال مهم‌تر از مسئله مسکن است، اگر اشتغال حل شود مردم تمکن مالی برای خرید مسکن خواهند داشت و خودبه‌خود مسئله مسکن حل می‌شود.

نکته آخر این که استفاده از اصطلاحاتی مانند «آمایش عادلانه سرزمین» مناسب نیست، چراکه عدل به معنی قرارگیری هر چیزی در جای مناسب خودش است و نیازی به استفاده از کلمه عادلانه همراه آمایش نیست. همچنین کلمه «توزیع شبکه متوازن» و یا کلمه «ارتباط ذاکرانه با طبیعت» را محل سؤال دانست.

خانم عباس پور، ضمن تشکر از آقای جهانبخش به این نکته اشاره نمود که با توجه به حرکت جوامع به سمت جهانی شدن و پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات در عصر حاضر و کمرنگ شدن مرزهای بین کشورها، این پرسش مطرح است که چطور در چنین شرایطی می‌خواهیم مرزهای کمرنگ بین کشورها را به سطح محل منتقل کنیم و تا این حد روابط را محدود نموده و آیا این مانع پیشرفت ما در سطح بین‌الملل نیست؟ به عبارتی، اساساً چه لزومی دارد راهی که با سختی و مشقت برای رسیدن به وضعیت کنونی طی شده، به عقب رفته و به جامعه سنتی و خانواده گسترده که به نظر همسو با فرهنگ و سبک زندگی امروزی نیست، بازگردیم؟

همچنین این ایده به نحوی همسو با اندیشه‌های کارل مارکس مبتنی بر جامعه بدون طبقه و پرولتاریا محور است؛ از عمده انتقادات به اندیشه‌های سوسیالیستی مارکس، عدم اهمیت و توجه به رقابت بین افراد است. در این حالت و وقتی که اصل بر سبک زندگی یکسان (از محله و مترای محل زندگی گرفته تا بقیه موارد) باشد، افراد با توانمندی، هوش و پتانسیل بالاتر چه انگیزه‌ای برای کار و تلاش دارند؟ در واقع در این ایده، منافع فردی که می‌تواند منشأ و انگیزه بسیاری از پیشرفت‌ها باشد، نادیده گرفته شده است.

آقای رازپور، ضمن تشکر از ارائه بحث زیست‌شهر، به طرح این نکته پرداخت که در ایده مطرح شده فضاهای عمومی - خصوصی برای زندگی مشترک چند خانوار در نظر گرفته شده است، ضرورت دارد فضاهای ذهنی، حباب و هاله‌های هر انسان مورد توجه واقع شود و در طراحی فضاها ملاک عمل باشد.<sup>۱</sup>

نحوه خدمات‌رسانی به زیست‌شهرهای پیشنهاد شده، پرسش دیگر بود. در هر سکونت‌گاه شهری یا روستایی باید نحوه دریافت خدمات در سطوح مختلف روشن باشد. در این ایده پیشنهادی، به نظر می‌رسد نحوه خدمات‌رسانی به سکونت‌گاه‌ها تعیین نشده است. این زیست‌شهرها در همه پهنه سرزمین پراکنده خواهند شد؛ اما پرسش اصلی این است که برای دریافت خدمات سطح یک مانند خدمات بهداشتی، خدمات درمانی، خدمات بانکی و بیمه‌ای، خدمات آموزشی و آموزش عالی و خدمات تجاری باید به کجا مراجعه کنند؟ آیا می‌توان خدمات برتر را در همه جای سرزمین توزیع کرد؟ اگر پاسخ منفی است این پرسش مطرح می‌شود که آیا باید ساکنان زیست‌شهرها برای دریافت این خدمات به صورت مداوم سفرهای روزانه، هفتگی و ماهانه به مکان‌های توزیع خدمات سطح یک داشته باشند؟

نکته بعدی این که آیا برای کشت محصولات کشاورزی در قطعات پیشنهاد شده، الگوی کشت مد نظر قرار گرفته است؟ مطابق ظرفیت و توان سرزمین باید الگوی کشت محصولات مورد توافق وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی مبنای عمل واقع شود.

۱. در کتاب فضاهای عمومی و خصوصی شهر نوشته دکتر علی مدنی‌پور استاد طراحی شهری دانشگاه نیوکاسل انگلستان، این ابعاد به خوبی توصیف شده‌اند و به نظر می‌رسد استفاده از این مفاهیم ضروری باشد.

در حوزه اقتصاد و کارآفرینی نیز فقط بخش کشاورزی مورد توجه واقع شده و به اقتصاد بخش خدمات و صنعت پرداخته نشده است. این پرسش مطرح است که آیا با تکیه بر زمین ۱۰۰۰ متری و حتی فرض کشت محصول با ارزش افزوده بالا، می‌توان انتظار تأمین درآمد مناسب برای یک خانوار ۴ نفره را داشت؟

همچنین، زیست‌شهرهای مطرح شده در این ایده نمی‌توانند در هر کجای سرزمین ایران که روستا یا آبادی وجود دارد استقرار یابند؛ زیرا اراضی دارای قابلیت کشاورزی در کشور محدود است و همه جای کشور به‌طور یکنواخت و متعادل توزیع نشده‌اند.

نکته آخر این که در وضعیت بحرانی دسترسی به آب که اخیراً کشور با آن مواجه شده است، آیا برای افق ۱۰ تا ۲۰ سال آتی پیش‌بینی امکان‌آبدی به اراضی کشاورزی مطابق ایده پیشنهادی صورت گرفته است یا خیر؟ خانم **علی‌بیگی**، ضمن تشکر از آقای جهانبخش به طرح این موضوع پرداخت از آنجایی که الگوی زیست‌شهر با آرمان‌شهر یا مدینه فاضله فارابی ارتباط نزدیک دارد (فارابی نیز در ترسیم مدینه فاضله خود عدالت را به‌عنوان مهم‌ترین رکن برمی‌شمرد و به روابط اجتماعی، اصل هماهنگی و نظم نیز اشاره می‌کند)؛ بنابراین مقایسه و بررسی تفاوت‌های این الگو با مدینه فاضله فارابی، کمک‌کننده خواهد بود.

نکته دیگر این که موفق عمل کردن این الگو در کشورهای دیگر، لزوماً این مفهوم را نمی‌رساند که این الگو می‌تواند برای کشور ما نیز عملی شود. پس باید برای کشور متناسب با شرایط جامعه، الگویی بومی طراحی گردد.

نکته بعدی ایشان این بود که در این الگو به طراحی خانه‌ها مبتنی بر تولید اشاره شده است؛ اما آیا با توجه به شرایط جامعه و عصر تکنولوژی، چنین ایده‌ای قابل انجام و مورد پذیرش جامعه است؟

به نظر می‌رسد هسته اصلی این ایده، امکان‌سنجی تحقق آن باشد. قبل از بررسی قیمت زمین، منابع آب و انرژی و مالکیت، بهتر است پذیرش آن توسط جامعه مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه تا زمانی که این الگو مورد پذیرش اجتماعی نباشد، پیاده‌سازی آن امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارتی در این الگو مردم خیلی کم‌رنگ دیده شده‌اند.

آقای **روزبهان**، ضمن تشکر از آقای جهانبخش به واسطه طرح بحث خوب و همچنین از همکاران به دلیل کمک به پرورش ایده، دو نکته را به ایده‌دهنده یادآور شد. نکته اول، با توجه به طرح ایده به‌عنوان پیشران حرکت به سمت شهرسازی اسلامی، جنبه‌های اسلامی بودن ایده چیست؟

نکته دوم اینکه در دو استان شمالی کشور به نوعی همین ایده در حال اجراست. در واقع در گیلان و مازندران شهر و روستا به‌صورت سایر نقاط کشور نداریم. به جای روستا، روستای پخش‌شده در محدوده‌ای داریم که از همین الگو پیروی می‌کند و کشاورزان هر کدام زمین کشاورزی دارند و باغی دارند که استفاده می‌کنند؛ اما

خروجی آن این شده که در طی سال‌های اخیر با این قوانین و مقررات و شرایطی که وجود دارد، میانگین سطح زیر کشت از ۰/۸ هکتار به ۰/۲ هکتار تبدیل شده است. بنابراین ضرورت دارد به مسائل واقعی مربوط به اجرا، اعمال قوانین، مسائل اجتماعی و پیامدهای آن که بعضاً می‌تواند در عمل، یک ایده خوب را تبدیل به یک معضل بزرگ اجتماعی کند نیز، توجه داشت.

پس از طرح نظرات، پرسش‌ها، ابهام‌ها و نکات حاضران در نشست، آقای جهانبخش مجموعه نقدها را جمع‌بندی کرده و نکاتی را در پاسخ به‌ویژه به موارد پرتکرارتر و مهم‌تر بیان کرد.

اولین نکته در پاسخ به بحث الگوی سازگار با نقاط مختلف و پرسشی درباره تفاوت‌های اقلیمی و سرزمینی بود. بر اساس توضیحات ایشان اساساً کار الگو همین است و این‌طور نیست که تفاوت‌ها مانع ارائه الگوی کلان بشوند. برای مثال، وقتی شبکه جن<sup>۱</sup> به‌عنوان شبکه جهانی بوم‌روستا برای همه دنیا مانیفست می‌دهد، بر اساس اهداف و آرمان خود یک سری مانیفست ثابت ارائه می‌کند. مثلاً می‌گوید چرخش مالی را درون مجموعه نگاه دارید؛ که این حفظ چرخش مالی در درون مجموعه هرجایی یک شکل و معنایی پیدا می‌کند. برای مثال، نظام فکری آنارشیسم به‌گونه‌ای صحبت می‌کند؛ اما برخلاف آن، یک نظام فکری دیگر متناسب با جامعه بازار، اتفاقاً بنگاه‌ها را چندملیتی می‌کند و مرزها را برمی‌دارد؛ یعنی نهاد دولت-ملت<sup>۲</sup>، نهادی بهینه برای جامعه استیلاست، نه جامعه بازار؛ بنابراین، هر نظام فکری به بازتعریف جامعه بر مبنای وضعیت خودش با یک الگوی کلان با تفاوت‌های منطقه‌ای می‌پردازد. به عبارتی، این‌طور نیست که تفاوت‌ها مانع ارائه الگوی کلان بشوند و همیشه هم همین‌طور است. ادیان همه نماز را توصیه می‌کنند؛ اما نمازها در عین داشتن یک کلیت متعالی، مثل هم نیستند. به هر حال گفته می‌شود نماز این است، دینداری این است، صلاح این است، فساد این است، جرم این است؛ اما در هر جایی به تبع توان و فهم فرد، تنوعی پیدا می‌کند؛ بنابراین، این الگو نیز هم تنوعاتی دارد و هم اصول ثابت و واحد.

دومین نکته نسبتاً پرتکرار، بحث مبانی بود. در ایده مانند این کوه یخی که در شکل ۲۵ نشان داده شده است (که ۹۰ درصد آن زیر آب است و ۱۰ درصد آن بالای آب)، مبانی هستی‌شناسی، فلسفه تاریخ و انسان‌شناسی وجود دارد؛ اما مواجهه با موضوع از لایه نظریه اجتماعی، یعنی چیزی که نزدیک به سطح کوه یخ است، صورت گرفته است؛ درواقع تا سطح نظریه اجتماعی و نه پایین‌تر، اما حتماً این سطح مبتنی بر مبانی پایین دست بوده است. بعد لایه‌ای که می‌آید روی آب دیده می‌شود دانش‌های بشری و بعد آنچه در قسمت بالا دیده می‌شود، فضاهای اجتماعی‌اند. فضاهای اجتماعی بستری می‌سازند که ساختارها و محصولات آنها شکل بگیرند.

1. GEN (Global Ecovillage Network)  
2. Nation-state



شکل ۲۵: ارتباط متقابل فرهنگ با فضاها و ساختارهای اجتماعی

مهم‌ترین فضایی که در حال حاضر شناخته می‌شود، فضای کالبدی و فضای سایبر است. حتماً باید فضای سایبری و کالبدی متناسب با هر زیستی که انتخاب می‌شود، نه لزوماً زیست اسلامی یا ایرانی ساخته شود؛ چه بازار باشد، چه استیلا، چه آنارشیسم و چه امت. به هر حال باید متناسب با آن تصمیم‌گیری شود و هر دو فضای کالبدی و سایبری ساخته شوند. حالا این‌که فضای سایبر چیست؟ بحث دیگری است؛ اما در فضای کالبدی بحث شهرهای موجود و جدیدالاحداث مطرح است. به تبع بحث‌های نهضت ملی مسکن که کلان‌پروژه دولت است و در حال کار متمرکز روی آن است، در این ارائه بیشتر تمرکز روی فضای جدیدالاحداث است و گرنه این‌که با شهرهای موجود باید چه کرد خودش بحث دیگری دارد. در نظریه اجتماعی سه پرسش وجود دارد که بر اساس پاسخ به آنها، کل نظریات اجتماعی عالم مدل می‌شوند.

جدول ۹: مهم‌ترین محورهای نظریه‌های اجتماعی

آنارشیسم	امت	بازار	استیلا	
نفع جمعی	محبت	منفعت و طمع فردی	منفعت فردی	محور انگیزش اجتماعی
تعاون	کرامت	رقابت آزاد	ترس از قدرت حاکم	توازن، عدالت و روابط بهینه
شوراهای گروهی کوچک مقیاس	توان ایثار و آگاهی‌بخشی بالاتر	توان تولید ثروت	توان تولید قدرت	تخصیص مقدرات (مناصب اجتماعی)

درواقع کاری که علم برای ما می‌کند، این است که با ساده‌سازی واقعیت پیچیده، امکان فهم یک واقعیت متکثر را فراهم می‌سازد و امکان موضع‌گیری به ما می‌دهد. از آنجایی که کثرت اطلاعات طبقه‌بندی نشده با بی‌اطلاعی اثر برابر دارد، باعث سردرگمی و ابهام می‌شود. برای موضع‌گیری مجبور به یافتن مهم‌ترین موارد هستیم تا

بفهمیم برای جامعه خودمان چه می‌خواهیم. بر مبنای بیش از ده سال مطالعه و پژوهش، این موارد مهم‌ترین تشخیص داده شده‌اند.

لازم است به این نکته اشاره شود که یک فرد به‌عنوان معمار شهرساز نباید حرف خودش را بزند بلکه معمار، شهرساز و متخصص علوم کاربردی، جغرافیا، برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین باید از اهل فرهنگ و جامعه‌شناس بپرسند که جامعه مطلوب چیست، انسان مطلوب کدام است و طوری سرزمین و بستر را آماده کنند که آن جامعه مطلوب و انسان مطلوب محقق شود. بر همین اساس یکی از جاهایی که پل دید این ایده با اسلام شد، همین‌جا بود که تعریف جامعه مطلوب و انسان مطلوب را از دین گرفته است. این مهم‌ترین عنصری است که از دین اخذ شد؛ اما آیا تنها عنصر است؟ خیر. عنصر دومی که از دین اقتباس شد و اتفاقاً به غلط متداول شده است، خطوط قرمز حرکت است. مثال عرفی آن این است که فرض کنیم سوار اسنپ می‌شویم تا می‌نشینیم در ماشین، راننده می‌گوید کجا برویم؟ در قدم اول می‌گوییم تو متخصصی، تو راننده‌ای من بگویم کجا برویم؟ این همان علوم کاربردی است که خودشان را تکنوکرات می‌دانند و فکر می‌کنند چون متخصص‌اند، آنها باید تعیین کنند جامعه به کجا برود؛ اما ادعای ما این است که این‌طور نیست و جامعه باید از سمت یک بالادستی تعیین شود که به کجا برود. بعد از آن و در قدم دوم خطوط قرمز حرکت برایش مشخص شده و گفته می‌شود با سرعت بیشتر از ۱۲۰ نرود و کمر بند ایمنی را هم ببندد. راننده می‌گوید من با این سرعت و با کمر بند بسته می‌توانم همه جا بروم، کجا بروم؟ یک گزاره می‌خواهد که مقصد حرکت را به او بدهد. این گزاره در علوم کاربردی مهم‌ترینش آینده مطلوب است. آینده‌ای که تصور می‌کنیم و در اینجا مهم‌ترینش می‌شود انسان مطلوب و جامعه مطلوب. برای تحقق جامعه مطلوب باید به این سه پرسش، پاسخ داده شود. محور انگیزش اجتماعی چیست؟ شرایط بهینه چگونه ایجاد می‌شود؟ مقدرات اجتماعی را چگونه تخصیص بدهیم و به چه طبقه‌ای؟ برای مثال در پاسخ به پرسش اول؛ یکی می‌گوید به خاطر نفع و طمع فردی، یکی می‌گوید به خاطر محبت، یکی می‌گوید به خاطر نفع جمعی. دعوای اصلی بر سر همین موضوع است که صفات خیر سرمنشأ اداره جامعه باشند یا صفات شر. چون این عمیق‌ترین سطح درگیری است که برای بشر وجود دارد. اگر این موضوع پذیرفته شود که واقعاً محبت و صفات خیر نمی‌توانند جامعه را اداره کنند، تأیید گفته کانت است که انبیا اشتباه کردند، باید طمع افراد را تحریک و جامعه را بازار نمود؛ یعنی واقعاً اگر در این سطح بتوان درگیری را حل کرد، نیازی به درگیری در سطوح روبنایی نیست؛ یعنی اگر قرار است شهردار ما بیاید به اسم شهر اسلامی توسعه حمل‌ونقل محور اجرا کند خوب همان ایده پرداز غربی که توسعه حمل‌ونقل محور را ارائه داده که بهتر آن را اجرا می‌کند، دیگر چه درگیری و دعوایی وجود دارد؟ چرا بی‌جهت برای مردم تنش و اضطراب ایجاد شود؟ همان را پیاده کنیم؛ اما پرسش دوم مهم این بود که شرایط بهینه چگونه حاکم می‌شود؟ یعنی یکی سوخت جامعه است یکی این که آن سوخت در چه شرایطی عمل می‌کند؟ که در مدل استیلا ترس بود، در مدل بازار رقابت آزاد بود، در مدل امت کرامت بود، در آنارشیسم تعاون بود. پرسش سوم که روبنایی‌ترین

پرسش می‌باشد و لازم است روی آن تأکید شود، این است که مقدرات اجتماعی چطور و به چه طبقه‌ای تخصیص داده شوند. مدل استیلا می‌گوید اگر کسی می‌تواند آن قدرت لازم را داشته باشد، شاه شود. مدل بازار می‌گوید جامعه باید طوری چیده شود که ثروتمند برود در رأس هرم و در نمونه توسعه حمل‌ونقل محور نیز توضیح داده شد که ثروتمند چگونه طبیعتاً سرپرست جامعه شود. مدل امت می‌گوید کسی که توان ایثار و آگاهی‌بخشی بالاتر دارد در رأس هرم قرار گیرد. مدل آنارشیسم هم می‌گوید هرکسی که آمد به بقیه ظلم کرد؛ بنابراین، بهتر است شوراها را گروهی کوچک‌مقیاس باشند.

برای مثال در صنعت که پرسش پرتکرار بعدی اشتغال و صنعت در این ایده بود، بخواهیم کاری کنیم که هر طبقه‌ای حاکم شود، باید چه کار کنیم؟ وقتی کارخانه متمرکز احداث می‌شود، طبیعتاً کسی که صاحب کارخانه است، ولی و سرپرست می‌شود. خوب این در نظریه اجتماعی بازار خیلی خوب است، چون اگر کارآفرین که ثروتمند است در موقعیت بالا قرار بگیرد، بقیه را هم به تحرک وادار می‌کند و آنها وقتی می‌بینند او این همه از نعمات بهره‌مند شده است، شروع می‌کنند به تحرک و پویایی، به این ترتیب جامعه پیشرفت می‌کند.

برای فرهنگ اسلامی این روند می‌تواند مذموم باشد. آیت‌الله جوادی آملی به این موضوع می‌گویند «توسعه تکاثری». به اعتقاد ایشان اجیر شدن در اسلام مکروه است و مطلوب نیست که یک نفر برود بالا و بقیه را اجیر کند. به همین دلیل ما به جای این مدل، هزار تا کارخانه کوچک‌مقیاس می‌سازیم که شروع کنند به کار کردن برای خود. حالا اگر کارخانه کوچک‌مقیاس ایجاد شد و کار هم کرد، آیا کار تمام می‌شود؟ خیر. به صورت استقرایی که برآورد شد، ۹ زنجیر پیدا شد که این ۹ زنجیر اگر گردن هر جامعه‌ای بیفتند سرمایه‌دار را ولی و سرپرست آن جامعه می‌کنند.

جدول ۱۰: زنجیرهای ۹ گانه جامعه سرمایه‌داری

ساختارهایی که منجر به سرپرستی سرمایه بر جامعه می‌شوند								
دانش موجود و فناوری‌های متمرکز	تحقیق و توسعه	سرمایه اولیه و قدرت ریسک سرمایه‌گذاری	انحصار منابع اولیه	تبلیغات، شبکه مشتری	کالبد و شهر سرمایه‌محور (رانت زمین و فضا)	هویت‌سازی و اعتبار (برند)	کار تیمی حول مدیریت سرمایه	اغوا و فریب، تأثیر سرمایه بر سیاست و قانون

در اینجا آن جامعه‌ای که می‌خواهد سرمایه‌دار سرپرستش باشد این‌ها را زنجیر نمی‌داند بلکه ساختارهای تسهیلگر تلقی می‌کند؛ اما جامعه‌ای که آن را زنجیر می‌داند می‌گوید وظیفه حکومت دینی چیست؟ و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم.<sup>۱</sup> وظیفه جامعه دینی این است که این اغلال را باز کند که از آنها اطاعت نشود. در جامعه استیلا طور دیگری است و زنجیرهای دیگری دارد. به تعبیر قرآن فاستخف قومه

۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷



فاطاعوه<sup>۱</sup> قومش را خوار و خفیف می‌نمود و آنها اطاعت می‌کردند. یکی از آن زنجیرهای ۹ گانه دانش و فناوری‌های متمرکز است، یکی دیگر تحقیق و توسعه و پتنت<sup>۲</sup> است. پتنت کمک می‌کند که جامعه علمی اجیر سرمایه شود و به این صورت علم برای حرکت انگیزه پیدا کند. مورد دیگر سرمایه اولیه است، یکی دیگر انحصار منابع اولیه و یکی هم تبلیغات است. شهید بهشتی با همین استدلال می‌گوید: «جامعه اسلامی می‌تواند تبلیغات را حرام و ممنوع اعلام کند، چون تبلیغات ابزاری است که آن که متمرکز است خرده‌پاها را حذف می‌کند و بازار را به سمت خودش می‌کشاند». مورد دیگر رانت زمین و فضا است. در این ایده رانت زمین و فضا حذف می‌شود. در شهر اسلامی این اتفاق باید بیفتد، دیگری برند است که انسان را مقهور سرمایه می‌کند. دو زنجیر دیگر (کار تیمی حول مدیریت سرمایه و اغوا و فریب، تأثیر سرمایه بر سیاست و قانون) توضیح طولانی‌تر است و اجتماعی- فرهنگی‌تر هم است و فعلاً از آن عبور می‌کنیم.

کاری که باید انجام بگیرد این است که اگر قرار است به سمت جامعه دینی برویم، باید به نظامات دیگر هم توجه شود. نظام اشتغال و معیشت اینجا به تکنولوژی‌های پیشرفته دست‌ساز وارد می‌شود؛ یعنی حتی اگر بخواهد غول فناوری را هم راه‌اندازی کند، تکنولوژی‌های پیشرفته دست‌ساز می‌زند؛ برای مثال ۳۷ درصد ساعت‌سازی سوئیس که خانگی<sup>۳</sup> و دست‌ساز است.

در بحث پالایشگاه که بزرگواران به آن اشاره کردند؛ اصلاً لازم نیست پالایشگاه الزاماً مثل الآن غول صنعت بماند. برای مثال پالایشگاه‌های کوچک نفت<sup>۴</sup> که از نظر محیط‌زیست و فرهنگی می‌توانند خیلی سازگارتر عمل کنند و موارد صنعتی دیگر که مثال‌هایش مکرر آمده است.

از نظر تجربه بومی هم اتفاقاً در اقلیم خودمان در مکان‌های مختلف این مفهوم وجود دارد. برای مثال طبس شاید ۴۰، ۵۰ درصد این الگو را داشته است. یکی از اهالی تعریف می‌کرد که سالی ۱۰ سفر می‌رفته است؛ اما از وقتی که به خانه- باغ خود آمده، سفر نرفته است و در عوض بقیه به خانه باغ او می‌آیند. یک خانه باغ ۱۵۰۰ متری که ۷۰ مترش را ساخته و بقیه‌اش باغ است. به تعبیر دکتر فرهادی<sup>۵</sup> کشور ما سرخرگ‌های آبی فراوان ندارد؛ اما مویرگ‌های آبی خوبی دارد. ذخیره آبی کشور از محل بارندگی‌ها ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است. اینجا نیل ندارد که کنارش قاهره ساخته شود؛ اما تهران ساخته شده است. باید با یک مقیاس مناسب مثل همین که طبس با سد دوره صفوی نخل کاشته و این قدر پایدار اداره کرده، به همین صورت با مویرگ‌های سرزمین‌مان کار شود و آن تجربه بومی که در اقلیم‌های مختلف بوده است، پاس داشته شود.

۱. سوره زخرف، آیه ۵۴.

2. Patent

3. Home made

4. Small oil refinery

۵. مرتضی فرهادی کمره‌ای استاد تمام حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است که به سبب پژوهش‌های متعدد در حوزه مردم‌شناسی، فرهنگ و علوم انسانی، به‌ویژه در حوزه روستایی ایران و مردم‌شناسی آینده شناخته می‌شود. ایشان صاحب نظریه در زمینه توسعه بومی است.



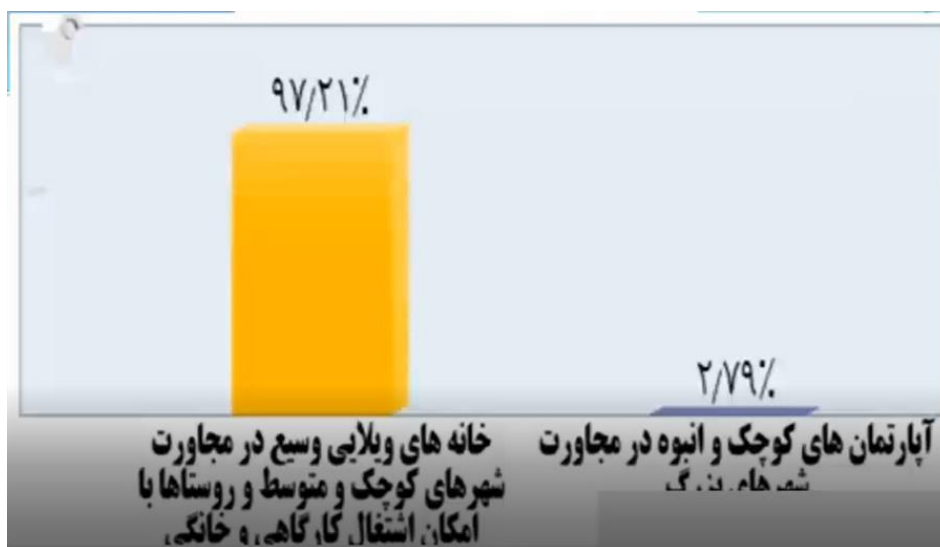
شکل ۲۶: نمایی از خانه-باغی در طبس



شکل ۲۷: نمایی از شبکه مویرگی آب در ایران

بحث آخر هم بحث تراکم بود و این که شهرهای جهان به سمت فشردگی می‌روند؛ اتفاقاً این گونه نیست. برای مثال در آمریکا تراکم حدود ۱۲ نفر در هکتار است. یکی از معاونان سابق وزارت راه و شهرسازی می‌گفت شما زمین هم که بدهید مردم نمی‌روند. پرسیدیم مردم کجا رفتند؟ گفتند عالی شهر بوشهر. ما رفتیم دیدیم. در عالی شهر مثل جنگ‌زده‌ها، مردم ساخته بودند، دولت خراب کرده بود. گفتیم پس شما که گفتید مردم نمی‌روند، گفتند مردم می‌آیند ویلایی تصاحب می‌کنند، ما می‌گوییم بروند در آپارتمان، آپارتمان نمی‌آیند. بعد ما گفتیم شما آب ندادید، برق ندادید، جاده ندادید، این آمده ویلایی را گرفته حالا اگر همه این‌ها را بدهید، شما می‌گویید مردم نمی‌آیند؟ واقعاً این با عقل جور در نمی‌آید. بعد آپارتمان‌ها را بازدید کردیم، قیمتشان از کلان‌شهرهای ما بالاتر بود. پرسیدیم چطور اجاره‌های بالاتر است؟ بله آن موقع نمی‌آمدند. بوشهر که

شبه‌جزیره است، سه راهش بسته است. جای رشد ندارد. الان اینجا گران شده است. مجبورند بیایند اینجا استفاده کنند. خوب این موضوع نیاز به یک کار علمی دارد. در رسانه ملی یک نظرسنجی انجام شد که اگر دولت بخواهد در قالب نهضت ملی به شما زمین رایگان بدهد، شما خانه ویلایی کنار شهرهای کوچک و متوسط و روستاها با امکان اشتغال کارگاهی و خانگی را می‌پسندید یا آپارتمان‌های کوچک و انبوه در مجاورت شهرهای بزرگ را؟ (قابل ذکر است که آپارتمان بزرگ و غیرانبوه را نمی‌توانند در نهضت ملی بسازند چون پولش را ندارند). در پاسخ به این سؤال ۹۷/۲۱ در مقابل ۲/۷۹ گفتند خانه ویلایی کنار شهرهای کوچک و متوسط و روستاها با امکان اشتغال کارگاهی را می‌پسندند.



نمودار ۵: نظرسنجی انجام شده در رسانه ملی<sup>۱</sup>

البته این نظرسنجی اعتبار علمی کافی ندارد و در حال حاضر با کمک مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران یک نظرسنجی به صورت علمی در حال انجام است تا مشخص شود واقعاً در تهران این تمایل چند درصد است. طبق آمار جهانی ۴۰ درصد از افراد تمایل به این سبک زندگی را دارند؛ فرد بازنشسته است شغلش فریلنسری (آزادکار)<sup>۲</sup> و فضای مجازی است، شرایطش را دارد می‌رود. اینجا در نهضت ملی با آمار خیلی پایین‌تری می‌توان این بسته را فراهم کرد.

در حوزه بحث‌های اقتصادی هم یک شهرک ۲۰۰۰ واحدی با تیپ مسکن مهر با یک شهرک ۲۰۰۰ واحدی با این الگوی پیشنهادی مقایسه شد. چون ساخت طبقات گران‌تر است و بعد مشاعات مسقف هم دارد؛ یعنی برای تحویل ۸۰، ۹۰ متر خانه، ۱۲۰ متر باید ساخته شود. خود خانه ارزان‌تر و زیرساخت گران‌تر می‌شود. برای مثال به ازای هر خانه ۳۵ میلیون تومان هزینه انتقال فرض می‌کنیم.

۱. این نظرسنجی در خلال معرفی ایده زیست‌شهر توسط آقای جهانبخش در برنامه ثریا شبکه ۱ سیمای جمهوری اسلامی ایران، انجام شده است.

2. Freelancer

جدول ۱۱: مقایسه ویلایی طبس با آپارتمانی بیرجند

عنوان	هزینه خالص سفت‌کاری و اسکلت	تعداد واحد	مساحت مفید واحد	مساحت احداثی واحد به اضافه مشاعات مسقف مسکونی	هزینه با نازک‌کاری هر مترمربع	هزینه کل
۱ آپارتمانی بیرجند	۶ میلیون تومان	۵	۱۲۷	۱۷۰	۸۵۰۰۰۰۰	۱۴۴۵۰۰۰۰۰۰
۲ ویلایی طبس	۴,۳۵ میلیون تومان*	۱	۱۲۱,۵	۰	۶۶۰۰۰۰۰	۸۰۱۹۰۰۰۰۰*

\* با احتساب هزینه دیوارکشی و کفسازی حیاط

\*\* با فرض مساحت مساوی برای زیربنای دو واحد، این عدد به ۸۳۸ میلیون تومان معادل‌سازی می‌شود.

جدول ۱۲: متوسط عرصه هر خانه ۸۲۵ متر در یک شهرک ۲۰۰۰ واحدی

ردیف	عنوان	ارتفاع طبقات	تعداد واحد	مساحت مفید واحد	مساحت احداثی واحد به‌اضافه مشاعات مسقف مسکونی	هزینه هر مترمربع	هزینه اعیانی مسکونی و مشاعات مسقف
۱	هزینه هر واحد با الگوی متداول مسکن مهر	چهار تا شش طبقه روی همکف	۱۶	۸۰	۱۲۰	۷۰۰۰۰۰۰	۸۴۰۰۰۰۰۰۰
۲	هزینه هر واحد با الگوی پیشنهادی	یک طبقه	۱	۸۰	۰	۴۸۰۰۰۰۰	۳۸۴۰۰۰۰۰۰

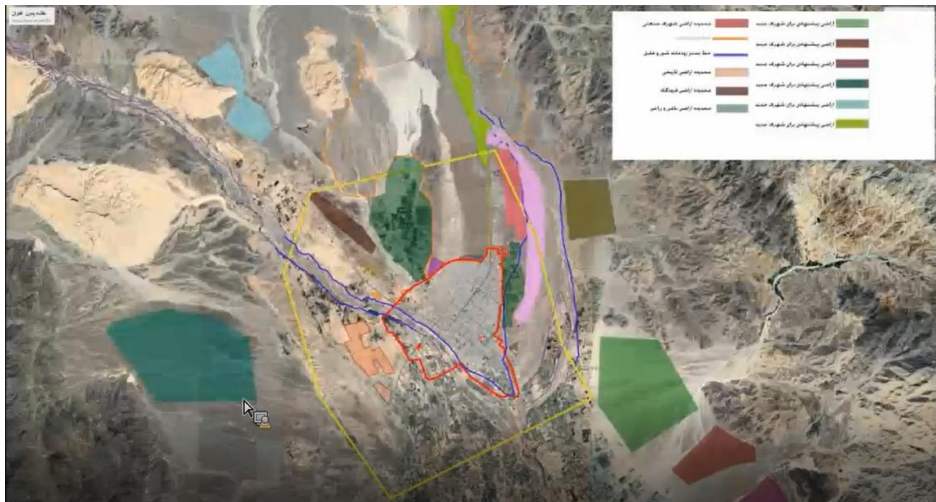
هزینه انتقال خطوط به میزان ۱۰ کیلومتر به ازای هر واحد	هزینه تأسیسات به ازای هر واحد	هزینه دستگاه تصفیه فاضلاب خانگی به ازای هر واحد	هزینه فضای سبز و معابر به ازای هر واحد	هزینه تسطیح و دیوار باغ و حیاط و دیوار دور شهرک	قیمت تمام شده واحد
۰	۳۸۸۰۰۰۰۰	۰	۱۱۲۰۰۰۰۰	۰	۸۹۰۰۰۰۰۰۰
۳۵۰۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰	۲۴۶۰۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰۰۰	۸۴۵۰۰۰۰۰۰۰

داخل شهرک هم هزینه انتقال زیرساخت بیشتر است. در بحث بازچرخانی آب هم دستگاه‌های ایران را رصد و یک نمونه‌اش را انتخاب کردیم، آن را دادیم آزمایش و تا الان هم هزینه‌اش ۴۵ میلیون تومان شده است؛ اما حتماً با کار دانش‌بنیان بیشتر می‌شود دستگاه‌های بهتر آورد. پس ۴۵ میلیون تومان هزینه دستگاه تصفیه آب خاکستری لحاظ شد و با معابر و باغ و حیاط، درنهایت باز هم قیمت از مسکن مهر ارزان‌تر شد که با آمار واقعی هماهنگ بود. هزینه سفت‌کاری با احتساب هزینه دیوارکشی و کف‌سازی حیاط، برای خانه بیرجندی ۶ میلیون تومان و برای خانه طبسی ۴ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان شده است.

درنهایت همان‌طور که در جدول ۱۲ مشخص است، خانه طبسی‌ها ۱۴۴۵۰۰۰۰۰۰ تومان و خانه بیرجندی‌ها ۸۰۱۹۰۰۰۰۰۰ تومان تمام می‌شود. این‌ها ۱۲۰ متر ساختند که اگر با مسکن تدریجی، ۶۰، ۷۰ متر ساخته شود، مردم تقریباً به اندازه پول وامشان می‌توانند یک خانه داشته باشند. این طرح وزارت راه را خیلی جذب

کرد. چون الآن اگر این کار انجام نشود با یک سری پروژه ناتمام مواجه می‌شویم که دولت نمی‌تواند برود در خانه‌های مردم هم هزینه بکند؛ اما اینجا می‌تواند با مسکن تدریجی خانه ویلایی را واگذار کند.

درباره این که زمین داریم یا خیر، جمع کل شهرها و روستاهای ما در حال حاضر یک درصد از سرزمین است و طبق برآورد اولیه ۱۰ درصد در اولویت یک توسعه قرار دارد و عملاً تراکم بالایی به ۱ درصد تحمیل شده است. تراکم کشورها در ابتدای بحث مرور شد، تراکم شهرها هم بر مبنای مطالعه دانشگاه نیویورک؛ اتاوا ۲۰ نفر در هکتار، پکن ۴۶ نفر در هکتار، استرالیا ۳۲ نفر در هکتار، واشنگتن ۳۸ نفر در هکتار، ریاض ۵۸ نفر در هکتار، آنکارا ۶۰ نفر در هکتار، تهران ۱۵۰ نفر در هکتار است؛ پروژه نهضت ملی (پردیسان قم) ۵۲۰ نفر در هکتار بود؛ یعنی واقعاً جمعیت به‌طور نامتوازی در حال پخش شدن است. آن هم از طرف مایی که قرار بوده است کار فرهنگی هم انجام دهیم. حالا بُعد فرهنگی آن به کنار، به این صورت حتی در همین روال جامعه جهانی هم نمی‌شود فعالیت کرد. در مردادماه آقای رئیس‌جمهور ۶۰ نفر در هکتار را در نهضت ملی ابلاغ کردند؛ اما بیشتر استان‌ها مقاومت می‌کنند؛ چون عادتشان چیز دیگری بود و باید تغییر رویه بدهند. این تغییر رویه‌شان هم مربوط به نحوه جستجوی زمینشان است. یک تحقیق دیگری هم درباره نحوه جستجوی زمین انجام شد؛ مثلاً در جیرفت می‌گفتند ما زمین نداریم ویلایی کنیم، اینجا محدودیت داریم، آنجا محدودیت داریم، فرودگاه داریم و نمی‌توانیم زمین ویلایی بدهیم؛ اما محاسبه با یک افق بازتر، نشان داد که می‌توان طرح را در قالب توسعه منفصل دید. مثلاً برای یک زمین ۷۰۰۰ هکتاری که در آمایش استانی هم در اولویت یک توسعه اینجا بود، این امکان وجود دارد که ۷۰۰ هکتارش خانه‌های مولد فراهم کند و سایر بررسی‌های آن هم انجام و تأیید شد. بعد با یک تغییر پارادایم خودشان نقشه را که در شکل ۲۷ ملاحظه می‌شود، فرستادند که اگر این‌طور است، ۱۴ گزینه دیگر وجود دارد که می‌توان با آن الگو کار کرد. وقتی از شهر فاصله می‌گیریم و خانه‌ها را یک طبقه می‌سازیم، خرداقلیم خراب نمی‌شود. شهری که داخلش این همه بلندمرتبه‌سازی شده خرد اقلیم و محیط‌زیست بومی و محلی را از بین برده است؛ اما در یک طبقه که ۱۰ درصد، ۱۵ درصد سطح اشغال دارد با مصالح پایدارتر و سازگارتر با محیط‌زیست می‌شود کار کرد و به این ترتیب، صورت مسئله کاملاً متفاوت می‌شود.



شکل ۲۸: مکان یابی مسکن نهضت ملی شهر جیرفت

در پایان آقای غلامی به توضیح مطالبی درباره فرایند ارائه ایده و ایده پروری در مرکز پرداخت. بر اساس توضیحات ایشان معیارهایی برای انتخاب ایده ها وجود دارد تا وارد این فرایند شوند. ایده ها متنوع و در حوزه دستگاه های اجرایی مختلف قابل طرح هستند. برای مثال این موضوع در وزارت راه و شهرسازی هم باید شنیده شود.

در مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری به عنوان بازوی اندیشه ای سازمان برنامه و بودجه کشور و از آنجا که این سازمان متولی مدیریت و راهبری توسعه کشور است به ایده هایی ورود می شود که مختصاتی از تأثیرگذاری بالا بر فرایند توسعه ایران را داشته باشند و به لحاظ شمولیت چندین بخش را در بر گیرند و چه بسا بتوانند ترکیبی از چالش ها و بحران هایی که کشور دارد را در کنار هم پوشش دهند و ما را به سمت حل آنها ببرد. یکی دیگر از آن مختصات می تواند این باشد که با کمترین منابع در اختیار کشور و در شرایط سختی هم که وجود دارد، امکان عملیاتی شدن داشته باشند و تأثیرگذاری شان در بحث های توسعه کشور بالا باشد.

## جمع‌بندی

این بحث را می‌توان به صورت بسیار خلاصه در دو نکته کلی جمع‌بندی کرد. نکته اول این که ساختارهای اجتماعی نباید خنثی دیده شود. آمایش سرزمین در جوامع استیلا، آنارشیسم، بازار و امت با هم متفاوت است؛ بنابراین در هر کدام از آنها این کار باید متناسب با نوع جامعه و تفاوت فرهنگ‌ها انجام شود. نکته دوم این که اگر این اصل پذیرفته شود که طراحی قرار است برای جامعه امت انجام شود، باید به ویژگی‌های جامعه امت دقت شود.

ویژگی اول جامعه امت این است که سلول جامعه خانواده می‌باشد و بنابراین به تبع آن باید کالبد خانواده که خانه است، تقویت شود. ویژگی دوم این است که جنس روابط جامعه امت از جنس اخوت و محبت است مانند داجاها در روسیه که توضیح داده شد؛ بنابراین، کالبد باید متناسب با جامعه امت بر اساس محبت و اخوت مهیا گردد. ویژگی دیگر این است که جامعه امت در نظام طبقه‌بندی مناصب اجتماعی شرایطی را مهیا نمی‌کند که سرمایه‌دار بالا برود بلکه به گونه‌ای جایگاه را می‌چیند که افراد ایثارگرتر و آگاهی‌بخش‌تر بالا بروند نه کسانی که قدرت و ثروت بیشتر دارند. در واقع نظام صنعت نباید توسعه تکاثری داشته باشد و یک نفر بتواند از بالا بقیه را اجیر کند. به همین دلیل صنعت و زمین‌های زراعی خرد می‌شود و خانه بزرگ می‌گردد. بدین ترتیب در نظام آمایش سرزمین که قبلاً شهرک صنعتی و زمین‌های زراعی متمرکز و یک شهرک مسکونی عمدتاً خوابگاهی داشتیم، به نوع جدیدی از آمایش سرزمین فکر می‌شود که در این نوع جدید خانه بزرگ شده است؛ اما نه مسکنش؛ مسکن همان متراژ است. شهرک صنعتی کوچک و تبدیل به کارگاه خانگی شده، زمین زراعی کوچک و تبدیل به کشاورزی معیشتی (اتفاقی با بهره‌وری بالاتر) شده و با تأییدات فرهنگی که به فرهنگ ما می‌دهد این آمایش سرزمین شکل می‌گیرد.

**اصلی‌ترین نکات مطرح شده در جهت پرورش ایده زیست‌شهر به تفکیک حوزه‌ها، به شرح زیر است:**  
نحوه تأمین آب

- با توجه به این که مهم‌ترین دلیل خالی از سکنه شدن روستاهای کشور کمبود منابع آبی است، پیشنهاد مشخص ایده برای تأمین آب چیست؟
- توصیه می‌شود برای بحث‌هایی مانند بازچرخانی پساب، مصرف آب خاکستری و مواردی از این قبیل پیشنهادهای تفصیلی و دقیق ارائه شود.

## اراضی کشاورزی

- بنابر پیشنهاد ایده برای احداث این مجموعه‌ها در اراضی کشاورزی وقفی مجاور ۳۶ هزار روستا در کشور و در حدود دو درصد اراضی کل کشور:

الف) آیا این پیشنهاد بخشی از اراضی کشاورزی موجود در کشور را به موجب ساخت‌وساز تخریب نمی‌کند؟ (مبتنی بر تجارب موجود کشور)

ب) آیا در مجاورت تمام روستاها اراضی وقفی در عین حال با قابلیت زراعی وجود دارد؟

ج) آیا در این الگو به الگوی کشت پیشنهادی کشور توجهی شده است؟

د) آیا تفکیک اراضی کشاورزی یکپارچه موجود سیاست درستی است؟

### وضعیت حقوقی و مالکیت زمین

- با توجه به تنوع اجتماعی متقاضیان احتمالی این طرح موضوع تخصیص زمین چگونه صورت می‌گیرد و چگونه می‌توان از رانت‌های احتمالی پیشگیری کرد؟

- آیا می‌توان دولت را برای تخصیص اراضی وقفی به این پروژه متقاعد کرد؟ آیا شرایط حقوقی اجازه تغییر کاربری را می‌دهد؟

- توصیه می‌شود برای تحقق این ایده الزامات حقوقی به تفصیل مدنظر قرار گیرد.

### بعد اقتصادی

- سرمایه مورد نیاز برای اجرای این ایده (برآورد تقریبی ۱۰۰۰ میلیارد دلار) چگونه تأمین می‌شود؟

- از نگاه کارشناسی، بهره‌وری در اراضی بزرگ بیشتر است. بحث مصرف انرژی، ماشین‌آلات، نیروی انسانی و مبارزه با آفات و سموم و... همه این موارد اگر جمع شود و مطابق با دیدگاه جهانی، بهره‌وری برای کشاورزی بزرگ مقیاس بالاتر است. ضمن این‌که اگر در ایده مفروض باشد که اشتغال اول خانوارها در همین اراضی باشد (حتی فرض کشت محصول با ارزش افزوده بالا)، بی‌تردید کفایت تأمین معاش خانوار را نمی‌کند.

- در تجارب مشابه از منظر اقتصادی در دنیا، می‌توان به تجربه روستای گورنای مصر برگرفته از ایده معمار مشهور مصری (حسن فتحی) اشاره کرد که به‌رغم ادعای حسن فتحی مبنی بر ساخت خانه‌های ارزان قیمت روستایی برای فقرا به دلیل نوع طرح خانه‌ها، هزینه احداث بنا بسیار بالا بوده و عملاً فقرا نتوانسته‌اند در آن روستا جایگاهی داشته باشند و درنهایت منجر به شکست پروژه شده است؛ بنابراین به



نظر می‌رسد ایده پیشنهادی پاسخگوی گروه‌های هدف تعیین شده در این ایده (اقشار کم‌درآمد) نخواهد بود.

- در مقاله و ارائه بیان شده که هزینه ساخت واحدهای مسکونی کمتر از واحدهای مسکن مهر است، در حالی که برخی از هزینه‌های احداث در این واحدها محاسبه نشده است.
  - در حوزه اقتصاد و کارآفرینی فقط بخش کشاورزی مورد توجه واقع شده و اقتصاد بخش خدمات و صنعت تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته است.
  - توصیه می‌شود به جای واژه سرمایه‌داری از مفهوم جامعه بازار استفاده شود.
- بعد اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی

- در بحث جمعیت آیا در سبک زندگی موجود ایرانیان و حتی پیش‌بینی از روندهای آتی نشانه‌هایی از تمایل به زندگی خانواده گسترده (در مقابل خانواده هسته‌ای) دیده می‌شود؟
- به نظر می‌رسد که این طرح یا ایده با ارائه الگوی واحد و عدم توجه به تفاوت‌های نسلی، سبک‌های زندگی متنوع در شرایط فعلی و آتی جامعه را در نظر نگرفته و به همین دلیل پذیرش اجتماعی آن دچار ابهام است.
- آیا دوگانه‌سازی‌های غیرضروری مانند مردم-امت، سرمایه‌داری-جامعه اسلامی، فرهنگ-اقتصاد مورد پذیرش جامعه ایرانی حتی در شرایط کنونی (و نه در آینده) است؟
- به نظر می‌رسد «مردم‌محوری و مشارکت حداکثری شهروندان» که هسته مرکزی ایده‌های شهرسازی دوران معاصر در دنیا است مغفول مانده و در مقابل در این ایده از «مشارکت هدایت‌شده» صحبت شده است، آیا این مفهوم مورد اجماع است؟
- در مقایسه آرمانشهر اسلامی، به‌ویژه آرمانشهر شیعه (مهدوی) با آرمانشهرهای غربی، تفاوت اصلی در این است که آرمانشهرهای غربی شهرهای آرمانی را در بیرون از بافت موجود شهر توصیه می‌کنند؛ اما آرمان‌شهر اسلامی می‌خواهد شهرهای موجود را اصلاح کند. در حالی که در ایده مطرح شده شهر آرمانی مشابه آرمان‌شهرهای غربی قرن نوزدهم (که همگی شکست خورده‌اند) در بیرون از بافت شهرهای موجود پیشنهاد شده است. این تناقض چگونه توضیح داده می‌شود؟
- فرض اصلی این ایده مبتنی بر وجود یک مدینه فاضله (جامعه امت با مرکزیت خانواده، محبت و ایثار) است. چنین فرضی را در آرمان‌شهر سوسیالیست‌های تخیلی قرن نوزدهم اروپا مانند اتین کابه و شارل فوریه می‌توان دید که در عمل و در اجرا با شکست مواجه شده‌اند. آیا آزمودن آزموده خطا نیست؟

- با توجه به حرکت جوامع به سمت جهانی شدن و پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات، چگونه می‌خواهیم در چنین شرایطی مرزهای کمرنگ بین کشورها را به سطح محلی منتقل کنیم و تا این حد روابط را محدود نماییم؟
- معمولاً یکی از معضلات اصلی شهرهای جدیدی که در ایران و حتی جهان ساخته شده، بی‌هویتی است. در این مجموعه‌های شهری جدید (که لازم است به مثابه موجودات زنده دارای روح و محتوا باشند)، تکلیف هویت شهری و پایداری چه می‌شود؟

#### آمایش سرزمین

- سیاست کلی سند ملی آمایش سرزمین ایجاد توازن و تعادل در جمعیت و فعالیت است؛ یعنی جمعیت آتی در پهنه شرقی و سواحل جنوب کشور مستقر شوند. در این ایده احداث ۳۶ هزار سکونتگاه جدید در مجاورت ۳۶ هزار روستای موجود، یعنی عدم توجه به مهم‌ترین سیاست سند ملی آمایش سرزمین.
- این ایده در شرایط گوناگون اقلیمی، سرزمینی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و غیره نوعی یکسان‌سازی در نظر گرفته است.
- در این الگو توسعه افقی و پراکنده شهری مطرح شده است، در حالی که تقریباً در تمامی نظریه‌ها و الگوهای معاصر شهرسازی جهان اجماع جدی برای شهر فشرده (تراکم متوسط حدود چهار طبقه) وجود دارد. دلیل این امر منافع همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- تأسیساتی است. ضمناً این الگو مطابق الگوی پهن‌دستی در حومه‌هاست که شرط اصلی آن مالکیت خودرو است؛ لذا این پرسش پیش می‌آید که این طرح برای چه گروه‌های هدفی است؟
- در دهه‌های اخیر شهرسازان ایرانی بر بوم‌گرایی یا شهرسازی زمینه‌محور تأکید خاصی داشته‌اند. در ایده پیشنهادی جایگاه شهرسازی بوم‌محور که از قضا تأکید آن بر الهام گرفتن از بافت‌های تاریخی شهرهای ایران می‌باشد، مغفول مانده است.
- در این ایده مشخص نیست که ساکنان مجموعه‌های جدید شهری از روستاهای مجاور مهاجرت می‌کنند یا از شهرهای کشور. با عنایت به این‌که در متن ایده به مهاجرت معکوس از شهر به روستا اشاره شده است به نظر می‌رسد قرار است میلیون‌ها نفر از شهرهای بزرگ و متوسط به این مجموعه‌ها مهاجرت کنند. در این صورت تکلیف بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهرهای بزرگ چه می‌شود؟ آیا قرار است این بافت‌های فرسوده، فرسوده‌تر و خالی از سکنه شوند؟ با این تعارض چه باید کرد؟
- توصیه می‌شود ایده به مورفولوژی و ریخت‌شناسی ورود پیدا نکند و در مرحله بیان مناسبات باقی بماند.

- در این ایده به نحوه تأمین زیرساخت‌ها و خدمات عمومی ورود قابل قبولی نشده است. تجاربی مانند مسکن مهر (اتفاقی با تراکم مسکونی و جمعیتی بالاتر و پراکندگی نسبتاً کمتر) با گذشت سال‌ها و دهه‌ها با مشکل نبود زیرساخت‌ها و خدمات لازم درگیرند.

#### سایر موارد

- از منظر روش‌شناسی زمانی که از الگو صحبت می‌شود، باید توجه گردد که الگو برای خود سازه مشخصی دارد. هر الگو از سه جزء تشکیل می‌شود. ارزش‌ها، چارچوب و فرایند و در ادامه نحوه مدیریتی که برای الگو مطرح می‌شود و درنهایت پایش و ارزیابی؛ یعنی مکانیسم باید جامع و یکپارچه ارائه شود.
- در این ایده چهار معیار برای ارزیابی الگو ارائه گردید که توصیه می‌شود این چهار معیار در سطحی بالاتر و در چارچوب مفاهیمی مانند اثربخشی، کارایی، مطلوبیت، قدرت الگو، پیوستگی، قابلیت تعمیم، انعطاف‌پذیری، مشروعیت و واقع‌گرایی، ارزیابی مجدد شوند.
- لازم است هر معنا در چهار سطح دانش از جمله: آنتولوژی (هستی‌شناسی)، اپیستمولوژی (معرفت‌شناسی)، ایدئولوژی (تفکرات جهان‌بینی) و درنهایت متدولوژی (روش‌شناسی) بررسی شود. در این ایده لازم است به هر چهار سطح توجه کافی گردد.
- شهر بازتاب محتوا است و دارای نظام‌های پیچیده آشکار و پنهان است که شهر را هدایت می‌کنند. شهر را صرفاً نمی‌توان در بعد کالبد عینی تجسم کرد (سایر موارد از جمله مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و نظام قدرت و... مغفول مانده‌اند). لازم است ابعاد دیگر تأثیرگذار بر چرخه مصرف‌کنندگان مورد توجه قرار گیرد.

## پیوست ۱: الگوی «زیست‌شهر»‌های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی

### الگوی «زیست‌شهر»‌های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی

عباس جهانبخش<sup>۱</sup>، محمدصالح شکوهی بیدندی<sup>۲</sup>

\* دکترای معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان، a.jahanbakhsh@au.ac.ir

\*\* دکترای شهرسازی و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، نویسنده عهده‌دار مکاتبات، shokouhi@iust.ac.ir

#### چکیده

معماری و شهرسازی خنثی نبوده و می‌تواند بسترساز پرورش انسان و جامعه‌ی خاصی شود. انسان و جامعه‌ی مطلوب، بر اساس ارزش‌های فرهنگی هر اجتماعی تعریف شده و الگوها و نظریات معماری و شهرسازی با اتکا به ارزش‌ها، خلاقیت انسانی و تجربه‌نگاری نمونه‌های منتخب، بازتعریف و بهینه‌سازی می‌شوند. لذا در مقابل سبک کنونی شهرسازی کشور که متأثر از الگوی مدرنیستی غرب است، می‌توان به الگوهای اندیشید که ارزش‌هایی نظیر «خانه‌ی مولد»، «تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت»، «نظام اجتماعی مبتنی بر اخوت»، «کاهش قیمت زمین»، «عدالت فضایی و رفع جدایی‌گزینی»، «خانواده بنیانی»، «مسکن وسیع»، «مسجد محوری» و «محلّه مقیاسی» را پاس دارند. ایده‌ی «زیست‌شهر» تلاشی برای نیل بدین ارزش‌هاست. این الگوی پیشنهادی در قالب مجتمع‌های زیستی-معیشتی و با توجه به مولفه‌های سبک‌های بومی و همچنین مطلوبیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی ارائه شده‌است. طراحی زیست‌شهر تلاشی برای بازتعریف الگوی ساخت در محلات و شهرک‌های جدیدالتاسیس است، به‌نحوی که دربرگیرنده‌ی واحدهای مسکونی یک‌طبقه‌ی وسیع و مولد باشد، خدمات شهری را تدارک ببیند، و بستر توان‌مندسازی خانواده‌ها و امکان شکل‌دهی و هویت‌دهی به محیط توسط ساکنان را فراهم گردد. با این‌حال، تحقق این ایده نیازمند انجام مطالعات امکان‌سنجی است. چهار مسأله اصلی برای امکان‌سنجی عبارتند از: مسأله زمین و کمبود آن، مسأله تأمین آب و انرژی، مسأله هزینه‌های اجرایی و ساخت‌وساز و درنهایت بررسی ظرفیت‌های قانونی.

یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر تأمین زمین، ایده‌ی زیست‌شهر می‌تواند جمعیتی معادل کل کشور را در وسعتی معادل ۲٪ مساحت ایران اسکان دهد. از نظر تأمین آب و انرژی راهکارهایی برای طراحی پایدار زیست‌شهر وجود دارد که در مقاله تبیین شده‌است. هزینه‌های فنی و اجرایی نیز برای هر واحد مسکونی، معادل مسکن مهر خواهد بود. این الگو می‌تواند علاوه بر اصلاح الگوی شهرها و شهرک‌های نوپنیا، بستری برای مهاجرت معکوس به روستاها و ایجاد توازن و تمرکززدایی در آمایش سرزمین را فراهم نموده و به‌عنوان پیشرانی برای اصلاح شهرها و روستاهای موجود ایفای نقش نماید. واژگان کلیدی: معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی، زیست‌شهر، آمایش عادلانه سرزمین.

#### ۱- مقدمه: روش، مبانی و سازمان تحقیق

مقاله پیش رو بر اساس چهارچوب مفهومی «فلسفه نظام ولایت» (حسینی الهاشمی، ۱۳۷۰-۱۳۶۹ و ۱۳۷۰-۱۳۷۲؛ میریاقری، ۱۳۸۲-۱۳۸۳) تدوین شده است. بر اساس این دستگاه فکری، مبانی و اصول زیر مغروض است<sup>۱</sup>:

- رابطه بین «علوم و فناوری‌های کاربردی» با «فرهنگ» رابطه خادم با مخدوم است. بدین معنا که فرهنگ، انسان و جامعه شایسته را تعریف کرده و علوم، فناوری‌ها و هنرهای کاربردی، خود را برای تسهیل تحقق چنین انسانی مهیا و بهینه می‌کنند<sup>۲</sup> (جهانبخش و شیخ العراقرین زاده، ۱۳۹۸).

- برای تعریف انسان و جامعه آرماتی که با نگاه فوق، پیشران اصلی در تحول علوم و محصولات اجتماعی خواهد بود، منبع اصلی نمی‌تواند «حس و تجربه» باشد، چرا که تجربه از وقوع چیزی در گذشته خبر می‌دهد و این

<sup>۱</sup> بدیهی است هر کدام از این اصول و پیش فرض‌ها جای تفصیل و بحث بیشتری دارند که در مقالات ارجاع داده شده مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

<sup>۲</sup> این نسبت در نگاه‌های بوزنیویستی معکوس بوده و این فرهنگ است که موظف می‌باشد از علوم حس-تجربی تبعیت نماید (رک: نظریه دست مرئی معماری، لوکوربوزیه).

- آینده آرمانی هنوز محقق نشده که دست تجربه به دامان آن برسد. منابعی همچون تخیل، شهود، کهانت یا ... معمولاً چنینی رسالتی را برعهده دارند و بدین سان است که هنر و حتی ادبیات و داستان‌های تخیلی می‌توانند پیشران و جهت دهنده به علوم و فناوری‌های آتی باشند.
- برای رسیدن به علوم و فناوری‌ها و محصولات با قید اسلامی (از جمله شهر اسلامی) این منبع اصلی، وحی است (رضوی، ۱۳۹۸) که از طریق نیایی که نبی از آینده می‌آورد و یا مطلوبیت‌هایی که شارع انشا می‌کند، راهبری جریان‌های تاریخی و اجتماعی را برعهده می‌گیرد. و ما از طریق نقل حاوی این وحی بدان دسترسی داریم.
  - لذا اولین بخش در هر نظریه‌پردازی در علوم کاربردی، اخذ تعریف کمال و نقص پدیده‌ها از منابع معتبر و حیاتی است (رضوی، ۱۳۹۸).
  - رجوع به منابع معتبر نیز خود نیاز به روشهای معتبر دارد، (پیروزمند، ۱۳۹۷) بدون تسلط به این مهارت‌ها که هسته اصلی علم اصول فقه را تشکیل می‌دهند و بدون ارائه یک دستگاه فکری منسجم، استنباط آیات و روایات از خطر افتادن به دام اخباری‌گری یا دچار شدن به انواع استحسانات و قیاسهای منهی شارع در امان نیست (جهانبخش، ۱۳۹۸).
  - متخصص شدن در هر دو عرصه یعنی هم عرصه اصول فقه که تخصص رجوع و استنباط از منابع اسلامی را فراهم می‌سازد و هم عرصه دانش، فناوری یا هنر تخصصی‌ای که برای سازگار شدن با فرهنگ اسلامی قصد بهینه کردن آن را داریم، امری دشوار است و معمولاً از عهده یک پژوهشگر خارج.
  - لذا نیازمند «سازمان تحقیق» مناسب هستیم که بتواند بر اساس یک «روش تحقیق» امکان همکاری قاعده مند اهل این دو عرصه (معمولاً حوزه و دانشگاه) را فراهم سازد. چنین سازمان و روشی در منابع متعددی مورد بحث قرار گرفته است (رضوی، ۱۳۹۷؛ شیخ العراقین زاده و جهانبخش، ۱۳۹۶؛ رضایی، ۱۳۸۹؛ پیروزمند، ۱۳۹۷).
  - برای تحقق چنین همکاری قاعده مندی، ذیل درس فقه نظام عمران شهری که توسط آیت الله محسن اراکی از سال ۱۳۹۵-۱۳۹۳ تیم تحقیقی از متخصصان حوزوی و دانشگاهی شکل گرفت و احکام شرعی که وضع مطلوب شهر را ترسیم می‌کردند (گزاره های ارزشی و توصیفی) و همچنین احکام فقهی مرتبط با موضوع (گزاره‌های تکلیفی) از این طریق اخذ شدند. سوالات پاسخ نیافته تیم تحقیق ناظر به گزاره‌های ارزشی و فرهنگ حاکم بر شهر (رفیعی طباطبایی، ۱۴۰۰) و نیز ترسیم الگوی روابط سیاسی-اجتماعی مطلوب از منظر آموزه‌های اسلامی (مهدیزاده، ۱۳۹۷) و همچنین الگوی اقتصاد، معیشت و نظام تولید و توزیع مطلوب (کمالی، ۱۴۰۰) در تحقیقات گروهی، تکمیل و مورد استفاده واقع گردید.
  - پس از ترسیم وضع مطلوب، تحقیقاتی در زمینه تجربه نگاری داخلی و خارجی برای احصا و گمانه‌زنی راههای نیل به مطلوبیت‌ها انجام شد و بررسی‌هایی نیز در زمینه ظرفیت‌های حقوقی و قوانین موید و مانع صورت گرفت (مرتضوی شاهرودی و ملایی، ۱۳۹۹).
  - با طی این مراحل، زمینه برای ارائه یک الگوی شهرسازی و معماری فراهم گردید و الگوی زیست شهر با همکاری سازمان تحقیق طراحی و تدوین گردید.<sup>۳</sup>
- مقاله پیش رو نخستین گزارش نشر یافته از این فرایند طی شده است و می‌کوشد به اجمال مثالی از کاربرد این روش و سازمان را در نظریه‌پردازی در مورد شهر ارائه نماید. بدیهی است ظرفیت یک مقاله مجال گزارش کامل را

<sup>۳</sup> در اینجا لازم است از همکاری‌ها و کمک‌های فکری و مالی گروه‌ها و نهادهای زیر قدرانی و اسامی آنها اعلام گردد: کارگروه فقه نظام عمران شهری، مجمع محققین معماری و شهرسازی قم، دانشگاه هنر اصفهان، جهاد دانشگاهی قم، دبیرخانه دائمی شهر اسلامی شهرداری اصفهان، مرکز توسعه اطلاعات و همکاری‌های علمی فرهنگستان علوم اسلامی قم، مهندسين مشاور میان، مهندسين مشاور نقش کوثر، مرکز پژوهشی منیر و اندیشکده زیست شهر.

فراهم نمی‌سازد و امید است مکتوبات آتی توسط سایر همکاران تحقیق به تدریج این اجمال را تفصیل دهد.

## ۲- الگوی روابط حاکم بر زیست‌شهر

### ۲-۱- هویت شهر: انتظار از شهر و انگیزه‌ی احداث و توسعه آن

انسان موجودی مختار و برای تلاش نیازمند انگیزه است. از نخستین عوامل تاثیرگذار بر شهر، انتظاری است که شهروندان از شهر دارند. پاسخ‌های گوناگون به این سوال که «شهر با چه انگیزه‌ای ساخته شده و گسترش می‌یابد؟» می‌تواند منجر به حاکمیت مطلوبیت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلفی بر شهر شده و شهرهایی با «هویت» متفاوت را طلب و ایجاد نماید. در ادامه به پاسخ این سوال بر اساس آموزه‌های اسلامی به اختصار اشاره می‌شود:

اما از روایات برمی‌آید که گرایش‌های فطری برای تحقق عبادت کافی نیست. این گرایش‌ها باید تحت تربیت وحی و هدایت الهی قرار گیرند. مردم باید «گرایش‌های درونی» را در معرض «هدایت» الهی قرار دهند و این گرایش هدایت‌یافته را «هویت» خود دانسته و با آن به عبادت مشغول شوند: «فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ...» «تعلقات هدایت‌یافته» زمینه‌ساز تحقق عبادت‌های مؤمنین می‌شوند.

در قرآن کریم، هدف از خلقت انسان، عبادت خداوند عنوان شده است (ذاریات، ۵۲) و کمال انسان در این است که این هدف در سراسر زندگی او سرپا یابد نه فقط اعمال ویژه عبادی او (انعام، ۱۶۲) مهم‌ترین لازمه‌ی این عبادت، وجود تعلقات و گرایش‌هایی است که انسان را به پرستش خدا متمایل سازد. خداوند این گرایش را در انسان قرار داده و آن را «فطرت» نامیده است. (روم، ۳۰) لذا انگیزه محوری مؤمن برای حضور در حیات اجتماعی و عضویت در امت ولی، نه انتفاع فردی است، نه انتفاع اجتماعی. بلکه غرض محوری او، تمکن از عبادت خدا است. مؤمن با حضور در امت ولی خدا خود را به امام متصل می‌کند و همراهی با او در جهت بندگی خدا را «هویت» خویش قرار می‌دهد و از طریق این هویت، خدا را عبادت می‌کند. مؤمن برای یافتن هویت ایمانی (که شرط عبادت است)، نیازمند اتصال به ولی و قرار گرفتن در جمعی است که تحت هدایت ولی است.

هرچند عبادت، محتاج به هم‌نشینی و مجاورت جسمانی با امام نیست؛ و محل اصلی این اجتماع، قلوب و ارواح است؛ با این حال حدی از اجتماع حضوری با امام برای تعلم معارف و احکام و موضع‌گیری اجتماعی متناسب با خواست ولی لازم است. به همین دلیل سکونت در مکانی که موجب محرومیت از تعلیم معارف و احکام شود، تعرب و از گناهان کبیره محسوب می‌شود. ترجیح زندگی در ارتباط با اولیای الهی نسبت به عزلت‌گزینی بر همین مبناست. شهر، به‌عنوان محلی ثابت برای اجتماع انسان‌ها، امکان امتداد تاریخی عبادات و حفظ مناسک از خطرات مختلف را فراهم می‌سازد و برای امتی که به دنبال بروز رفتاری ممتد و تاریخی هستند، امنیت و ثبات در محل سکونت و دوام یک اولویت مهم است. انبیا و اولیای الهی نیز به دنبال ایجاد حریمی امن برای عبادت‌کنندگان بوده‌اند (ابراهیم، ۳۵). سکونت در شهرها می‌تواند هویت اجتماعی را تقویت و عبادت جمعی را تسهیل نماید؛ «شناخت و انس بین افراد» را گسترش دهد، بر «ترویج حکمت و علوم» و «اقامه ساختارهای زندگی موثر بر پرستش اجتماعی» تأثیر بگذارد. (رفیعی طباطبایی، ۱۴۰۰).

### ۲-۲- روابط سیاسی-اجتماعی مطلوب حاکم بر شهر اسلامی

چنانکه گذشت، هدف از حضور در شهر پیوستن به نظام ولایت اولیای الهی است. مفهوم محوری در روابط سیاسی مطلوب حاکم بر شهر اسلامی، مفهوم ولایت است که در مقابل مفاهیمی همچون سلطنت یا حکومت قرار می‌گیرد:

«تعبیر حکومت، اشاره به این دارد که آن کسی که در رأس قدرت است، یا آن جماعتی که در رأس قدرتند، حکم می‌کنند و جامعه و افراد مردم، حکم و فرمان آنها را اطاعت می‌کنند. یک تعبیر دیگر، تعبیر سلطنت است که به معنای مسلط بودن و مقتدر بودن و امور را در سلطه خود درآوردن است. در فارسی نیز همین تعبیر وجود دارد. مثلاً زمامداری، اشاره به یک جنبه از حکومت است؛ یا مثلاً حکمرانی و فرماندهی، هر کدام به یک جنبه اشاره می‌کند. در اسلام، بیشتر از همه بر روی کلمه «ولایت» تکیه شده‌است. هم در این جا و هم در آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» آیه‌ی ۵۵ سوره مبارکه مائده، بدیده حکومت را با نام «ولایت» بیان کرده است. ولایت، معنای عیبی است. اصل معنای ولایت،

عبارت از نزدیک بودن دو چیز یا یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تابیده میشوند و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» میگویند. ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت تماس و مستحکم یا یکدیگر. همه معنای که برای «ولایت» در لغت ذکر شده است - معنای محبت، معنای قیومیت و بقیه معانی، که هفت، هشت معنا در زبان عربی هست - از این جهت است که در هر کدام از اینها، به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد. مثلاً «ولایت» به معنای محبت است؛ چون محبت و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست. اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاق کلمه ولایت - معرفی می‌کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری از هم دارند. ... هر حکومتی که این طور نباشد، این ولایت نیست. ... اگر کسانی باشند که رابطه آنها با مردم، رابطه ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه محبت و اتیانم و پیوستگی - این ولایت نیست. ... (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۷۶).

بنابراین رابطه بهینه برای جریان ولایت محبت و نزدیکی بین ولی و مردم از یک سو و رابطه محبت و اخوت بین خود مردم از سویی دیگر است. جامعه شهری نیازمند سطح و نوعی از روابط است که شکل‌گیری این شرایط را تسهیل کند. از چنین سطحی به تعبیر آیه سیزدهم سوره مبارکه حجرات (وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا) می‌توان به‌عنوان مقیاس تعارف یاد کرد. رسیدن به چنین جامعه‌ای در صورتی شکل گرفته و دوام خواهد داشت که با اختیار و آگاهی همراه باشد نه اجبار و اکراه یا فریب، که دوام این روابط را متزلزل خواهد ساخت. لذا رکن دوم روابط سیاسی حاکم بر شهر «مشارکت آگاهانه و هدایت شده مردمی» است.

اگر هدف اصلی یک اجتماع رسیدن به موقعیت یا وضعیت ثابت و مشخصی باشد که توسط بزرگان علمی یا روسای جامعه تصمیم گرفته شده و به مردم ابلاغ شده است، در این صورت مشارکت مردمی در حد اجرا باقی می‌ماند. اما اگر هدف اصلی رشد مردم باشد آنگاه دو عامل اختیار و آگاهی که لازمه‌ی این رشد است اهمیت یافته و لذا مشارکت از سطح مشارکت در اجرا به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های اجتماعی ارتقا خواهد یافت.

### ۳-۲- سلول و بنیان جامعه شهری

سلول جامعه‌ای که بر اساس رویکرد سرمایه‌داری بنا می‌شود، شرکت است. در نظام سرمایه‌داری مهم‌ترین مسأله، امنیت سرمایه و سودآوری آن است. ابزاری به نام شرکت به‌عنوان یک عقد لازم در نظام سرمایه‌داری باعث تفکیک مالکیت از مدیریت شده و تضمین‌کننده امنیت سرمایه می‌شود و امکان تجمع سرمایه را فراهم می‌نماید<sup>۴</sup>. به همین دلیل در جریان صنعتی شدن و رشد شهرنشینی، با کوچک شدن خانه‌ها، نقش‌های خانواده به نهادهایی واگذار شد که می‌توانستند در چرخه‌ی رقابت اقتصادی قرار گرفته و به رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) کمک نمایند. برون‌سپاری نقش‌هایی همچون پخت‌وپز و مدیریت تغذیه، تفریح و دورهم‌نشینی، برگزاری مراسم‌ها و ... باعث تضعیف پیوندهای خانوادگی می‌شود. حتی برای واگذاری وظایف و تأمین نیازهای جنسی نیز نهادها و فضاهایی در تمدن غرب طراحی شده و فعالیت می‌کنند. در مقابل در تمدن مطلوب اسلامی، خانواده سلول بنیادین جامعه محسوب می‌شود و «همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». (اصل دهم قانون اساسی)

خانواده یکی از پایگاه‌های اصلی هویت‌بخشی در جامعه است و مرکز پرورش انسان می‌باشد. بر این اساس با بازگرداندن نقش‌های خانواده می‌توان پیوندها را تقویت کرد و خانواده را به‌عنوان نهادی بنیادین که به رشد و تأمین نیاز با کرامت افراد کمک می‌کنند به جایگاه مطلوب رسانید. البته ایجاد خانواده گسترده و بازگرداندن نقش‌های مختلف به آن، چنانچه بدون توجه به گسترش روابط ایمانی و محله‌محوری و مرکزیت مسجد انجام گیرد به تعصب و عصبیت قومی تبدیل

<sup>۴</sup> برای مطالعه بیشتر رک به حسینی الهاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۷۸). علل و عوامل ناهنجاری‌ها (ج ۱). قم: پورتال فرهنگستان علوم اسلامی. کد جلسه: ۰۰۱۴۲۵۰۰۱.

می‌شود.

#### ۴-۲- رابطه با طبیعت

بر اساس آموزه‌های اسلامی هماهنگی و تناسب بین جهان تکوین و عالم تشریح وجود دارد و محیط مصنوع چنانچه مطابق با تشریح (آموزه‌های وحیاتی) احداث گردد نه تنها در هماهنگی با طبیعت و جهان تکوین قرار می‌گیرد بلکه می‌تواند ارتقا بخش و آبادکننده‌ی آن نیز باشد: «هُوَ آتِشَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (بخشی از آیه ۶۱ سوره مبارکه هود). لذا رابطه صحیح با طبیعت در این نگاه را می‌توان از «تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت» ذکر نمود.

درمقابل، آنچه امروز برای شهرهای جهان بحران محسوب می‌شود، گسستن تدریجی پیوند میان انسان شهرنشین و طبیعت است. توسعه بیش از حد در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی موجب استغاده بیش از حد منابع طبیعی شده و در کشورهای مستضعف نیز، تبدیل شدن به بازار مصرف و استثمار از سوی کشورهای صنعتی سبب گردیده تا بخش بزرگی از مواهب طبیعی تخریب شود. و البته این تخریب، آسیب به جسم و روان انسان را نیز به دنبال خواهد داشت. (Moir et al., 2014).

#### ۳- ویژگی‌های کالبدی و عناصر مطلوب زیست‌شهر

##### ۱-۳- محله مقیاسی با مرکزیت مسجد، عامل اصلی هویت‌بخشی به شهروندان

یکی از ارکان فرآیند هویت‌سازی، محله‌مقیاس کردن زندگی عمومی است. رعایت مقیاس تعارف و آشنایی بیشتر انسان‌ها با همدیگر و ایجاد تعلق و حس مسئولیت نسبت به یکدیگر، باعث تقویت هویت و یکپارچگی اجتماعی می‌شود. بنابراین ساختار محلات می‌تواند به نحوی طراحی گردد که با تعریف مرز و مرکز مشخص و برخوردار بودن از تنوع خدمات کافی، ایجاد هویت محلی برای ساکنین نماید از مراجعات مکرر به خارج از محله بکاهد؛ به‌نحوی که در یک روز فعالیت عادی اکثر افرادی که با هم مراوده دارند با یکدیگر آشنا باشند و شناخت کافی که مقدمه نظارت و دست‌گیری اجتماعی است فراهم گردد. تأمین نیازهای روزمره چنانچه در مقیاس محلی انجام شود، همچنین زمینه را برای تأمین کربمندی نیازها فراهم‌تر می‌کند. آدابی همچون نسبه دادن یا تأمین داوطلبانه‌ی مایحتاج همسایگان، در مال‌ها و هاپیرمارکت‌ها و مجتمع‌های بزرگ مسکونی که پر از انسان‌های غریبه و رفتارهای ربانی و ماشینی است به سهولت رخ نخواهد داد. در تمدن و جامعه مطلوب اسلام، فضای محور و جمع‌کننده مردم، «مسجد» است. مساجد، مقرّ امامت، بیت الامام، بیت خلافت الهی و مقرّ رهبری الهی روی زمین است. مردم به وسیله مساجد، با امامت پیوند می‌خورند و از این طریق اقامه وجه الله حاصل می‌شود (برگرفته از درس خارج فقه المسجد، آیت‌الله‌اراک‌ی ۱۳۹۳).

از منظر تاریخی اولین جامعه اسلامی را می‌توان در تأسیس مدینه‌النبی به دست پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مشاهده نمود. در شرایطی که بسیاری از مهاجرین از داشتن خانه و سرپناه محروم بودند، پیامبر مسجدالنبی را تأسیس نموده و بی‌خانمانان در صفه جای گرفتند و مسجد تبدیل به فضای اجتماع مؤمنین حول ولایت پیامبر گردید.

در پی بروز تغییر اساسی در جهان‌بینی‌ها و ارزش‌های جامعه غربی در رنسانس، بشر دیگر نه فرمان‌های الهی بلکه یافته‌ها و ساخته‌های عقل خودبنیادش را راهنمای زندگی اجتماعی نمود و فراتسیس بیکن در آتلانتیس‌نو، مرکزیت شهر را به جای «معبد یا کلیسا» به «دانش‌گاه» داد. همین روند در طراحی مراکز محلات نیز ادامه یافت و از زمان پیشنهاد واحد همسایگی توسط کلارنس پری در دهه ۱۹۲۰، دبستان به مرکز محله تبدیل‌شد. این امر در شهرهای معاصر ایران نیز قابل مشاهده است (Jahanbakhsh & Aminpoor, 2018). بررسی میانی نظری و سیره‌ی نبوی، نشان می‌دهد برای ایجاد جامعه اسلامی از مهم‌ترین راهکارها، احیای نقش اجتماعی مساجد است و پیشنهاد می‌شود به جای تمرکز بر «شبکه معابر»، در طراحی شهرهای معاصر ایران بر «شبکه مساجد» تأکید شده و شهرها با مرکزیت مساجد جامع به محلاتی تقسیم گردند که هر محله خود به مرکزیت مسجد محله شکل گرفته است.

برای رسیدن به ساختار شهری محله‌محور با مرکزیت مسجد -به‌مثابه قلب محله- و ایجاد جامعه اسلامی حول مساجد، نهاد مسجد باید به نحوی با سایر نهادهای اجتماعی تلفیق یابد که به مرور نیازهای اساسی و روزمره خانوارها به محوریت



مساجد محله تأمین شود و تلفیق فعالیت‌هایی همچون قرض‌الحسنه، ایجاد اشتغال، اداره‌ی محلات، فعالیت‌های محرومیت‌زدایی و ... با فعالیت‌های مساجد، بتواند زمینه پیوند دین و دنیا به محوریت دین را بیش‌ازپیش فراهم سازد. شبکه مساجد در این نگاه، شبکه جریان اراده ولی عادل در سطح جامعه است.

در حال حاضر حدود ۷۰ هزار مسجد در سطح کشور وجود دارد که سرمایه معنوی و مادی-کالبدی مناسبی را برای ایجاد محلاتی به محوریت مساجد، فراهم می‌سازند.

### ۳-۲- عدالت فضایی و رفع جدایی‌گزینی

برقراری رابطه اخوت و محبت میان شهروندان، منوط به این است که ساختارهای اجتماعی از جمله فضای کالبدی، رقابت و طمع فردی را به روابط محوری جامعه تبدیل نکنند. در نقطه مقابل، طرفداران نظریه اجتماعی بازار معتقدند که برای پویایی جامعه ضروری است با ایجاد احساس رقابت و نمایش داشته‌ها در فضای کالبدی، افراد کمتر برخوردار را به کار و تلاش بیشتر واداشت. لذا هم در سطح شهرسازی جدایی‌گزینی طبقاتی ممدوح جامعه بازار است و هم در سطح معماری و طراحی داخلی، تهرج ثروت و تمایز و درخشش افراد برخوردارتر باید رخ دهد. در مقابل در شهرسازی اسلامی در سطح کتان، عدالت فضایی مطلوب بوده و تفاوت بین مناطق شهری مانع روابط مؤمنانه و همدلانه تلقی می‌شود و در سطح خرد نیز ظاهر و سیمای بیرونی بناها تفاوت سطح اقتصادی را پوشیده داشته و دیگران را تحریک و تحقیر نمی‌کنند. در روایات نیز روحیه تهرج و خودنمایی سیمای ساختمان‌ها به شدت نهی شده‌است. از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله روایت است که می‌فرمایند: «مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِيَاءً وَ سَمِعَهُ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى سَبْعِ أَرْضِينَ، ثُمَّ يَطْوِقُهُ نَارًا تَوْقَدُ فِي عُنُقِهِ، ثُمَّ يَرْمِي بِهِ فِي النَّارِ، فَيَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَ سَمِعَهُ؟ قَالَ: يَبْنِي فُضُلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ أَوْ يَبْنِي مَبَاهَةً؛ كَسَى كَخَاتَمِ الْكَافِرِ أَوْ رِيًّا وَ يَأْشُرُ بِنَا كُنْدَ، أَنْ رَأَى فِي رُؤْسِ قِيَامَتِهِ تَأْهِتَ زَمِينَ حَمَلٌ مِي كُنْدَ، سَبَسَ بِهِ كُرْدَنَ مِي أَوْبَزِدَ فِي حَالِي كَه بِهِ صُورَتِ أَتَشِ افْرُوخْتَه مِي كُرْدَدَ، سَبَسَ بِهِ دَاخِلِ أَتَشِ اِنْدَاخْتَه مِي شُودَ. رَاوِي كُويَدَ: اَز حَضْرَتِ رَسُوْلِ صَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَسَلَّمَ پُرْسِيْدِيْم: چگونگی خانه را ریایی و برای شهرت بنا می‌کنند؟ حضرت فرمود: بیش از کفایت خود یا برای فخر فروختن به دیگران خانه می‌سازند» (وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۳۳۹). این حدیث همچنان می‌تواند دلالت بر پرهیز از اسراف هم داشته باشد. امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند: «مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَلْفَ حَمَلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ أُنْجَبَ شَخْصٌ بِبَيْتٍ مِنْ أَتْدَاوَه مَسْكُنَتِهِ بِنَا مِي كُنْدَ، فِي رُؤْسِ قِيَامَتِهِ مَجْبُورٌ مِي شُودَ أَنْ رَأَى حَمَلٌ كُنْدَ» (وسائل الشیعه، جلد ۴، ص ۵۸۷).

بدین ترتیب، در الگوی زیست‌شهر جدایی‌گزینی طبقاتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، اگر زیست‌شهر صرفاً مسکن محرومین محسوب شود، از نظر کرامت انسانی برای خانواده‌های کم‌بضاعت نامطلوب خواهد بود. به همین دلیل تکرار الگوهای نظیر مسکن مهر بایستی با تغییر در ترکیب جمعیتی رخ دهد. اختلاط اجتماعی میان دهک‌های مختلف درآمدی می‌تواند فرصت‌هایی را برای تعاون و همیاری فراهم کند. نماها و بدنه‌های شهری نیز بر مبنای هماهنگی و تهرج نکردن طراحی می‌شوند.

### ۳-۳- کاهش قیمت زمین

یکی از عواملی که باعث کاهش عدالت اجتماعی در ایران شده سوداگری در زمین و افزایش قیمت آن است. شکل کنونی قیمت زمین هم از نظر اقتصاد غربی و هم از نظر شرعی و انقلابی شکلی نامطلوب باشد. در کشورهای غربی راهکارهایی نظیر منع معاملات مکرر و وضع مالیات بر املاک و مستغلات برای داغ کردن زمین در نظر گرفته می‌شود تا زمین از کالایی سرمایه‌ای به کالایی مصرفی بدل گردد. در نگاه اسلامی نیز، مثلاً برای کاربری‌های تجاری روایاتی مطرح شده که اثر اجرای آن‌ها می‌تواند حذف قیمت زمین از بهای تمام شده‌ی همه‌ی کالاها باشد. برای نمونه پیامبر (ص) فرمودند «هذا سوقکم لا تتحجروا و لا یضرب علیه الخراج» (سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی؛ ج ۲؛ ص ۲۵۷). این بازار شماس، سنگ نجینید (ساختمان نسازید) و از آن کرایه و خراج هم نگیرید. در نمونه‌ای دیگر، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «سوق المسلمین کمسجدهم فمن سبق الی مکان فهو أحق به الی اللیل». (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۲۵) بازار مسلمین مانند مسجدشان است، لذا همینطور که در مسجد به مقدار احتیاج شخص حق سبق دارد، در بازار هم اگر کسی جایی را اشغال

کرده و می‌خواهد کسب و کار کند، او هم به مقدار احتیاجش حق تقدم دارد.

در آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز، حذف قیمت زمین مورد توجه بوده است. برای نمونه امام خمینی در فرمان تشکیل نخستین نهاد سازندگی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) در جمهوری اسلامی می‌فرماید: «... در این طرح به هیچ وجه پولی در برابر خرید، زمین پره‌تخت نشود» (امام خمینی، ۵۸/۱/۳). البته این به معنای نفی ضرورت مقابله با زمین‌خواری نیست، بلکه باید بین دو خط قرمز زمین‌خواری و احتکار زمین، بستر احیای منضبط زمین فراهم گردد.

#### ۴-۳- معماری مشارکتی

بسترسازی برای رشد اجتماعی، با کمک مشارکت ساکنان هم در تصرف در محیط و هم در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیریت سکونت‌گاه‌ها تسهیل می‌گردد. این نوع مشارکت مردم، باعث احساس تعلق و پیوند با محیط شده و به فضای کالبدی هویت خاص می‌بخشد. در نقطه مقابل اجرای طرح‌ها با تصدی‌گری دولتی و یا اتبوه‌سازی متمرکز شرکت‌های خصوصی علاوه بر سلب امکان مشارکت مردمی به کاهش کیفیت و افزایش فاصله طبقاتی خواهد انجامید. پاری‌گری و مشارکت عنصری مهم در هم‌افزا کردن فعالیت‌های انسانی است. منظور از پاری‌گری "یکی بودن و همسویی کوشش‌های دو یا تعداد بیشتری از افراد برای دستیابی به هدف یا اهداف معین با نیت و منظوری واحد یا متفاوت است" (فرهادی، ۱۳۹۱). در ادبیات شهرسازی غرب نیز دخالت دادن اجتماع در تصمیم‌سازی محیطی مورد تأکید است، ولی غلبه نگاه‌های سرمایه‌داری به‌ویژه در کلان‌شهرها تحقق این امر را با دشواری مواجه ساخته است.

#### ۵-۳- شهر پویا و هم‌افزایی دانشی

برای زنده و پویا بودن شهر بهترین راه مشارکت مردم در بهبود و ارتقای مستمر کیفیت زیست و محیط زندگی است. از آنجا که چنین مشارکتی نیازمند «ارتقاء سطح دانش و مهارت ساکنین» است؛ لازم است فضای مناسب و کافی برای شکل‌گیری یک چرخه دانشی وقف پایه با محوریت مساجد، در مقیاس محلی تأمین شود تا مدیریت دانش ساکنین منتج به ارتقاء کیفیت زیست و محیط زندگی گردد. در عرصه اطلاع‌افزایی پاری‌گری و مشارکت هم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هر فرد از طرق فعالیت‌های تحقیقاتی، مطالعات، تجربیات روزمره، استادان و مربیان خود و ... به دانش‌هایی دست پیدا می‌کند که دیگران الزاماً آن را در اختیار ندارد و در نتیجه نمی‌توانند نیازهای خود را تأمین کرده و از این منظر دچار ضعف می‌گردند. اشتراک‌گذاری دانش و مشارکت در اطلاع‌افزایی از جمله راه‌های مهم در توانمندسازی احاد جامعه است. مشارکت در اطلاع‌افزایی همچنین سبب می‌شود که انحصار اطلاعات در دست افراد خاص شکسته شود و عدالت فرهنگی متناسب با نظام امامت-امت برقرار گردد. برای این منظور کالبدهایی نظیر کارخانه نوآوری و شبکه کتابخانه‌های محلی را می‌توان پیشنهاد داد، مشروط بر اینکه این نهادها برای ارائه کارآمدی‌های فوق بهینه شوند. (شیخ العراقین‌زاده، ۱۳۹۹)

#### ۶-۳- توسعه افقی

الگوی مدرنیستی پنج دهه‌ی اول قرن بیستم (که در ایران نیز تا کنون مینا قرار گرفته) به بلندمرتبه‌سازی مسکن معتقد بوده است، زیرا باور بر این بوده که از این طریق زمین بیشتری حفظ می‌شود و طبیعت صدمه‌ی کمتری می‌بیند. اما برخلاف شعار اولیه، تراکم شدید و ساخت آسمان‌خراش‌ها، آسیب‌های زیادی را به طبیعت وارد نموده است. این الگو اقتضای استفاده از مصالح با آب پنهان و انرژی نهفته بسیار بالاتر از مصالح طبیعی و ساده‌ای را دارد که قابل استفاده در توسعه عمودی و برج‌سازی‌ها نیستند. بناهای بلند، مانع جریان باد و مانع دیده شدن آسمان شدند و در کلان‌شهرها بر معضل فرونشست زمین افزودند.

از نظر اسلامی نیز، مسکن بلندمرتبه الگوی مطلوبی به حساب نمی‌آید. بلندمرتبه‌سازی از یک سو امکان اشراف و رعایت نشدن محرمیت را پدید می‌آورد و از سوی دیگر موجب تضعیف یا تعطیلی سنت‌های مستحب می‌شود. آیت‌الله اراکی معتقد است که سنت‌های شرعی در شهری که ساختمان‌های بسیار بلند داشته باشد و روند ساختار شهری به سمت خطوط عمودی باشد اساساً امکان عمل و اجرا پیدا نمی‌کند و این وضعیت منجر به ترک سنت خواهد شد. اراکی تأکید می‌کند هر روش، کار، رفتار و عملی که منجر به تعطیلی سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شود ممنوع است. خود

عمل به مستحب، مستحب است اما کاری که موجب ترک مطلق مستحب شود و موجب تعطیل سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شود حرام و ممنوع است. براین اساس، اگر بنا باشد که ساختمان‌های بلند ساخته شود، «قل انظروا»<sup>۵</sup> عملی نخواهد شد. سیاق آیه دلالت دارد که این طور نیست که در طول عمر یک بار نگاه کنید که آسمان و زمین چه چیزی دارد، بلکه معنی آیه این است که این نظر و تدبیر در آسمان و زمین کار معمولتان باشد. براین اساس می‌توان گفت بلندمرتبه‌سازی با هویت شهر اسلامی سازگار نیست (اراکی، ۱۳۹۷).

مطالعات دیگر نیز ساخت‌وساز بلندتر از حد تعارف را از جهت مالکیت فضای محاذی مورد بحث قرار داده‌اند و توضیح داده‌اند که از نظر فقهای معاصر، مالکیت فضای بالای زمین اشخاص، فقط در حد متعارف در اختیار صاحب زمین خواهد بود و فضای بالاتر از حد عرف، به عموم تعلق دارد (آرامی و دیگران، ۱۳۹۸).

البته این به معنای تایید توسعه افقی نامحدود و تمرکزگرا نیست بلکه توسعه افقی بایستی به صورت محدود، متوازن و شبکه‌ای انجام شود.

#### ۴-۶- اقتصاد و معیشت زیست شهر

در دوران مدرنیسم (پنج دهه‌ی ابتدایی قرن بیستم میلادی)، معماران بر این باور بودند که انسان‌ها سه نیاز اصلی دارند: سکونت، فعالیت و فراغت. بنابراین، چهار کاربری را برای هر شهر در نظر می‌گرفتند: پهنه‌ی مسکونی، پهنه‌ی کار و فعالیت، پهنه‌ی تفریح و فراغت و نیز فضاهای ارتباطی و دسترسی میان سه پهنه‌ی پیش‌گفته (استروفسکی، ۱۳۹۰). اعتقاد معماران مدرنیست در آن زمان بر این بود که باید میان این پهنه‌ها تفکیک قائل شد تا شهر کارکرد (اقتصادی) بهتری داشته باشد. در این نگاه، مسکن به فضایی مخصوص خواب تبدیل شد و برای نمونه لوکوربوزیه (معمار سوئیسی-فرانسوی) خانه را در طرح‌های خود «سلول» می‌نامید. درحالی‌که در گذشته در کنار سکونت، فعالیت‌های تولیدی نیز در خانه‌ها اتفاق می‌افتاد، در این زمان تلاش شد تا کار و فعالیت از فضای سکونت جدا شود. در دهه‌های بعدی (۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) انتقادات زیادی به این جدایی‌گزینی فعالیت‌ها مطرح شد و از جمله افرادی نظیر جین جیکوبز (نویسنده‌ی امریکایی) این الگو را به خاطر از بین بردن سرزندگی شهری، کاهش امنیت شهر در ساعات مختلف (خلوت شدن مناطق مسکونی در ساعات کاری و خلوت شدن مناطق کار و فعالیت در ساعات شب) و جدا شدن افراد از خانواده‌ها مورد نقد قرار دادند. با این حال تا امروز نیز پهنه‌بندی مسکن، خدمات و فضای سبز، کمابیش مشابه الگوی معماران پنج دهه‌ی اول قرن بیستم در بسیاری از برنامه‌های توسعه شهرهای ایران دنبال می‌شود.

خروج کاربری‌های گوناگون از خانه با کوچک شدن مسکن سازگار است. مسکن حداقل بین مدیران شهری، طرفداران زیادی دارد و برنامه‌های مسکن دولتی، تلاشی برای امتزاج فضای کار و فعالیت با فضای سکونت ندارند و به تشویق کوچک‌سازی مسکن می‌پردازند. برای نمونه در دهه‌ی ۱۳۷۰، شعار مسکن پاک مطرح شد که مخفف «پس‌انداز، اتوبه‌سازی و کوچک‌سازی» بود.

این در حالی است که مسکن کوچک در آموزه‌های اسلامی مطلوب نیست. برای نمونه روایت شده که: از زمینه‌های سعادت، وسعت منزل است.<sup>۶</sup> متقابلاً، دلایلی برای گرایش مسکن کوچک نیز وجود دارد (قال الباقر (علیه‌السلام): من سقاء العیش ضیق المنزل (وسایل‌الشیعه، باب ۲، حدیث ۲)). آیت‌الله اراکی استدلال می‌کند که حکومت چه به معنی وکیل و چه به معنی ولی وظیفه دارد تمام زمینه‌های انجام مستحبات را برای مردم فراهم کند. وکیل اجازه ندارد بر خلاف مصلحت موکل خود در اموالش تصرف نماید. به بیان دیگر برای مردم مستحب است که در خانه‌های وسیع زندگی کنند، و خرید خانه ضیق (کوچک) برای خود فرد مکروه است. اما برای دولتی که توانایی تامین مسکن وسیع دارد، اتخاذ

<sup>۵</sup> - اشاره به آیه ۱۰۱ سوره مبارکه یونس: «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا تُنْفِی الْآيَاتِ وَالنُّزُورِ ۚ عَنِ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» بگو: در آسمانها و زمین بنگرید تا چه مشاهده می‌کنید. و (گر چه) مردمی را که نخواهند ایمان آورند دلائل و آیات و بیم دانه‌های الهی هرگز سودمند نمی‌افتد.

<sup>۶</sup> - عن ابی عبدالله (علیه‌السلام): من السعاده سعۃ المنزل (وسایل‌الشیعه، ابواب احکام المساکین، باب ۱، حدیث ۱).

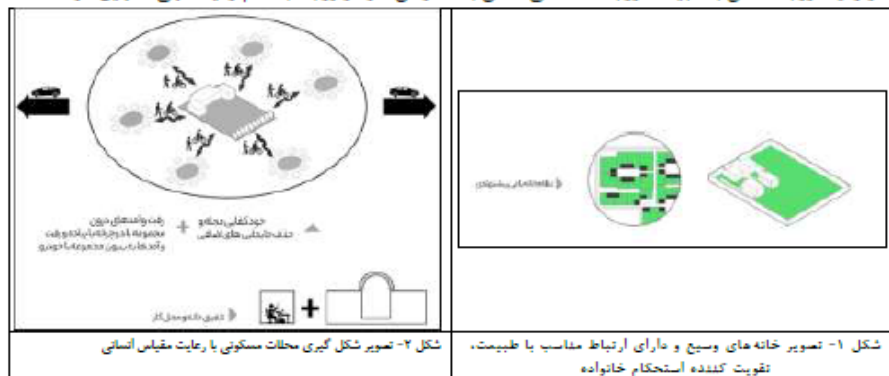
سیاست‌های ساخت مسکن حداقل، حرام است. (اراکي، ۱۳۹۳)

لذا در الگوی پیشنهادی سه کاربری اصلی فراغت، کار و سکونت حتی المقدور و به نفع خانه با هم ادغام می‌شوند. وسعت خانه به تبدیل مسکن از واحد مصرفی به خانه‌ی مولد، کمک می‌کند. در خانه‌ی مولد افراد می‌توانند در کنار سکونت، فعالیت‌هایی نظیر باغداری، پرورش دام سبک، طیور و ماهی، قالببافی و صنایع سبک خانگی را انجام دهند. در سال‌های اخیر اقتصاد بسیاری از کشورها به سمت کسب‌وکارهای خانگی و خانوادگی حرکت کرده که هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی موافقی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. این‌که افراد بتوانند بدون اجیر شدن در شرکت‌های بزرگ، به سادگی کسب‌وکاری را در خانه‌های خود آغاز کنند می‌تواند زمینه را برای کاهش بیکاری، افزایش درآمد خانوارها، مهارت‌آموزی کودکان و حفظ کرامت انسانی افراد فراهم کند و به دلیل ایجاد ساختارهای چرخه تولید تا مصرف، امنیت تأمین محصولات مصرفی خانواده (از قبیل انرژی، تغذیه و ...) را تضمین نماید و به افزایش توان پدافند غیرعامل منجر گردد. (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰)

به علاوه در الگوی زیست شهر، نهادهای همچون مزرعه پشتیبان، کارخانه نوآوری و شبکه کتابخانه‌های محلی؛ به نحوی در نظر گرفته شده که دانش لازم برای زیست در الگویی متفاوت را در اختیار ساکنان قرار دهد و دانش ضمنی تولید شده را نیز ثبت نموده و به اشتراک گذارد. رشد فعالیت زیست‌شهر اگر بر مبنای قواعد بازار و رقابت علمی (پتنت) صورت گیرد به رشد روحیه رقابت و فردگرایی در جامعه منجر خواهد شد و اگر بر مبنای شبکه‌ای متکی بر سازوکارهایی همچون وقف، احسان و ایثار (ایده‌ی تحقیق و توسعه‌ی (R&D) وقف) صورت پذیرد می‌تواند بستری را برای رشد روابط اجتماعی اسلامی فراهم سازد.

#### ۴- معرفی الگوی زیست‌شهر

در الگوی پیشنهادی تلاش شده تا فضای کالبدی به نحوی طراحی شود تا مطلوبیت‌های اسلامی ذکر شده در بخش قبل در زمینه روابط انسان با طبیعت، روابط اجتماعی انسان با هم‌نوعان خود و روابط با نظام ولایت الهی تسهیل گردد.



#### ۴-۱- خانواده به مثابه سلول جامعه

در این طرح خانه‌ها از وسعت کافی برخوردارند و به خانواده به‌عنوان سلول جامعه دینی استحکام می‌بخشند. در حالی‌که در شهرهای سرمایه‌داری، کوچک شدن خانه‌ها و انتقال خدمات از خانه به بازار، با هدف افزایش تولید ناخالص داخلی منجر به بازار شدن بخش‌های نابازار شده‌است.

در مقیاس بعدی نیاز به طراحی ساختاری است که قاعده‌مندی‌های اجتماعی را تعریف کرده و بر آن نظارت کند. در نظریه اجتماعی اسلامی بر رابطه یاری‌گری و ایثار و برادری تأکید می‌شود و نخستین پیوندهای اجتماعی در محله به محوریت مسجد شکل خواهد گرفت. با حفظ مقیاس تعارف در روابط انسانی امکان نظارت و دست‌گیری و حمایت اجتماعی برای افراد فراهم خواهد شد.

#### ۴-۲- ابعاد الگوی پیشنهادی

در تصاویر زیر، یک حیاط همسایگی و ۸ واحد که یک واحد همسایگی را تشکیل داده‌اند نشان داده شده‌است. این مجموعه از سه تیپ خانه تشکیل می‌شود که در مترهای ۴۰۰، ۸۰۰ و ۱۲۰۰ مترمربعی هستند؛ اما جابجایی به نحوی صورت گرفته که جدایی گزینی طبقاتی رخ ندهد و مساحت‌های مختلف در مجاورت همدیگر باشند. از لحاظ منظر شهری نیز بدون تبرج و خودنمایی و با اتکا بر هماهنگی و استفاده از زیبایی‌های عناصر طبیعی، سعی بر حفظ کرامت انسانی شده است. اما تفاوت درونی خانه‌ها به دلیل تفاوت در نیازها و نیز سطح دارایی‌ها وجود خواهد داشت.



به طور متوسط مساحت خانه‌ها هزار مترمربع شامل ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر زیربناست و مابقی زمین را حیاط و باغ تشکیل می‌دهد. چهل واحد مسکونی از هر جهت (اربعمون دارا من کل جانب) یک محله ۱۶۰ واحدی را حول مسجد جامع و خدمات محلی شکل می‌دهند.

#### ۴-۴- نحوه دسترسی سواره

دسترسی سواره تا نزدیک مرکز محله وجود دارد، اما در عین حال امکان آن هست که افراد پیاده به ویژه کودکان با کمترین برخورد با مسیر سواره به مرکز محله و بخش آموزشی دسترسی داشته باشند.



شکل ۶- نمایر محله  
شکل ۷- منظر عمومی محله، به عنوان واحد تشکیل دهنده شهر  
در مرکز محله ارتباط با طبیعت به طور گسترده‌ای وجود دارد. وجود عناصری نظیر کیبوترخانه بر ارتباط با طبیعت و حفظ و بهره‌برداری از آن تاکید می‌کند.



شکل ۸- طرح مرکز محله (مسجد، مدرسه، واحدهای فرهنگی-خدماتی و تجاری)

#### ۴-۵- روابط واحدهای تجاری

برای حفظ مقیاس تعارف ضروری است برنامه فیزیکی و سراته کاربری‌ها به نحوی محاسبه شود که تا حد ممکن برای نیازهای روزمره و هفتگی سفر به خارج از محله ضروری نباشد؛ ولی تامین نیازهای ماهیانه یا سالانه در سطح خارج از محله بلامانع است. متناسب با سلول بودن شرکت در جامعه سرمایه‌داری که در بخش قبل ذکر شد، بدنه قالب شهری در شهرهای معاصر را کاربری تجاری شکل می‌دهد؛ اما در الگوی پیشنهادی واحدهای تجاری محله به صورت گودال باغچه طراحی شده و در عین حال که دید و نور مناسب خود را دارد تبدیل به نما و بدنه قالب شهری نشده‌اند.



شکل ۹- محوریت بخش فرهنگی به جای بخش تجاری

دو قاعده فقهی در مورد بازار در این طرح مورد توجه قرار گرفته‌اند: تلقی رکبان و بیع حاضر للبادی. بر این اساس، ممنوع است که به استقبال کاروان تجاری یا روستایی رفته و اجناس آنها را قبل از رسیدن به شهر خریداری نماییم. به علاوه شهرنشینان حق فروش محصول برای روستائیان را ندارند. این بازار برهمین مبنا طراحی شده تا تولیدکنندگان بتوانند

محصولات خود را در بدون رات فضا، در این بازارها عرضه کنند.

#### ۴-۶- طراحی خانه مبتنی بر تولید و پرهیز از مصرف‌زدگی

تولیدات خانگی، خانه را از مصرف‌زدگی خارج می‌کند و غذای مصرفی را با نظارت بیشتری همراه می‌سازد. علاوه بر آن فرهنگ‌ساز و سنت‌ساز هم بوده و مقیاس محلی در تولید، امکان حمایت و دستگیری بیشتری را نسبت به تولیدات انبوه و متمرکز فراهم می‌کند. رسیدن به این ظرفیت برای خانه‌ها نیازمند بسترسازی و پیش بینی فضاهای مناسب است. طراحی انبار در مجاورت آشپزخانه می‌تواند عمل به روایات احراز القوت را تسهیل نماید. طبق این روایات مستحب است مومنین نیازهای ضروری سالانه خود را ذخیره کنند. بدیهی است در خانه‌های سلولی و کوچک این امر امکان پذیر نیست. عمل به این روایات، مقاومت اقتصادی و پدافند زیستی را تا حد بالایی ارتقا می‌دهد.



#### ۴-۷- ارتباط دائم خانه با طبیعت

خانه‌ها به نحوی طراحی شده اند که امکان ارتباط با طبیعت را فراهم سازند؛ عناصر طبیعی در خانه جریان داشته و خانواده‌ها منقطع از طبیعت نباشند. بسترسازی برای فعالیت‌های همچون: خوابیدن زیر نور مهتاب در زمان مناسب، روشن کردن آتش، امکان بازی کودکان با خاک، وجود گونه‌های مثمر، دیدن طلوع و غروب خورشید، و استهلال در طراحی‌ها لحاظ شده است.



دریغ نمودن این امکان‌ها از شهروندان باعث می‌شود آنان گاهی رنج سفرهای بیرون شهری را برای ساعتی نزدیک شدن به طبیعت تحمل کنند و حجم سفرهای مثراکم را افزایش می‌دهند، چنین حجمی علاوه بر تحمیل هزینه و مشکلات بر خانواده‌ها، می‌تواند تخریب‌های مضاعفی را بر منابع طبیعی و فرهنگ نقاط میزبان نیز وارد نماید.





#### ۴-۸- امکان توسعه آینده



در الگوی پیشنهادی، نیاز به خانه دو طبقه، با طراحی حجم به صورت گودال باغچه انجام شده تا ضمن تامین کیفیت فضایی مورد نیاز، حریم همسایگی مورد آسیب قرار نگیرد. از تجمیع چند محله با الگوی معرفی شده و اضافه شدن خدمات لازم در مقیاس فرامحلی و به محوریت مسجد جامع، الگوی یک زیست شهر شکل می‌گیرد.

#### ۵- امکان سنجی تحقق

##### ۵-۱- مسأله زمین

از نخستین پرسش‌هایی که با مشاهده الگوی پیشنهادی به ذهن متبادر می‌شود، مسأله زمین و کمبود آن است. طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت ایران حدود ۲۴ میلیون خانوار بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اگر فرضاً به هر خانوار ایرانی یک زمین ۱۰۰۰ مترمربعی اختصاص یابد، و سایر کاربری‌های غیرمسکونی نیز مطابق مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری (آیین نامه سرانه کاربری‌ها، ۱۳۸۹) با سرانه استاندارد محاسبه شود و هم‌همی شهرهای ایران نیز یک طبقه فرض شوند باز هم کمتر از دو درصد از مساحت ایران کافی خواهد بود.<sup>۲</sup>

##### ۵-۲- آب و انرژی

در حال حاضر حدود ۶۰ هزار روستا و آبادی در ایران وجود دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که از این تعداد ۵۸۰۰۰ مورد به شبکه سراسری برق متصل بوده و ۳۶۰۰۰ مورد تحت آبرسانی وزارت نیرو هستند. (سالنامه آماری وزارت نیرو، ۱۳۹۷) اگر در مجاورت هر یک از این ۳۶۰۰۰ روستا یک مجموعه به طور متوسط ۳۰۰ واحدی ساخته شود امکان مهاجرت معکوس و اصلاح الگوی سکونت و سبک زندگی برای ۳۶ میلیون ایرانی فراهم خواهد شد که این حجم می‌تواند انتقالی را در سطح خرد در زمینه سبک زندگی و در سطح کلان در زمینه اقتصاد مقاومتی، جهش تولید و آمایش متوازن سرزمین فراهم سازد.

این حجم به پیش‌بینی‌های جهانی مبنی بر تمایل چهل درصدی برای سکونت در زیست‌گاه‌های کوچک نیز نزدیک است. و البته علاوه بر روستاها، شهرهای کوچک و متوسط نیز برای احداث چنین زیست‌گاه‌هایی مناسبند. لذا در این طرح هیچ برداشت اضافی به منابع آبی تحمیل نخواهد شد بلکه صرفاً به جای تمرکزگرایی در توزیع منابع، توزیع شبکه‌ای متوازن پیشنهاد می‌شود. با تحویل دادن آب در یک مکان مناسب که دارای فضای باز کافی و امکان بازیافت آب خاکستری با تفکیک از مبدا است می‌توان تولیدات دامی، زراعی و باقی را از این منبع امکان پذیر نمود.

علاوه بر امکان‌پذیری انتقال آب به زیست‌گاه‌های کوچک به جای انتقال به کلان‌شهرها، با خرد شدن نحوه توزیع جمعیت می‌توان روی منابع پایدار آب از جمله آب باران و استحصال آب خاکستری تکیه نمود به طور متوسط در سطح کشور ایران آب باران ۲۴۱ مترمربع برای مصرف یک‌سال یک نفر در بخش خانگی کافی است (سالنامه آماری هواشناسی و

<sup>۲</sup> زمین هزار متری برای ۲۴ میلیون خانوار ۲۴ میلیارد متر مربع زمین لازم دارد که معادل ۲۴ هزار کیلومتر مربع می‌شود این میزان نسبت به مساحت یک میلیون و شصت و چهار و هشت هزار کیلومتر مربعی ایران کمتر از یک و نیم درصد می‌شود. جغ سرانه کاربری‌های غیر مسکونی نیز در آیین نامه مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۰۶ متر مربع می‌باشد که حاصل ضرب آن در جمعیت هشتاد میلیونی معادل هشت هزار و پانصد کیلومتر مربع (کمتر از نیم درصد سرزمین) خواهد بود.

موسسه تحقیقات آب وزارت نیرو، آمار ۱۳۹۷). از نظر انرژی علاوه بر اینکه اتصال ۵۸۰۰۰ روستا و آبادی به شبکه سراسری (سالنامه آماری وزارت نیرو، ۱۳۹۷) فرصت مغتنمی را برای احداث زیست‌شهرها فراهم می‌سازد؛ وسعت خانه‌ها و بهره‌مندی از فضای باز کافی می‌تواند بستر مناسب برای انرژی‌های پاک به ویژه انرژی خورشیدی را فراهم سازد.

### ۳-۵- امکان سنجی اقتصادی و فنی

ساخت‌وساز یک طبقه، ساده‌تر، ارزان‌تر، تعمیرپذیرتر و بادوام‌تر از بلندمرتبه‌سازی است. در زمینه هزینه‌های احداث برآوردهای مربوط به قیمت‌های هفته آخر تیرماه سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد هر مترمربع ساخت‌وساز مسکن مهر طبقه‌های ۲۴ میلیون ریال هزینه دارد و هر مترمربع ساخت‌وساز یک طبقه ۲۳ میلیون ریال. با توجه به هزینه ساخت معابر و مشاعات (برآورد هفته آخر تیرماه= هر مترمربع سه و نیم میلیون ریال) طراحی به نحوی انجام پذیرفته که یک خانه هزارمتری با صد مترمربع بنا (قابل توسعه تا ۱۵۰ مترمربع و بیشتر) و ۶۳ هزار مترمربع مشاعات معادل یک واحد مسکن مهر به مساحت ۸۰ متر هزینه دربردارد (هر واحد ۴۱۷ میلیون تومان). ضمناً مصالح مورد نیاز در ساخت‌وسازهای طبقه‌های دارای آب و انرژی پنهان بالاتری هستند در حالی که در ساخت‌وسازهای یک طبقه می‌توان از مصالح بوم‌آورد و پایدار استفاده کرد.

ردیف	عنوان	ارزانه‌ترین	تعداد واحد	مساحت مفید واحد	مساحت مفید اضافه مسکنی	هزینه هر مترمربع	هزینه اضافی مسکنی و مشاعات مفید
۱	الگوی متداول مسکن مهر	چهار تا شش طبقه روی همکف	۱۶	۸۰	۱۲۰	۶۵۰۰۰۰۰۰	۷۸۰۰۰۰۰۰۰
۲	الگوی پیشنهادی	یک طبقه	۱	۲۰۰	۸۰	۴۸۰۰۰۰۰۰	۳۸۴۰۰۰۰۰۰۰

شکل ۱۹- مقایسه‌ی هزینه احداث بنا و مشاعات در الگوی پیشنهادی با مسکن مهر

این اختلاف هزینه در بخش مشاعات و زیرساخت‌های زیربنایی و تجهیزات و تاسیسات روئینایی شهری کاهش می‌یابد:

مهر فضای سبز و معابر برای هر واحد	هزینه فضای سبز و معابر برای هر واحد	هزینه فضای سبز و معابر برای هر واحد	تاسیسات شهری و حصار شهر (به ازای هر واحد)	هزینه فضای سبز و معابر برای هر واحد	قیمت زمین و سند
۲۸۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰	۱۱،۲۰۰،۰۰۰	۳۳،۸۰۰،۰۰۰	۲۸	۸۲۵،۰۰۰،۰۰۰
۳۵۰،۰۰۰	۴۰۰،۰۰۰	۱۴۰،۰۰۰،۰۰۰	۲۳۱،۰۰۰،۰۰۰	۳۵	۸۱۵،۰۰۰،۰۰۰

شکل ۲۰- مقایسه‌ی مجموع هزینه احداث بنا و مشاعات در الگوی پیشنهادی با مسکن مهر (هر دو محاسبه بر مبنای شهرک ۱۰۰۰ واحدی) هزینه‌های فوق با حذف قیمت زمین محاسبه شده‌اند. و در برآورد، هزینه جدول‌گذاری، کانیو، زیرسازی و آسفالت، کف‌فرش پیاده‌رو، خطوط انتقال نیرو، خطوط انتقال آب، فیبر نوری، تلفن، مبلمان شهری درون شهرک و حصار پیرامونی آن، محاسبه شده و در ستون «فضای سبز و معابر» و ستون «تاسیسات شهری و حصار شهرک» جدول بالا درج گردیده است.

### ۳-۵- مسأله مالکیت و سوداگری

تحقق ایده‌ی زیست‌شهر الزاماتی دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها، حذف قیمت زمین از قیمت تمام‌شده‌ی خاته است. چنانکه اشاره شد، این موضوع از ابتدای انقلاب جزو مطالبات حضرت امام‌خمينی بوده و بعدها در برخی از طرح‌ها نظیر طرح ایجاد شهرک صنعتی و طرح مسکن مهر تا حدودی دنبال شده‌است. پیشنهاد تیم تحقیق استفاده از ظرفیت زمین‌های وقفی به ویژه در مجاور روستاها برای احداث زیست‌شهرهاست. در این چارچوب، مالکیت به صورت اجاره به شرط احیا و پرداخت سالیانه یک‌گرم طلا به‌ازای هر واحد مسکونی خواهد بود. به این ترتیب با احداث ۳۶۰۰۰ هزار زیست‌شهر به صورت متوسط ۳۲۰ واحدی، درآمد پایداری معادل ۱۴ میلیون میلیون ریال (چهارده هزار میلیارد تومان معادل چهارده برابر درآمد کنونی اوقاف) حاصل خواهد شد. وقفی بودن زمین علاوه بر حذف قیمت زمین، سوداگری آن را نیز کاهش می‌دهد و بستری را برای وقف زمین‌های جدید با نیت حل مشکل مسکن فراهم می‌سازد.

## ۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله مثالی از یک روش و سازمان تحقیق را ارائه داد که با همکاری نهاد علم حوزه، دانشگاه و کارشناسی اجرا تلاش نموده تا بر اساس یک نظام معرفتی منقوم از مناشی معرفتی عقل، وحی و تجربه؛ به محوریت وحی، یک الگوی کاربردی را به نحوی عرضه نماید که علاوه بر قابلیت اجرا متناسب با امکانات سرزمینی و اجتماعی، بتواند بستری برای تحقق مطلوبیت‌های فرهنگی و ارزشهای اسلامی-ایرانی باشد.

بدین منظور الگویی کالبدی پیشنهاد شد که مهمترین ویژگی‌های آن عبارت بودند:

«خانه‌ی وسیع و مولد»، «توسعه افقی محدود شبکه‌ای»، «تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت»، «محلّه مقیاسی و نظام اجتماعی مبتنی بر اخوت»، «کاهش قیمت زمین»، «عدالت فضایی و رفع جدایی‌گزینی طبقاتی»، «مسجد محوری»، «عدم محوریت کاربری‌های تجاری در نماهای اصلی شهری»، «طراحی فضاهای تجاری متناسب با نظام توزیع حامی کسب و کارهای خرد و خانگی» و «طراحی شهری پیشرو و دانش بنیان اما مبتنی بر سازوکارهای احسان محور به جای پشنت و رقابت محوری».

بررسی‌های امکان‌سنجی برای تحقق الگویی با ویژگی‌های فوق نشان داد از نظر تأمین زمین، ایده‌ی زیست‌شهر می‌تواند جمعیتی معادل کل کشور را در مساحتی در حدود دودصد مساحت ایران اسکان دهد. از نظر تأمین آب و انرژی نیز راهکارهایی برای طراحی پایدار زیست‌شهر به اجمال بیان گردید. هزینه‌های فنی و اجرایی نیز با کمک فرآیندهای مرحله‌ای احداث، استفاده از الگوهای ساخت مناسب‌تر و بهره‌گیری از معماری مشارکتی برای هر واحد مسکونی معادل مسکن مهر خواهد بود. در این محاسبه، هزینه‌هایی اعم از تاسیسات زیربنایی و روبنایی، معابر و فضای سبز و ... محاسبه شده اند.

این مقایسه به شرط حذف قیمت زمین می‌باشد که تاکنون دو تجربه موفق در این زمینه در کشور وجود داشته (شرکت شهرکهای صنعتی و مسکن مهر) و الگوی سومی نیز به صورت اجاره به شرط احیا در این تحقیق پیشنهاد گردید. بزرگترین مانع برای اجرای چنین الگوهایی نه کمبود منابع و امکانات سرزمینی و طبیعی است نه کمبود استقبال مردمی، بلکه رسوب الگوها و نظریات قدیمی و عمدتاً وارداتی شهرسازی و معماری در اذهان است که مانع حل مشکل مسکن شده و آسیب‌های فراوانی را به محیط زیست، روابط اجتماعی و فرهنگی، قدرت پدافند غیر عامل و پدافند زیستی، عدالت اجتماعی و فضایی، امکان مشارکت مردمی در شکل دهی و مدیریت محیط، تخریب روابط خانوادگی، آسیب به سلامت جسمی، روحی و روانی شهروندان در پی داشته است.

امید می‌رود با اجرای عملی الگو بتوان تغییر و اصلاح این ذهنیت را مدیریت نموده و با نمایش ملموس کارآمدی، آن‌را به پیشرانی برای اصلاح شهرها و روستاهای موجود تبدیل نمود. چنین فرآیندی به همکاری جامعه علمی با روش و سازمانی مناسب نیاز دارد تا بتواند الگوهایی متناسب با بوم، فرهنگ و ارزشهای اسلامی-ایرانی را تکمیل نموده و برنامه‌ی فراگیری و تکتیر آن را عرضه نماید.

## فهرست منابع فارسی

- آرامی، حمیدرضا؛ حکمت‌نیا، محمود و فهمیمی، عزیزاله (۱۳۹۸). معماری شهری و مالکیت فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع-حقوق اسلامی. دوره ۱۶. شماره ۶۳. (۱۱۵-۱۳۱).
- اراکی، محسن (۱۳۹۳). درس فقه نظام عمران شهری. قم: فیضیه.
- اراکی، محسن (۱۳۹۷). فقه نظام عمران شهری. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- استروفسکی، واتسلاف (۱۳۹۰). شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن. ترجمه لادن اعتضادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پیروزمند، علیرضا و عباس جهانبخش. (۱۳۹۷) مبانی و روش تحقیق تکاملی در علوم انسانی اسلامی. کتاب

- نظریه. شماره سوم. تهران: آفتاب توسعه.
- جهانبخش، عباس (۱۳۹۸). روش‌شناسی اسلامی نظریه‌پردازی معماری. رساله دکتری. دانشگاه هنر اصفهان.
  - جهانبخش، عباس و حسن شیخ‌العراقین زاده (۱۳۹۸). رابطه علم و فرهنگ، زیرساخت نظری تمدن اسلامی. دوفصلنامه بنیادین تمدن نوین اسلامی. دوره ۲. شماره ۱. (۳۷-۶۹)
  - جیکوبز، جین (۱۳۹۹). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
  - حسینی الهاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۷۸). علل و عوامل ناهنجاری‌ها (ج ۱). قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.
  - حسینی الهاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۶۹-۱۳۷۰). دوره سوم نظام ولایت. کد ۱۵۹. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.
  - حسینی الهاشمی، سیدمنیرالدین (۱۳۷۰-۱۳۷۲). دوره عالی نظام ولایت. کد ۱۵۹. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.
  - رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۹). الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه ای تحقیقات. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
  - رضوی، سید مهدی؛ ابراهیم صادقی و حسن شیخ‌العراقین زاده (۱۳۹۷). درآمدی بر شبکه اسلامی تحقیقات. قم: فرهنگستان علوم اسلامی. نشر داخلی.
  - رضوی، سید مهدی و حسن شیخ‌العراقین زاده (۱۳۹۸). بررسی خصوصیات متمایزکننده علم اسلامی از علم غربی و تأثیر آن بر ساختار نظریات علمی. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
  - رفیعی طباطبایی، سید حمید (۱۴۰۰). فرهنگ شهر اسلامی. فرهنگستان علوم اسلامی. قم: پژوهش منتشر نشده.
  - سمهودی. علی بن عبد الله (۱۴۱۹ق) وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
  - شیخ‌العراقین زاده، حسن (۱۳۹۹). مدل موضوعی خیر و احسان. قم: فرهنگستان علوم اسلامی. جزوه داخلی.
  - شیخ‌العراقین زاده، حسن و جهانبخش، عباس (۱۳۹۶). باز تعریف سازمان تولید علم در ایران، بر اساس نظریه علم دینی فرهنگستان علوم اسلامی. قم: شیراز: همایش ملی چیستی و چگونگی تحول در علوم اسلامی.
  - کمالی، سید امیرحسین، مهدی خجسته صفا و حسین باقری (۱۴۰۰). روابط اقتصادی و نظام تولید و توزیع اسلامی. فرهنگستان علوم اسلامی. قم: پژوهش منتشر نشده.
  - عثمان، عبدالستار (۱۳۷۶). مدینه اسلامی. ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.
  - فرهادی مرتضی (۱۳۹۱). فرهنگ یاریگری در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  - مرتضوی شاهرودی، سید محمود، علی ملایی و عباس جهانبخش. (۱۳۹۹). مروری بر تجارب جهانی و داخلی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی. پژوهش منتشر نشده.
  - مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۷). نظریه اجتماعی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی. پژوهش منتشر نشده.
  - میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۲-۱۳۸۳). فلسفه دوره نهم (فلسفه تطبیقی). کد دوره ۸۳۷. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.

#### فهرست منابع فارسی و انگلیسی

- Araki, Mohsen (2014). Jurisprudence of urban development system. Qom: Faizieh.
- Araki, Mohsen (2018). Jurisprudence of urban development. Qom: Islamic Thought Association.

- Arami, Hamidreza; Hekmatonia, Mahmoud and Fahmimi, Azizaleh (2019). Urban architecture and ownership of space beyond the normal height. Islamic law. Volume 16. Number 63 (115-131).
- Farhadi Morteza (2012). Aid culture in Iran. Tehran: University Publishing Center.
- Hosseini Al-Hashimi, Seyed Monir al-Din (1990-1991). The third period of the provincial system. Code 159. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.
- Hosseini Al-Hashimi, Seyed Monir al-Din (1991-1992). Higher period of the provincial system. Code 159. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.
- Hosseini Al-Hashimi, Seyed Monir al-Din (1999). Causes and factors of anomalies (c 1). Qom: Research portal of the Academy of Islamic Sciences.
- Jacobs, Jane (2020). Death and life of major American cities. Translated by Hamid Reza Parsi and Arezoo Platoni. Tehran: University of Tehran.
- Jahanbakhsh, Abbas & Aminpoor, Ahmad (2018) Methodology of Mosque-Oriented Built Environments, Case Study of Contemporary Mosques of Iran Cities, Hamdard Islamiquis, vol. XLI, June.
- Jahanbakhsh, Abbas (2019). Islamic methodology of architectural theory. Ph.D. Thesis. Art University of Isfahan.
- Jahanbakhsh, Abbas and Hassan Sheikh Al-Iraqizadeh (2019). The relationship between science and culture, the theoretical infrastructure of Islamic civilization. Basic Bi-Quarterly of Modern Islamic Civilization. Volume 2. Number 1 (37-69).
- Kamali, Seyed Amir Hossein, Mehdi Khojasteh Safa and Hossein Bagheri (2021). Economic relations and the system of Islamic production and distribution. Qom Islamic Sciences College. Unpublished research.
- Mehdizadeh, Hossein (2018). Social theory. Qom: Academy of Islamic Sciences. Unpublished research.
- Mirbagheri, Seyed Mohammad Mehdi (2003-2004). Philosophy of the ninth period (comparative philosophy). Course Code 837. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.
- Moir, Emily, Moonen, Tim and Greg Clak (2014), What are future cities? Origins, Meanings and uses, Compiled by the business of cities for the foresight futuer of cities project and the future cities catapult.
- Mortazavi Shahroudi, Seyed Mahmoud, Ali Mollai and Abbas Jahanbakhsh (2020). An overview of global and domestic experiences. Qom: Academy of Islamic Sciences. Unpublished research.
- Osman, Abdul Sattar (1997). Islamic city. Translated by Ali Cheraghi. Tehran: Amirkabir.
- Piroozmand, Alireza and Abbas Jahanbakhsh. (2018) Principles and methods of evolutionary research in Islamic humanities. Theory Book. Number three. Tehran: Aftab Tose'e.
- Rafiei Tabatabai, Seyed Hamid (2021). Islamic city culture. Qom Islamic Sciences College. Unpublished research.
- Razavi, Seyed Mehdi and Hassan Sheikh Al-Iraqizadeh (2019). A study of the distinguishing characteristics of Islamic science from Western science and its effect on the structure of scientific theories. Proceedings of the 4th International Congress of Islamic Humanities. Tehran: Aftab Tose'e Publications.
- Razavi, Seyed Mehdi; Ebrahim Sadeghi and Hassan Sheikh Al-Iraqizadeh (2018). An Introduction to the Islamic Research Network. Qom: Academy of Islamic Sciences. Internal publication.
- Rezaei, Abdul Ali (2010). Design model of research network management organization. Qom: Academy of Islamic Sciences.
- Samhudi. Ali Ibn Abdullah (1419 AH) Wafa Al-Wafa with the news of Mustafa Beirut. Dar Al-Kitab Al-Alamiya.

- Sheikh Al-Iraqi Zadeh, Hassan and Abbas Jahanbakhsh (2017). Redefining the Organization of Science Production in Iran, based on the theory of religious science of Qom Academy of Islamic Sciences. Shiraz: National Conference on What and How to Develop in Islamic Sciences.
- Sheikh Al-Iraqinzadeh, Hassan (2020). Thematic model of goodness and kindness. Qom: Academy of Islamic Sciences. Internal booklet.
- Strofsky, Watslaf (2011). Contemporary urban planning from the first sources to the Athens Charter. Translated by Laden Etezadi. Tehran. University Publication Center.

## The pattern of productive Zistshahr (Livable city): a drive toward Islamic urban planning

Abbas Jahanbakhsh<sup>1</sup>, MohammadSaleh Shokouhbidhendi<sup>2</sup>

1- PhD in Architecture, Faculty Member of Art University of Isfahan, a.jahanbakhsh@aui.ac.ir.

2- PhD in Urban Planning, Faculty Member of Iran University of Science and Technology, Corresponding Author, shokouhi@iust.ac.ir

### Abstract

One of the biggest strategic harms and mistakes that a society may suffer is the mistake at the level of dreams and social horizons. In such a way that there is a contradiction and inconsistency between the dreams and ideas that are for a social structure, for example, the "ideal form of the city" and the dream and ideal that is chosen for the whole social life and society is formed around it. The more society tries and spends for that heterogeneous structure, the more it becomes practically incapable and far from its goals and ideals. Therefore, this article, by depicting the favorable future situation of cities, has tried to direct the wishes and dreams of citizens and city managers about the city (and in principle society and life) and according to public acceptances and norms, which is interpreted as culture. To draw and achieve a better future and show that in contrast to the current style of urban planning in the country, which is influenced by the modernist model of the West, one can think of values such as "productive home", "constructive and thoughtful interaction with nature", "Brotherhood-based social system", "land price reduction", "spatial justice and the elimination of segregation", "family-based planning", "large housings", "mosque-led planning" and "neighborhood scale". The idea of "Zistshahr" (livable city) is an attempt to achieve these values. This proposed model is presented in the form of bio-living complexes and according to the components of indigenous styles as well as the desirability and teachings of Iranian-Islamic culture. The design of the Zistshahr is an attempt to redefine the pattern of construction in newly established towns and settlements, so that it includes a large and productive residential units and provides other urban services in a way that, in addition to provide the needs, empowers families and the provides possibility of formation of the environment by the residents.

However, the realization of this idea requires feasibility studies. The four main issues around which feasibility studies are conducted are: the issue of land and its scarcity, the issue of water and energy supply, the issue of construction costs, and finally the issue of legal capacity.

Findings show that in terms of land supply, the idea of Zistshahr can accommodate a population equivalent to the entire country in an area of about 2% of the area of Iran. In terms of water and energy supply, there are solutions for sustainable urban design, which are explained in the article. Technical and executive costs will be equal to the Mehr housing projects (governmental housing projects in Iran in 2010s) for each residential unit with the help of the stages of construction, the use of more appropriate construction patterns and the use of participatory architecture, with the difference that the total area of the arena and lots of each unit in the city is about 5 to 15 times larger than Mehr housing units and with the help of mechanisms to eliminate and reduce land prices (similar to the methods used in Mehr housing and land supply model in the industrial towns experiences in Iran in 1980s), the design of the Zistshahr model can be more economical, sustainable and more logical than common patterns in urban planning in Iran. In addition to reforming the pattern of newly established cities and towns, it provides a platform for reverse migration to villages and solving the problem of imbalance and centralism in land management, and also plays a role as a driving force for reforming existing cities and villages.

**Keywords:** Islamic architecture, Islamic urban planning, Zistshahr, livable city, fair land management.